

۱۸۰
فتودور کوروفکین

تاریخ دنیای قدیم

شرق
باستان

ترجمه: غلامحسین متین

به خاطر شهید :
حمید مومنی

تاریخ دنیای قدیم

فهرست

صفحه	عنوان
۶	باری ...
۷	چگونه از این کتاب ...
۸	اشاره‌ای پیرامون تاریخ
۳	زندگی مردمان نخستین
۱۳	فصل اول - گردآورندگان و شکارچیان
	مردمان باستانی چگونه می‌زیستند
	جماعت‌های عشیرتی شکارچیان
۳۱	فصل دوم - دام‌پروران و کشاورزان
	آغازکار دام‌پروری و زراعت
	پیدایش نابرابری بین آدمیان
۴۲	شمارش سال‌ها در تاریخ
۴۹	شرق باستان
۵۱	فصل سوم - مصر باستان
	طبیعت و مشاغل اهالی مصر قدیم
	پیدایش طبقات در مصر
	تشکیل دولت‌ها در مصر باستان
	اداره دولت و مبارزات طبقاتی
۹۱	چگونه خط قدیم مصری خوانده شد؟
۹۹	فصل چهارم - آسیای مرکزی در عهد قدیم
	پیدایش طبقات در میان‌رود
	دولت‌های دیرین و سلطنت بابل
۱۲۸	فصل پنجم - هند باستان
	تشکیل طبقات و دولت در هند
۱۳۲	منقوله ماهاباراتا
۱۴۳	فصل ششم - چین باستان
	تشکیل دولت چین
۱۵۵	قیام سرخ ابروان
۱۶۳	نتیجه بخش شرقی باستان



انتشارات اسکنر

- ☐ کور و فکین ف. پ.
- ☐ تاریخ دنیای قدیم
- ☐ شرق باستان
- ☐ شلامحسین متین
- ☐ چاپ ششم (۱۳۵۹)
- ☐ چاپ فاروس ایران
- بها ۹۸۰ ریال

باری...

قصه نداشتیم جلد اول را ترجمه کنم. به خاطر حرمت نام حمید و ملاحظات دیگر... اما، بعضی از موزی‌گری‌های کاسبکارانه و مهم‌تر، ضرورت زمان مرا به این کار واداشت.

منی را که من و شهید مومنی برای ترجمه در اختیار داشتیم، متعلق به سال ۱۹۹۵ بود. ترجمه حاضر از روی متن ۱۹۷۳ انجام گرفته. کوروفکین طی این مدت کتاب خود را تکامل بخشیده، در مواردی چند در آن اصلاحاتی انجام داده و حتی در پیش‌و تم‌رین‌ها تجدید نظر کرده است. تصاویر کتاب نیز از حالت اولیه، به حالتی مستندتر، یعنی بیشتر با عکس نه نقاشی برگشته و این امر، سندیت آن را تقویت می‌کند.

در تمام مدتی که من این جلد را ترجمه می‌کردم (ظرف ۳ روز) یاد و سیمای نجیب حمید در کنارم بود. گوئی از لابلای صفحات کتاب زنده می‌شد، جان می‌گرفت و به سخن درمی‌آمد: آخرین دیدار در پاساژ صفوی شاه آباد. می‌رفت که مخفی شود، و زندگی کوتاه زیرزمینی خود را آغاز کند، و رفت. یاد او و خیل شهیدان راه آزادی و استقلال این میهن، به‌غیر باد.

م. غ.
آذر ۵۹

از این کتاب چگونه باید استفاده کرد؟

مطالب این کتاب به چند بخش، هر بخش به چند فصل و هر فصل به چند بند تقسیم شده. «فهرست» کتاب را باز کنید، خواهید دید که کتاب درباره‌ی چه چیزهایی گفت و گو می‌کند و از چه قسمت‌هایی تشکیل یافته. هر بند به چند ماده تقسیم شده. عنوان ساده‌ها نمودار خلاصه‌ی مطالب آنهاست.

اگر پیش از هر بند سئوالی در کتاب هست، خودتان درباره‌اش فکر کنید و پاسخ آن را بیابید. این موضوع نه تنها باعث می‌شود که شما آنچه را قبلاً خوانده‌اید، به خاطر بیاورید، بلکه می‌تواند شما را در پی بردن به مطالب جدید راهنمایی کند.

هر بند را بطور کامل و با دقت بخوانید. اما به مطالبی که برجسته چاپ شده، توجه بیشتری بکنید. به تصویرهای کتاب هم به دقت نگاه کنید. دریاها، رودخانه‌ها، کشورها و حتی شهرهایی را که نامشان در کتاب هست، در روی نقشه پیدا نمایید.

پس از خواندن هر بند به سئوالاتی که در پایان آن نوشته شده، پاسخ بدهید. خود را امتحان کنید، ببینید آیا نتیجه‌گیری‌ها و تعریف‌هایی را که خوانده‌اید، فهمیده‌اید؟

مطالب هر بند را با بیان خودتان شرح بدهید، ابتدا ماده‌ی اول را بخوانید و شرح بدهید. سپس در مورد هر ماده به ترتیب اینکار را انجام دهید. آنگاه تمام بند را به‌طور یکجا برای خود بازگو کنید.

هنگام خواندن کتاب، به پرسش‌ها بطور کتبی پاسخ دهید و پاسخ‌ها را در دفترچه‌ای به ترتیب پاکوئیس کنید تا پس از مطالعه بتوانید در یافتن‌های خود را از کتاب مورد ارزیابی قرار دهید.

اشاره‌ای پیرامون تاریخ دنیای قدیم

تاریخ - يك واژه کهن یونانی است. وقتی این واژه به زبان روسی برگردانده می‌شود، معنای «تحقیق یا پژوهش» و یا «حکایت وقایع» به خود می‌گیرد. ما تاریخ را علمی می‌نامیم که چگونگی زندگی آدمیان و این که چگونه ثمره کار آن‌ها شکل زمین را دگرگون ساخت و چطور و چرا زندگی آدم‌ها دگرگون شد و به شکل کنونی درآمد، مورد پژوهش قرار می‌دهد.

هر کشوری تاریخی مخصوص به خود دارد. از جمله کشور ما. شما اکنون می‌دانید که خلق‌های کشور ما چگونه می‌زیستند و زحمت می‌کشیدند و چگونه دشت‌ها - استپ‌های بی‌کران را با کشت و زرع فتح کردند، جنگل‌های انبوه را قطع نموده و شهرها و کارخانه‌های بزرگ ایجاد کردند و نیز می‌دانید که چگونه سرزمین خود را از شر اشغالگران در امان داشتند و سرانجام انقلاب اکبر ۱۹۱۷ را به پیروزی رساندند و کشوری به وجود آوردند بنام اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی. تاریخ کشور ما - جزئی از تاریخ جهان - تاریخ خلق‌های تمامی زمین است.

اکنون شما با تاریخ دنیای قدیم، که چگونگی زندگی مردم را در گذشته دور دست نشان می‌دهد، آشنا می‌شوید. ما از چه طریقی می‌توانیم بدانیم که مردم هزاران و ده‌ها هزار سال پیش چگونه زندگی می‌کردند؟

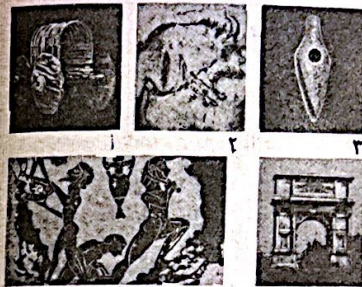


۵ منابع مکتوب تاریخ:
۱. سنگ ابشته‌ای از مصریان
باستان ۲. نوشته‌ای بر صلبه
گلی (عالی) ۳. کتاب‌های رومی
و جیمه مخصوص محافظت آن‌ها.
(در جریان مطالعه کتاب‌ها با این
گونه منابع تاریخی متضاد آشنا
می‌شوید.)

زندگی مردم بدون این که رده‌ای از خود در زمین به جا بگذارد، سبزی نشده است. زندگی از خود «اثر» به جا می‌گذارد. با بررسی این «ردها و اثرها» دانشمندان می‌توانند بدانند خود زندگی از چه قرار بوده است.

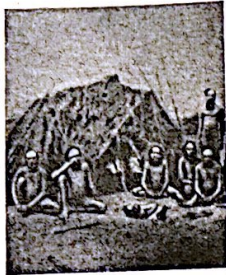
علامت‌گویی مردم از همان ایام قدیم یادداشت‌هایی در مورد اقتصاد به عمل می‌آوردند، وقایع روزمره را ثبت می‌کردند. آن‌ها را روی ریشه درختان، روی سنگ‌ها، روی پوست‌های دباغی شده حیوانات و روی مواد دیگر، یادداشت می‌کردند. کهن‌ترین یادداشت به پنج هزار سال پیش مربوط می‌شود. (روی «خط زمان» نشانه‌های این دوران را پیدا کنید).

معلولک، پیدا کردن یادداشت‌ها و خط نوشته‌های کهن، برای شناخت تاریخ کافی نیست. باید رمز خواندن درباره آن‌ها را به دست آورد. بسیاری از این خط نوشته‌ها به صورت علامتی ثبت شده‌اند که در حال حاضر هیچ کس با آن علامت چیز نمی‌نویسد و، این علامت، به زبان‌هایی نوشته شده که مدت‌های مدید است که دیگر هیچ کس بدین زبان‌ها، سخن نمی‌گوید. دانشمندان به راز کتابت اکثر خلق‌های جهان باستان پی بردند. علامت گنگ و



نامفهوم کهن به سخن در آمدند و از دولت های نیرومند عهد قدیم، از قیام های ملی، از پیدایش آگاهی های علمی و مسایل بسیار دیگر سخن گفتند.

با دداشت هائی را که دانشمندان به وسیله آن ها توانستند تاریخ را بشناسند، منابع مکتوب تاریخی یا اسناد تاریخی نام دادند. اشیاء و نقش های سخن گو- علاوه بر اسناد تاریخی، زندگی مردم اهل باستان «ردها»ی دیگری نیز از خود به جا گذاشته اند: مقبره های آدمیان قدیم، اشیائی که به وسیله آن ها ایجاد شده و نیز بقایای نقاط مسکونی، از این جمله اند. يك ضرب المثل ملی می گوید: «خانه ات را به من نشان بده، تا بگویم چگونه زندگی می کنی». دانشمندان می گویند: «استخوان يك انسان قدیم را به ما نشان دهید تا بگوئیم او چگونه موجودی بود. اشیای این انسان را به ما نشان دهید تا بگوئیم چه می کرد، چه می دانست، چگونه زندگی می کرد». نقش ها و تصاویر کهن نیز از خیلی چیزها حکایت می کنند. در این تصاویر، زندگی این مردمان ترسیم شده است. کار آن ها، جنگ ها، جشن ها، و اشیائی که مورد استفاده آن ها بوده است. اشیاء و نقش های مردمان اهل باستان را منابع مادی تاریخ



۵ منابع مادی تاریخ: ۱. نقاله چوبی، که در ارمنستان یافت شده. ۲. گاو وحشی زخمی مصور بر دیوار غار. ۳. قبر سنگی. ۴. نقاشی یونان باستان. ۵. بنای تاریخی در رم (ضمن مطالعه کتاب می فهمید که این منابع از چه چیز حکایت دارند).

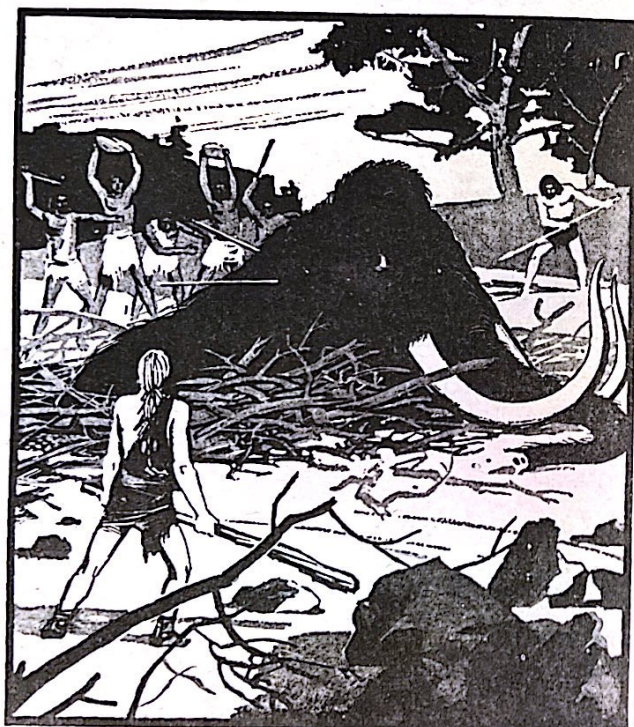
استرالیایی ها در کنار کبر (عکس) ◀

می نامند. این نقش ها از زمانی باقی مانده است که هنوز آدم ها یاد نگرفته بودند چیز بنویسند.

جست و جوگران «رد» دوران قدیم- شما، لابد، دریافته اید که حتی ظرف چند روز، اشیاء را گرد و خاک نازکی فرو می پوشانند. حالا می توانید حدس بزنید که طی هزاران سال چه قشر ضخیمی از شن و گرد و غبار روی اشیای عهد باستان را پوشانده و بر آن ها چه علف ها و گیاهان و درختانی روئیده است. به همین جهت یافتن «رد» زندگی مردمان قدیم، کار آسانی نیست. دانشمندان همین که محلی را کشف می کنند که در آن اثری از این «ردها» یافت می شود، شروع می کنند به حفاری.

علمی که زندگی مردمان را از روی منابع مادی تاریخ مورد پژوهش قرار می دهد، **باستان شناسی** نام گرفته است. دانشمندان را که به حفاری پرداخته و منابع مادی را بررسی می کنند، **باستان شناس** می نامند. یافته های باستان شناسان را در موزه ها نگاه داری می کنند.

سفر به ژرفای زمان - در جزایر دور دست و بعضی از نقاط دیگر زمین، خلق هائی زندگی می کنند که از لحاظ پیشرفت، خیلی از ما دور هستند. تا همین چندی پیش خط و کتابتی از خود نداشتند



زندگی مردمان نخستین

فصل اول

گردآورندگان و شکارچیان نخستین

و فلزات را نمی شناختند. این گونه آدم ها را «وحشی» می نامیدند. زندگی «وحشی ها» خیلی شباهت دارد با زندگی مردم باستان. دانشمندانی که به نزد آن ها رفته اند، گوئی که خود را در «ژرفای زمان» یافته اند. دانشمندان عادات و آداب آن را مورد پژوهش قرار داده اند.

بررسی زندگی ملل عقب مانده، به شناخت و درک بهتر زندگی مردمان باستانی کمک می کند.

پرسش و تمرین:

- ۱- تاریخ دنیای قدیم از چه چیزی حکایت دارد؟ چه منابعی درمورد تاریخ دنیای قدیم به ما آگاهی می دهند؟
- ۲- باستان شناسی چیست؟ این واژه چگونه به وجود آمده؟
- ۳- درباره کار باستان شناسان چیزی شنیده و یا خوانده اید؟ شده است که در مورد زندگی وحشی ها مطلبی بخوانید؟

بند اول

مردمان باستانی چگونه بودند و چگونه می زیستند؟

۱. باستانی ترین آدم‌ها

کهن ترین مردمان بیش از يك ميليون سال پیش در روی زمین پدیدار شدند. این مردمان به شدت با مردم زمان ما تفاوت داشتند و شبیه میمون‌های بزرگ بودند.

پیشانی آن‌ها کوتاه و شیب دار بود. مغزشان بزرگ‌تر از مغز میمون‌ها، ولی به مراتب کوچک‌تر از مغز انسان‌های کنونی بود. هنگام راه پیمائی به شدت به جلو خم می شدند. درازی دست‌های آن‌ها تا پائین زانویشان بود. پنجه آن‌ها چابک نبود. بادست‌های خود فقط می توانستند کارهای ساده‌ای انجام دهند: زمین بکنند، چیزی را بگیرند، ضربه‌ای بزنند.

آن‌ها فقط علایم صوتی بریده بریده اندکی را می دانستند. و با این علایم، خشم و وحشت خود را بیان می کردند و دیگران را به کمک می طلبیدند و یکدیگر را از خطر آگاه می نمودند.

۲. ابزار کار

انسان نخستین، از پنجه و چنگ و دندان محکمی که اکثر حیوانات درنده دارند، برخوردار نبود. ولی از سنگ‌هایی استفاده می کرد که لبه‌هایی تیز داشتند. برای تیز کردن لبه سنگ‌ها، تکه‌های کوچکی از سنگ را می کند و این کار را با به هم زدن دو سنگ

رو می کرد. این مشغله را «گردآوری» می نامی دند: آدم ها، آنچه را که طبیعت به آن ها می داد، گرد می آوردند.

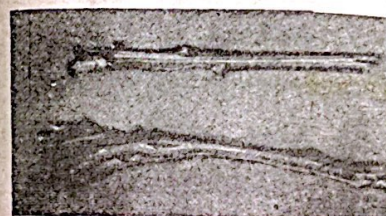
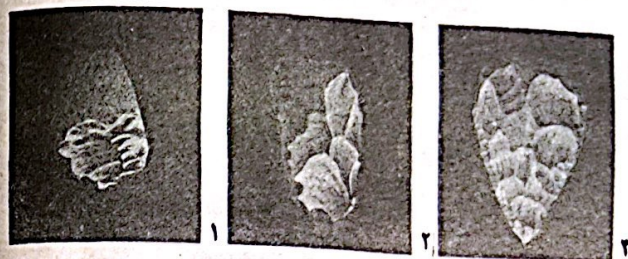
گروهی از آدمیان که مجهز به چماق و چوب های نك تیز و تبردستی بودند، حیوانات مریض و عقب مانده از گله را: گاوهای وحشی، گوزن ها و گرازها را شکار می کردند.

گردآوری و شکار نخستین مشاغل انسان بودند.

۴. تسخیر آتش

همان گونه که حیوانات وحشی از آتش می ترسند، آدمیان باستانی نیز از آن هراسناك بودند. آن ها با وحشی عظیم از حریق- های جنگلی، که در اثر اصابت صاعقه ایجاد می شد، فرار می کردند، وحشت آن ها در مقابل گدازه های آتشفشان ها، عظیم تر بود.

ولی آدمیان نخستین به تدریج متوجه شدند که آتش مهیب می تواند دوست مطمئنی هم باشد: بدن انسان را در هوای سرد، گرم می کند و انسان را از شر حیوانات درنده در امان می دارد. انسان- های نخستین با استفاده از شعله ای از حریق ها و یا گدازه های آتشفشانی خرمن های آتش برمی افروختند. شب و روز عده ای را در کنار خرمن های آتش نگاه می داشتند تا شاخه های خشکیده را در آن افکنند: اگر که آدم ها به نقطه جدیدی کوچ می کردند، نیم- سوزهای درخشانی با خود حمل می کردند. حیوانات درنده خشمناك جرات نمی کردند به مردمی حمله و روشنند که شب هنگام گرد خرمن- های آتش نشسته بودند. آن ها از مقابل انسانی که شاخه سوزانی در دست داشت، عقب می نشستند. گوشت و گیاهانی که در آتش پخته می شد، خوشمزه تر و بیشتر قابل خوردن بود.



۵ ابزار کار گلهای انسانی: ۲ و ۳. تبرهای دستی (دقت کنید در جریان صدها هزار سال چه تغییراتی کرده) ۴. چماق و چوب حفاری (تقریباً برای مردمان قدیم با این ابزار چه مشاغلی امکان پذیر بود؟)

انجام می داد. به این سنگ های نك تیز تبردستی می گویند. با این تبرهای دستی می شد استخوان ها را شکست، شاخسار درختان را قطع کرد، سرجوب ها را برای کندن زمین تیز کرد. تبردستی محکم تر از هر چنگ و دندانی بود و ضربه با يك چماق ضخیم سنگین تر از ضربه چنگ خرس بود.

تبردستی، چوب حفاری و چماق نخستین ابزار کار انسان بودند. مردمان با كمك آن ها برای خود غذا به دست می آوردند. در حالی که هیچ حیوانی نمی تواند حتی ساده ترین ابزار کار را به سازد. قدرت تهیه ابزار کار، تفاوت عمده انسان نخستین از حیوانات بود.

۳. پیشه انسان های نخستین

مردم میوه های خودرو و تخم پرندگان را جمع می کردند و با كمك چوب و تبردستی ریشه های خوردنی گیاهان و کرمینه های حشرات را بیرون می آوردند و سوراخ حیوانات كوچك را زیرو-

آدمیان نخستین، با یاد گرفتن استفاده از آتش، از حیوانات باز هم بیش تر متمایز شدند.

۵. گله های انسانی

زندگی انسان های دیرین بسیار دشوار و سرشار از خطر ها بود. اغلب، روبرو شدن با حیوانات بزرگ، به مرگ انسان می-انجامید. آدم ها بیشتر اوقات قادر به تأمین غذای خود نبودند. بیش از نیمی از این مردمان تا پیش از ۲۰ سالگی می مردند: عده ای در میان چنگ و دندان حیوانات درنده و عده ای از بیماری ها و گرسنگی.

مردمان دیرین نمی توانستند تنها زندگی کنند. در تنهایی نمی توانستند غذائی برای خود فراهم آورند و آتش را نگاه دارند. در تنهایی با از گرسنگی می مردند یا در دام حیوانات وحشی و درنده از میان می رفتند. به همین جهت به طور جماعتی - اشتراکی زندگی می کردند و با هم غذا به دست می آوردند و با هم در کنار خرم های آتش خود را گرم می کردند.

در هر جماعتی چند ده نفر انسان به سر می بردند. اکثر آن ها قادر نبودند از يك محل خوراك خویش را به دست آورند. گروه - دائماً از افراد مشخصی تشکیل نمی شد. مردمان نیز همچنان که در گله حیوانات درنده اتفاق می افتد، می آمدند و می رفتند. جمع آدمیان دیرین را «گله انسانی» می نامند.

گله های آدمیان نخستین تنها در دشت های سرزمین هائی می-توانستند زندگی کنند، که دارای گیاهان و درختان فراوان بود و می شد در آن جاها بدون لباس و مسکن به سربرد. رد زندگی آدمیان باستانی در آفریقا، آسیا و اروپا کشف شده است.

پرسش و تمرین

۱. داستانی در مورد مردمان باستانی تهیه کنید.
۲. چه چیزی انسان باستانی را از انسان کنونی متمایز می کند.
۳. عمده ترین فرق انسان باستان از حیوانات چیست؟
۴. جماعت انسان های نخستین چه نامیده می شود؟ این اصطلاح را شرح دهید.

بند دوم

جماعت‌های عشیرتی شکار چیان

۱. سرمای سخت در زمین

صدها هزار سال از زندگی آدمیان در روی زمین سپری شده بود. تقریباً ۱۰۰ هزار سال پیش در زمین سرمای سختی حکم فرما شد. سرما مخصوصاً در اروپا شدیدتر بود. زمستان‌ها و یخ‌بندان‌ها طولانی‌تر شدند. تابستان‌های کوتاه نمی‌توانستند یخ و برف اروپای شمالی را ذوب کنند. زمین را «یخچال» های عظیمی پوشانده بود که قطر آن‌ها تا دو کیلومتر می‌رسید. یخچال‌ها تا دشت‌های شمال، که دارای گیاهان ناچیزی بودند، گسترش یافته بود. حیواناتی که به گرما عادت داشتند، یا از میان رفتند و یا به جنوب کوچیدند. زندگی آدمیان نیز در شرایط دشوار سرمای سختی که آغاز شده بود، سخت‌تر شد.

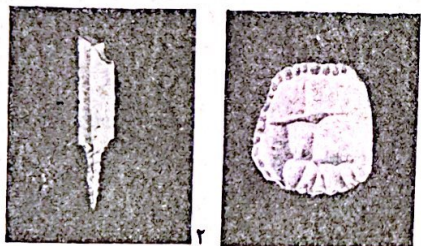
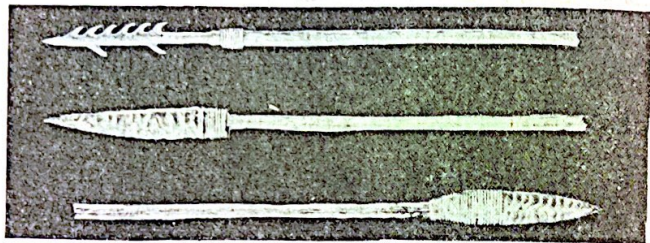
۲. گسترش ابزار کار

طی صدها هزار سالی که سپری شده بود، انسان‌ها فراگرفته بودند ورقه‌هایی از سنگ تهیه کنند و از این ورقه‌ها، نیزه‌های نوک تیز، کارد، گیره، ابزار سوراخ‌کننده بسازند. انسان با شکستن قلم‌های استخوان، که می‌خواست مغز آن را به دست آورد، متوجه شد که استخوان‌های شکسته نکى تيز بهم می‌زنند. پس، انسان موفق شد از استخوان‌ها و شاخ حیوانات درفش، سوزن و نیزه‌دنده‌دار که در بدن حیوانات گیر می‌کرد، تهیه کند.

۲۰



۵. مساحتی که در ایام سردی زمین پوشیده از یخچال شده، (بینید کشور شما هم شامل این یخچال بزرگ می‌شود؛). ابزار کار ۲۰-۳۰ هزار سال پیش؛ ۱. نیزه‌دنده‌دار استخوانی و نیزه نئوسنکی. ۲. منه‌باستانی ۳. تراشنده.

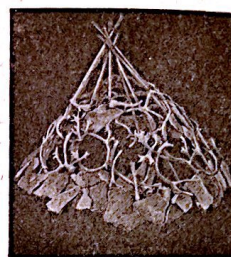


ولی ابزار سنگی همچنان برای انسان ابزار اصلی بود. تنها با این ابزار بود که می‌توانست چوب را به اشکال گوناگون در آورد و استخوان و شاخ حیوانات را ببرد.

مردمان ضمن استفاده از چوب متوجه شدند وقتی که دو قطعه چوب خشک را به شدت و مدتی مدید به هم می‌مالند چوب روشن می‌شود. بدین سان بود که انسان خود آموخت آتش را به دست آورد. ایجاد خرمن آتش، از قید یافتن تصادفی آتش، رها شد.

۲۱

مسكن شكارچيان باستان
اين گونه مسكن از شاخ و
استخوان حيوانات ساخته مى-
شد و پوشش آن نيز پوست
حيوانات بود.



۳. شكار

آدم‌هاى جماعتى، كه مسلح به نيزه و نيزه دندانه دار بودند، گوزن‌ها و گاووان و اسبان وحشى را شكار مى كردند. شكارچيان در كمين گله حيوانات مى نشستند و درحالى كه نيزه‌ها و شاخه‌هاى شعله‌ور را تكان مى دادند، حيوانات را كه از وحشت هوش از كف داده بودند، به كمين گاه مى رانند.

آدم‌ها - ماموت - را كه فيل‌هاى عظيمى بودند پوشيده از پشم نيز شكار مى كردند. ماموت مى توانست با يك ضربه خرطوم نيرومند خود انسان را نابود كند. ولى شكارچيان، با ترساندن ماموت به وسيله آتش، او را به سوي گودال - دامى كه روى آن را با شاخ و برگ درختان پوشانده بودند، مى رانند. جانور كه در گودال مى افتاد قادر نمى شد از آن در آيد و شكارچيان او را از پاى در مى آوردند.

هنگامى كه شكارچيان موفق به كشتن ماموت مى شدند و گوزن‌ها و يا اسب‌ها را به كمين گاه مى رانند، گوشت فراوانى به دست مى آوردند. ولى مكرر مى شد كه آدميان ماه‌ها بدون موفقيت به دنبال شكار مى رفتند و چيزى گير نمى آوردند و به سختى گرسنه مى ماندند.



۵. از انسان ديرين تا
«انسان هوشمند». ۱. سر انسان
تقريباً يك ميليون سال پيش،
تقريباً ۱۰۰ هزار سال پيش،
نزديك ۳۰ هزار سال پيش (از
روى جمجمه‌هاى يافت شده باز-
سازی گرديد) چهره و جمجمه
آدميان باستان چطور تغيير كرد؟
۲. پنجه ميمون بزرگ، دست
انسان تقريباً ۳۰ هزار سال پيش.
از روى استخوان‌هاى يافت شده
ترسيم گرديده. (آيا اين پنجه
و دست براى برداشتن سنگ
مناسب بود؟)



شكار به پيشه اصلى آن‌ها مبدل شده بود. شكار نه تنها غذای آن‌ها را، بلكه لباسشان را نيز فراهم مى آورد.

غارهاى تاريك و مرطوب، نخستين مسكن انسان بود. آدم‌ها اين غارها را با جنگ و گريز از جنگ خرس‌هاى بزرگ و شيرهاى خشمناك بيرون مى آوردند. بعدها ياد گرفتند كه از استخوان و پوست حيوانات براى خود مسكن تهيه كنند.

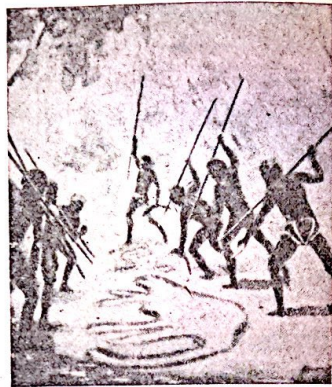
انسان با نيزه‌هاى دندانه دار به صيد ماهى نيز مى پرداخت. وقتى كه ماهيان بزرگ به كنار ساحل مى آمدند، شكارچى با نيزه خود به بدن آن‌ها مى كوبيد.

۴. چگونه و چرا آدميان اوليه تغيير كردند؟

نه تنها ابزار كار و مشاغل آدميان، بلكه خود آن‌ها نيز تغيير مى كردند. دست انسان ضمن كار با سنگ، شاخ و پوست حيوانات، و با تسخير آتش، ماهرتر مى شد و حرركات آن دقيق تر و پتجه‌هايش چابك تر مى شد.

انسان با تهيه ابزار كار، مجبور بود فكر كند چه شكلى به اين

۱۵. خرس زخمی معصوم
بر دیوار غار. ۲. انسانی در
پوست کوزن (فتاشی بردیوار غار)
۳. استرالیایی ها قبل از شکار
(مادامر بوط به شکار را خواهید
خواند).



نیز به همه تعلق داشت. شکار به وسیله ریش سفیدان - مجرب ترین
اعضای عشیره تقسیم می شد.

بدین سان جماعت عشیرتی یا عشیره را جماعت خویشاوندانی
می نامند که باهم کار و زندگی می کردند و دارای اموال مشترک
بودند.

عشیره محکم تر و سازمان یافته تر از گله بود. گذار از گله
نخستین انسانی به جماعت عشیرتی به معنای آن بود که انسان در راه
رشد خویش به سطح جدید و عالی تری نایل آمده است.
با وجود این، بین گله انسانی و عشیره شباهت وجود داشت:
آدم ها در هر دو مرحله کار می کردند و دارای اموال مشترک بودند و
بین آنها برابری برقرار بود.

به این نظم و ترتیب زندگی آدمیان باستانی، که مشترکاً
زحمت می کشیدند و دارای اموال مشترک بودند، نظام جماعتی
نخستین می گویند. مردمی را که در این نظام می زیستند آدمیان
جماعات نخستین می نامند.

ابزار بدهد و چه ماده ای برای تهیه آن انتخاب کند و لازم است چه
کاری را یاد بگیرد. مردم قبل از شکار ناگزیر بودند باهم در مورد
این که چگونه شکارچیان در کمین گاه جای بگیرند، و این که کجا
و کی گله را به سوی کمین گاه برانند، قرار و مدار بگذارند. به همین
جهت، کار، به رشد هوش انسان کمک می کرد. حجم مغز او فزونی
می گرفت و پیشانی بلندتر می شد و زبان سلیسی به هم می زد.
قریب ۳۰ هزار سال پیش انسان تبدیل به موجودی شد به شکل انسان
زمان ما. در عالم علم او را انسان باهوش می نامند.

ف. انگلس - دانشمند و انقلابی بزرگ می گفت که کار، انسان
را به وجود آورد.

۵. پیدایش جماعات عشیرتی

کار مشترک و مبارزه مشترک آدم ها را به شدت به هم پیوند می داد.
حدود ۳۰ هزار سال پیش بود که جماعات های عشیرتی یا عشیره
به وجود آمد.

در عشیره چند ده و یا صدها انسان گرد آمده بودند. آنها
را خویشاوندان، که از یک نیاکان بودند می نامیدند. عشیره در یک غار
عمومی زندگی می کرد و یا برای خود چند مسکن بزرگ می ساخت.
مرد ها شکار می کردند و ماهی صید می نمودند. زن ها گیاهان قابل
خوردن را جمع می کردند، به نگاهداری بچه ها می پرداختند و
پوست حیوانات را از چربی پاک می کردند و از آنها لباس می-
دوختند. زن ها در عشیره از احترام زیادی برخوردار بودند. کودکان
از همان سن سه-چهار سالگی به بزرگ سالان کمک می کردند. غذائی
که توسط مردان و زنان به دست می آمد، بین تمامی افراد عشیره
تقسیم می شد. پوست حیوانات و ذخیره استخوان ها و شاخ آنها

پرسی و تمرین

۱. عبارت «کار انسان را به وجود آورد» را توضیح دهید.
۲. چرا انسان‌های باستانی در زمستان‌های سخت از میان نرفتند؟
سه علتی را که عمده می‌دانید نام ببرید. (سؤال‌های بعد به شما کمک می‌کنند بفهمید درست جواب داده‌اید یا خیر). الف) چگونه ابزار کار تغییر کرد؟ ب) آتش چه نقشی در زندگی مردم داشت؟ پ) کسانی که آداب عشیره را نقض می‌کردند، از عشیره بیرون رانده می‌شدند، فکر کنید، چه سونوشتی در انتظار رانده شده بود؟
۲. به چه چیزی جماعت عشیرتی می‌گویند؟ چه چیزی کلهٔ انسانی را از عشیره متمایز می‌کند؟
۲. علائم عمده نظام جماعتی نخستین را نام ببرید.
۵. آدمیان نظام جماعتی نخستین را چه می‌نامند؟

بند سوم

پیدایش هنر و باورهای خرافی

۱. هنر دیرین

قریب صد سال پیش يك باستان‌شناس اسپانیایی غاری را مورد پژوهش قرار داد که در آن مردمان عهد باستان زندگی می‌کردند. او غفلتاً روی سقف غار تصویر حیواناتی را کشف کرد که با رنگ کشیده شده بود. دانشمندان ابتدا تصور کردند که این تصاویر همین چندی پیش ترسیم شده است: هیچ کس باور نمی‌کرد که مردمان عهد باستان بتوانند نقاشی کنند. ولی بعداً تصاویر مشابهی در غارهای دیگر یافت شد. باستان‌شناسان همچنین مجسمه‌هایی از استخوان و شاخ حیوانات پیدا کردند که هیاکل آدمیان و حیوانات را تجسم می‌بخشید. دیگر کسی شك نداشت که این تصاویر و هیاکل - ثمره هنر آدمیان باستانی است.

هنر قریب ۳۰ هزار سال پیش زاده شد. «انسان هوشمند» می‌کوشید چیزهایی را ترسیم کند که در اطراف خود می‌دید. به همین جهت اغلب صحنه‌های شکار را توصیف می‌کرد که موجبات بقای زندگی‌اش را فراهم کرده بود. هنرمند باستانی با مهارتی حیرت‌انگیز ماموت را با خرطوم هلاکت‌بارش و گوزن را با شاخ پریچ و خمش و نیز خرس را در حالی که زخمی شده و خون از تنش جاری است ترسیم کرده است. در بعضی از غارها آدم‌هایی ترسیم شده‌اند که

«انسان هوشمند» برخلاف مردمان دیرین تر می کوشید بفهمد چه نیروئی طبیعت را هدایت می کند. مردم که علل طبیعی پدیده های طبیعت را نمی شناختند، این پدیده ها را نتیجه اعمال نیروهای اسرار آمیز مافوق طبیعت می پنداشتند. انسان تلاش می کرد کمک نیروهای مافوق طبیعت را به سوی خود جلب کند.

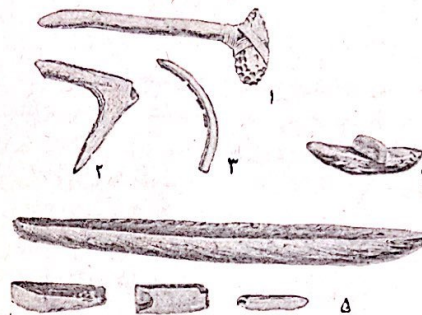
۳. پیدایش باورهای خرافی

مردم قبل از شکار، تصویر حیوان را «می کشتند». آن ها بدین وسیله می خواستند جانور را «جادو» کنند و موفقیت خود را در شکار تأمین نمایند.

انسان در خواب مردمانی را می دید که از وی بسیار دور بودند و حتی مرده بودند. او این امر را چنین توجیه می کرد که در جسم وی روحی زندگی می کند و در موقع خواب گویا روحش از جسم جدا می شود، در زمین به پرواز درمی آید و باروح مردم دیگر روبرو می شود، مرگ گویا از آن جهت آغاز می شود که روح جسم را ترك می کند.

مردم اهل باستان فکر می کردند که روح - در حیوانات و گیاهان هم وجود دارد. به نظرشان می رسید که تمام طبیعت، مکان موجودات مافوق طبیعی، یعنی روح ها است. روح ها - هم خبیث هستند و هم مهربان و نیک و در شکار یا کمک می کنند یا مانع می - تراشند و بیماری ها را به انسان ارزانی می دارند. برای ترساندن بیماری و راندن آن از جسم بیمار، در کنار مریض فریادمی زدند، شاخه های خشکیده را می شکستند و اطرافش دود می کردند.

این باورها مانع آن بودند که انسان های نخستین راه تشریح



۱ تا ۵. ابزار کار دهقانان دیرین: تبر، کلنگ و داس ۴. غله ساب. ۵. قایق باستانی از کنده درخت و ابزار تهیه آن.

به شکل حیوانات می باشند. روی سر انسان شاخ درآمده و دم دارد: این آثار هنری نشان می دهند که «انسان باهوش» ناظر خوبی بوده و به خوبی حیوانات را می شناخته و دست او روی سنگ و استخوان خطوط دقیقی ترسیم می کرده است.

۲. ناتوانی و وحشت انسان در مقابل طبیعت

مردمان عهد باستان علت باران و رعد و فوران آتشفشان ها و سایر پدیده هایی که محیط آن ها را احاطه کرده بود، نمی دانستند. مردم در مقابل توفان، طغیان آب و بیماری ناتوان بودند و نمی - توانستند با این پدیده ها مبارزه کنند.

«انسان هوشمند» نیز به سان انسان عهد قدیم از محیط ریست خویش می ترسید. اهالی يك سرزمین عقب مانده به دانشمندی که پیرامون زندگی آن ها تحقیق می کرد، گفته بودند: «ما از هوای بد، که باید با آن مبارزه کرد، تاغذای خود را به دست آوریم، می ترسیم. ما از نیازمندی و گرسنگی در این زاغه های سرد می ترسیم. ما از بیماری - ها، که هر روزه ما را تهدید می کنند، می ترسیم. ما از مرده ها و روح حیواناتی که در شکار کشته شده اند، می ترسیم. ما از همه چیزهایی که آن را نمی شناسیم، وحشت داریم».

صحیح پدیده‌های طبیعت را پیدا کنند ۲. دانشمندان و باورهای مردم باستانی

مردم باستانی معمولاً مرده‌های خود را جلو حیوانات و لاشه خوارها می‌افکندند تا به وسیله آن‌ها خورده شوند. بعدها نه تنها مردم شروع به دفن مردگان خود کردند، بلکه در گور آن‌ها غذا و ابزار کار و زینت آلات نیز می‌گذاشتند.

مقبره‌هایی که توسط باستان‌شناسان یافت شده است، نشان می‌دهند که در مردم اعتقاد به روح پیدا شده بوده و روح، گویا، می‌تواند به جسم بازگردد، و چون بازگردد مرده به تمام آنچه که آدمیان زنده به آن محتاج هستند، احتیاج خواهد داشت. در مورد این گونه باورهای انسان‌های باستانی، آثار هنری آن‌ها نیز، گویا هستند. دانشمندان چنین تصاویری را نزد مردمان وحشی نیز مشاهده کرده‌اند. استرالیایی‌هایی که به شکار می‌رفتند، کنگورثی را می‌کشیدند که با نیزه کشته شده بود.

پرسش و تمرین:

۱. قریب ۳۰ هزار سال پیش زندگی مردم چه تغییری کرده بود؟ درموقع جواب از بندهای ۲ و ۳ استفاده کنید.
۲. چگونه دانشمندان از رشد مردم دیرین مطلع شدند؟
۳. آیا در مردم همیشه باورهای خرافی بوده است؟
۴. این باورها چه زیانی داشت؟

فصل دوم

دام پروران و کشاورزان نخستین

بند چهارم

آغاز دام پروری و زراعت

به خاطر آورید: تقسیم کار در جماعت عشیرتی از چه قرار بود؟

(بند ۲، ماده ۵)

۱. گرم شدن زمین، اقامت مردم

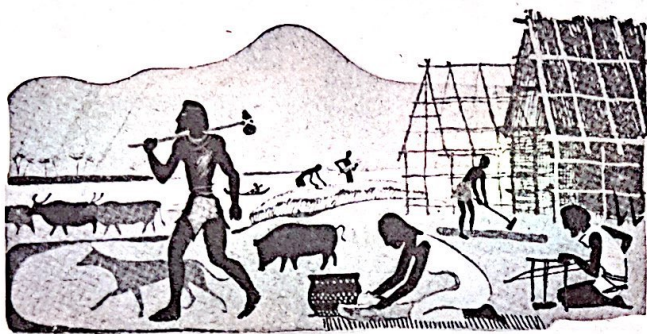
قریب ۱۳ هزار سال پیش بار دیگر زمین رو به گرمی رفت. یخچال به آرامی آب شد و به شمال عقب نشست. زمین که از یخ آزاد شده بود، غرق در جنگل‌ها و بوته‌ها گردید. حیواناتی که به سرما عادت کرده بودند، به شمال کوچیدند. ماموت‌ها به کلی از میان رفتند.

بخشی از مردم رد حیوانات را دنبال کردند. رودها و دریاچه‌ها مانع آن‌ها نشدند. آدم‌ها برای خود نخستین کلک را که پلوت نامیده می‌شد و از دوسه تخته درست شده بود، فراهم آوردند. سپس آن‌ها قایق‌هایی از تنه ضخیم درخت‌ها ساختند. به تدریج مردم در شمالی‌ترین نقطه اروپا ساکن شدند.

۲. رام کردن حیوانات

اطراف سکونتگاه‌های شکارچیان، سگ‌های وحشی، در جست‌وجوی ته‌مانده غذای آدم‌ها، ول می‌گشتند. با پارس خود به سکنه اطلاع می‌دادند که حیوانات دیگری به سکونتگاه نزدیک می‌شوند.

شکارچیان سگ‌ها را رام کردند. سگ نخستین حیوان



• در دوستای دهقانان و دامپروران قدیم. (مردم به چه کاری مشغولند؟)

کمی به بار می آورد. معذک خیلی بهتر از «کارگردآوری» بود و خوراک گیاهی عشیره را تأمین می کرد.

۴. نخستین صنعت های دستی

به موازات کشاورزی و دامپروری، صنعت دستی نیز پیشرفت می کرد. صنعت دستی به فراورده های گوناگونی گفته می شد که به وسیله دست تهیه می گردید.

انسان، که متوجه شده بود گل در آتش سفت می شود، شروع به ساختن گلدان و ظروف دیگر و پختن آن ها در آتش کرد. مردم از سنگ و گل اجاق درست می کردند و از شاخ و برگ و ریشه درختان سبد می ساختند.

این امر به آن ها کمک کرد تا بیاموزند از پشم و غیره تور و لباس تهیه کنند.

اهلی شد و نگهبانی قابل اطمینان و دوست شکارچی. آدم ها شروع به استفاده از نیروی ترکه خم شده ای که به ناگاه رها شود، نمودند. از ترکه نرم و تکه ای چوب کمان را ساختند.

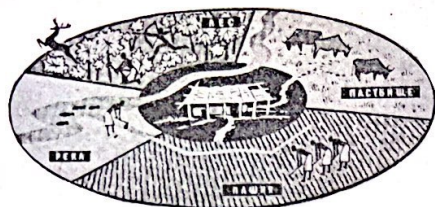
شکار با تیر و کمان و سنگ موفقیت آمیزتر از گذشته شد. هنگامی که گوشت عشیره تأمین می شد، شکارگران دیگر بچه خوک ها و بزغال ها و حیوانات کوچولوی دیگری را که به دام انداخته بودند، نمی کشتند و آنها را پشت حصار محکمی نگاه داری می کردند. مردم شروع به پرورش و تکثیر خوک، بز و گوسفند و گاو کردند. بدین سان بود که دام پروری به وجود آمد.

۳. زراعت کلنگی

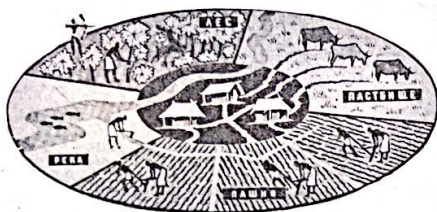
زن ها، که دانه های گیاهان قابل خوردن را جمع می آوردند، کشف بزرگی کردند: آن ها متوجه شدند که از هر دانه ای، گیاه تازه ای سبز می شود. زن ها شروع به پاشیدن دانه بر زمین کردند. بدین سان از «کارگردآوری» - زراعت پدیدار شد. زراعت قریب ۹ هزار سال پیش به وجود آمد.

برای کار زراعت تبر، کلنگ و داس لازم بود. مردم بابتن سنگ تیزی به تکه ای چوب تبر درست کردند. از تکه ای چوب با شاخ یا استخوان تیزی - کلنگ کهن به وجود آمد.

فک حیوانات با بکار بردن سنگ های نکتیز در آن ها، تبدیل به داس شد. بدان سبب که ابزار اصلی زراعت عهد باستان کلنگ بود، این نوع کشاورزی را کلنگی می نامند. زراعت کلنگی - محصول



۵ آغاز تبدیل کمون عشیرتی
به کمون همسایه. دو تصویر را
مقایسه کنید و تفاوت‌های آن را
پیدا کنید. حداقل از چهار چیز
تفاوت نام ببرید.

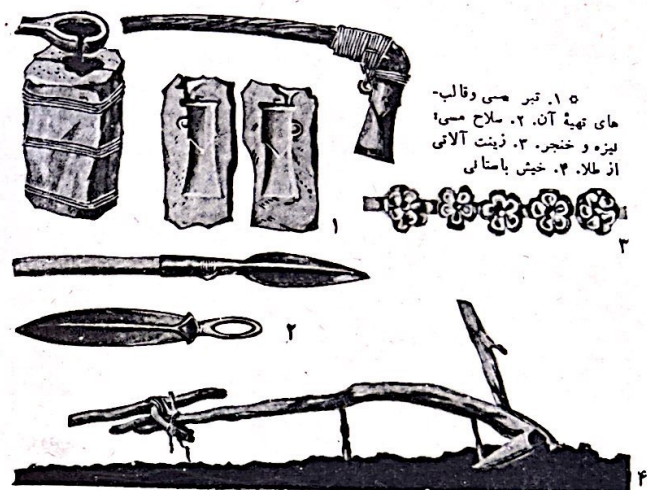


فصل مسایل مهم مجمع ایل را تشکیل می‌دادند.
بین ایلات به ندرت به خاطر زمین‌هایی که برای کشت و زرع
و یا چرای احشام مناسب بود، جنگ درمی گرفت.
در موقع جنگ، مردان - رهبر یعنی اداره کننده جنگ جویمان -
را انتخاب می‌کردند.

پیدایش کشاورزی و دام‌پروری اهمیت کلانی در زندگی
انسان‌های جماعات نخستین داشت. تا پیش از این امر، فقط آن
چیزی نصیب انسان می‌شد که طبیعت به وی می‌داد: گیاهان را جمع -
آوری می‌کرد، حیوانات را شکار می‌نمود، ماهیان را صید می -
کرد. کشاورزی باعث افزایش محصول و دام‌پروری موجب
پرورش و تکثیر حیوانات گردید.

پرسش و تمرین:

۱. از چه پیشه قدیمی‌ای زراعت و دام‌پروری به وجود آمد؟ چگونه
این پیدایش، شکل گرفت؟
۲. داستان کوتاهی در مورد کار نخستین کشاورزان تنظیم کنید.
۳. آیا نظام جماعتی نخستین نزد کشاورزان و دام‌پروران عهد باستان
حفظ شده بود؟



۱۵. تبر هسی و قالب -
های تهیه آن. ۲. سلاح مسی
بیزه و خنجر. ۳. زینت آلانی
از طلا. ۴. خیش باستانی

۵. عشیره و ایل

برای یک تن، با ابزارهای سنگی و استخوانی، به عمل آوردن
زمین و برداشت محصول، کار دشواری بود. تنها یک عشیره کامل
قدرت داشت که زمین را وجین کند و جنگل‌ها را پس براند و خاک
را پوک سازد و کشت و حیوانات اهلی را از گزند حیوانات درنده
در امان دارد. محصولی که از مزرعه عمومی به دست می‌آمد، و
احشام، متعلق به تمام عشیره بود. چند عشیره، که در یک محل زندگی
می‌کردند، تشکیل یک ایل را می‌دادند که همگی، با یک زبان
سخن می‌گفتند و عادات و آداب مشترک داشتند.

امور ایل را شورای ریش سفیدان اداره می‌کرد: این شورا
محل شکار عشیره‌ها، چرای احشام و محل زراعت عشیره‌ها را
تعیین می‌کرد و اختلافات بین خویشاوندان را برطرف می‌نمود.
ریش سفیدان از اعتماد عموم برخوردار بودند و ایل بدون چون و
چرا دستورهای آنان را اجراء می‌کرد. ریش سفیدان برای حل و

بند پنجم

پیدایش نابرابری بین آدمیان

۱. آغاز استفاده از فلزات

بعضی از ایلات و عشیره‌ها در محل‌هایی زندگی می‌کردند که دارای معادن سرشار مس بود. تکه‌های مس آمیخته به سنگ که توی اجاق‌های افتاد، می‌گذاخت و شکل تازه‌ای به خود می‌گرفت. مردم متوجه این خاصیت شده و شروع به استفاده از آن کردند. در گل‌یاسنگ‌های نرم گودی‌ای به شکل لازم ایجاد می‌کردند و مس مذاب را توی آن می‌ریختند. مس پس از سفت شدن شکل آن گودی را به خود می‌گرفت. بدین ترتیب بود که تبر، خنجر، داس و سایر اشیا مسی به وجود آمد. همچنین مردمان آموختند که از طلا و نقره زینت آلات تهیه کنند.

تمام آن دوره‌ای که ابزار عمده کار از سنگ تهیه می‌شد، عصر سنگ نامیده می‌شود.

با پیدایش ابزار کار مسی در نزد آدمیان، عصر سنگ به پایان رسید و عصر فلزات آغاز شد. (خصوصیات این عصر را در خط زمان پیدا کنید).

* باید عصر سنگ را که متجاوز از یک میلیون سال ادامه داشت از عصر باقرن که یک صد سال است، متمایز کرد.

مس - فلزی است نرم، اشیائی که از آن تهیه می‌گردید، به سرعت فرسوده می‌شد. اکثر فلاحات پیشگامان به سان گذشته با کلنگ‌ها و داس‌های سنگی و استخوانی کار می‌کردند. ولی ابزارهای مسی سبک‌تر از سنگ‌های نیک‌تر بود.

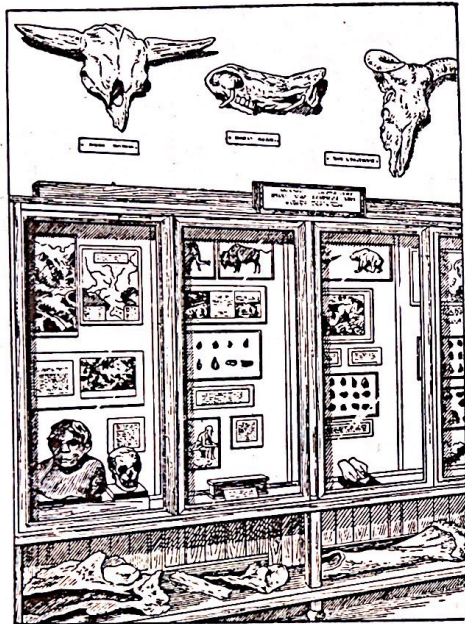
۲. اختراع گاو آهن

کشاورزان اندازه کلنگ‌ها را افزایش داده و برای آن دسته گذاشتند. چند نفر کلنگ را در زمین فرو برده، می‌کشیدند و یک نفر به دنبال آن‌ها می‌رفت و روی دسته کلنگ فشار می‌آورد تا در عمق بیشتری از زمین فرو برود. بدین سان بود که گاو آهن - شیار کننده خاک - پدید آمد. کم‌کم گاوهای نر را به گاو آهن بستند. این اختراع در استفاده از زمین اثر مثبت زیادی داشت. کار با گاو آهن و گاو برای زنان سنگین بود. به همین جهت بیشتر مردان بدین کار اشتغال داشتند.

۳. از کمون عشیرتی تا کمون همسایه

زمین به سان گذشته، به تمامی کمون تعلق داشت. تمامی اعضای آن اخشام خود را در چراگاه عمومی می‌چرانیدند و در جنگل عمومی شکار می‌کردند.

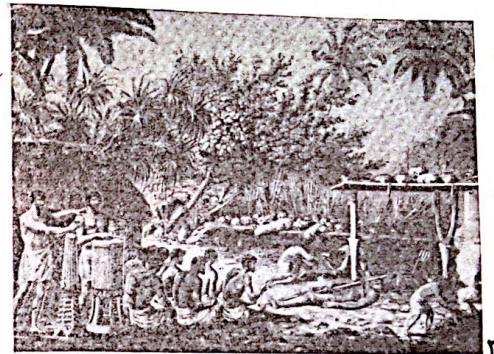
ولی شخم زدن قطعه زمین مزروعی و برداشت محصول کار یک خانوار بود. دیگر لازم نبود زمین را تمامی اعضای عشیره به عمل آورند. ریش سفیدان، مزرعه کمون را به قطعات - سهم‌هایی تقسیم می‌کردند و این قطعات به خانوارهایی تعلق می‌گرفت که کمون از آن‌ها تشکیل می‌شد.



موزه دولتی تاریخ در مسکو.

۳. پیدایش اشراف از میان کمونارها

با تقسیم اقتصاد عشیرتی به اقتصادهای جداگانه خانوادگی - برابری از میان اعضای کمون رخت بر بست. ریش سفیدان و رهبران برای خود سهم بیشتری از اراضی مرغوب تر بر می داشتند. همچنین آن ها بخش قابل ملاحظه ای از غنایمی را که در جنگ ها به دست می آمد (احشام - مس و طلا) به خود اختصاص می دادند. رهبران و ریش سفیدان پیوسته ثروتمندتر می شدند و اعضای کمون فقیرتر. سمت رهبر از شکل موقت آن به شکل دائمی درآمد. فرزندان ذکور رهبر نیز رهبر می شدند و فرزندان ذکور ریش سفیدان ریش سفید. وضع



۱۵. طاغوت سرخ پوستان
۲. قربانی کردن انسان و حیوان
(این تصویر توسط يك اروپائی که در جزیره ای واقع در اقیانوس آرام که خود شاهد جریان بوده ترسیم شده است). انسانی که قربانی می شود بر زمین خوابانده شده. دو نفر بر طبل می کوبند تا فریاد او را خفه کنند. در قسمت عقب جمعه قربانیان پیش دیده می شود. روی پل تخته ای حیوانات قربانی دیده می شوند.

هر خانواری زمین خود را به عمل می آورد. و ابزار کار و چندین رأس حشم مخصوص به خود داشت. محصولی هم که از این قطعه زمین به دست می آمد به او تعلق می گرفت. بدین ترتیب اقتصاد بزرگ اشتراکی، به اقتصادهای کوچک خانوادگی و جداگانه تبدیل شد. ترکیب کمون نیز تغییر کرد. در ترکیب آن همسایه های کمون نیز که در کار و جین کردن زمین و عقب راندن جنگل شرکت می کردند، نفوذ نمودند. کمون عشیرتی به تدریج به کمون همسایگی مبدل گردید. اعضای کمون همسایگی را دهقانان کمونار (هم کمون) می نامند. آن ها نیز مشترکاً صاحب زمین بودند، ولی هر کدام از آن ها اقتصاد جداگانه ای داشت.

را گرم می کرد، ابرها، که کشتزاران را آب می دادند، غله، که در زمین رشد می نمود.

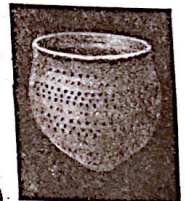
مردم این «روح» هارا خدایان پر قدرت به حساب می آوردند که با اراده آن ها بهار شروع می شد، باران می بارید، محصول می رسید.

مردم پیش خود خدایان را به شکل حیوانات یا آدمیان تصور می کردند. از چوب و یا سنگ اشکالی به شکل خدایان مورد نظرشان می پرداختند. به چنین تندیس هایی بت یا طاغوت^۵ می گویند. مردم برای سپاسگزاری از خدایان تا زمین در مقابل طاغوت ها خم می شدند و هدایا- قربانیانی نثارشان می کردند: حیوانات اهلی و گاهی انسان ها قربانی می شدند. گونه طاغوت را با خون قربانیان رنگ آمیزی می کردند.

فروپاشی اقتصاد اشتراکی عشیره و پیدایش نابرابری بین مردم به از میان رفتن نظام جماعتی نخستین منجر شد.

پرسش و تمرین:

۱. بین کمون های عشیرتی و همسایه چه چیزی بهم شباهت دارد؟ چه تفاوتی دارند؟
۲. چه علایمی از نظام جماعتی نخستین در کمون همسایه حفظ شده و چه علایمی از میان رفته است؟
۳. چه کسانی را اشراف می گفتند؟ چه چیزی وضع آن ها از وضع سایر اعضای کمون متفاوت می کرد؟
۴. چه چیزی باورهای کشاورزان را از باورهای شکارچیان متمایز می نمود؟ چه چیز تازه ای در زمینه این باورها در بند پنجم پیدا کردید؟



۵. صنعت دستی قدیم، ابزار کار و فرآورده ها: ۱. دستگاهی برای سوداخ کردن سنگ. ۲. تبر سنگی (برای دام-پروری و کشاورزی چه اهمیتی داشت؟). ۳. دستگاه بافندگی قدیم. از روی نقاشی ها و بقایای دستگاهی که باقی مانده، بازسازی گردیده. ۴. ظرف سفالی.

انسان دیگر به تجربیات و خدمات او ارتباط داشت بلکه به این که از چه خانواده ای برخاسته ارتباط می یافت. خانواده رهبران وریش سفیدان به اشراف - (نامداران) موسوم شدند. مردمان نامدار (اشراف) حاکمیت خود را بر ایل مستقر کردند.

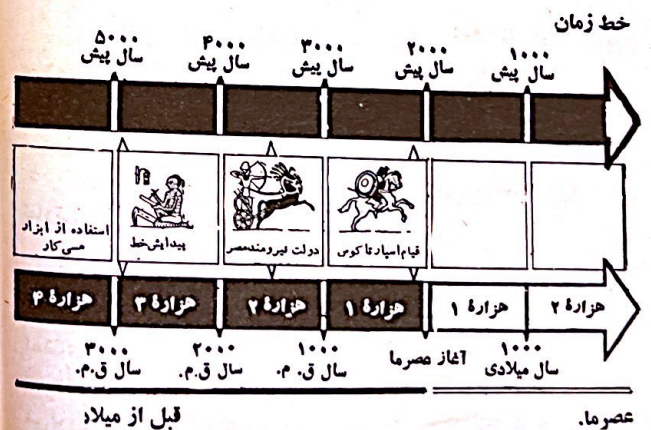
پیدایش نابرابری بین افراد از مقبره هایشان نیز معلوم است. باستان شناسانی که این مقبره ها را شکافته اند، در تعدادی از آن ها، خرده هایی از ظروف گلی غذاخوری و گاهی ابزار کار یافته اند و در تعداد دیگری از گورها - سلاح های با ارزش و زینت آلات گران بها.

۵. باورهای کمونارهای کشاورز

زندگی مردمان در تغییر و تحول بود. باورهای آن ها نیز تغییر می کرد. برای کشاورز «روح» های عمده، آن پدیده هایی از طبیعت بودند که زندگیش وابسته به آن ها بود: خورشید، که کشت

شمارش سال‌ها در تاریخ

۱. در قدیم، زمان را چگونه محاسبه می‌کردند؟
زراعت‌پیشگان می‌دانستند که پس از مدت زمان معینی تابستان، یعنی موقع برداشت محصول شروع می‌شود. آن‌ها زمان را از فاصله یک برداشت تا برداشت دیگر محاسبه می‌کردند. بدین سان بود که شمارش زمان به سال، پدید آمد. اسلاوهای باستانی برای سال یک واژه به کار می‌بردند: «له‌تو»^۵. رد چنین محاسبه‌ای در زبان کنونی ما نیز حفظ شده است: شما می‌گوئید: «یازده تابستان از سنم گذشته» نه «یازده زمستان».

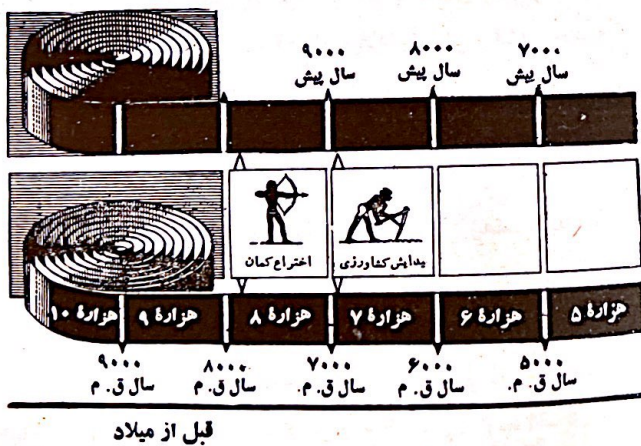


* «له‌تو» به‌دوسی یعنی تابستان و «زیما» معنی زمستان. مترجم.

سالی، که در آن واقعه خاصی روی می‌داد، توسط مردم سال اول نامیده می‌شد. مثلاً، در سرزمینی سال نخست از یک سیل بزرگ ویران‌گر شروع می‌شد و در کشور دیگری از احداث پایتخت - مثلاً شهر رم. سال‌های بعدی را سال دوم و سپس سوم و... می‌نامیدند. در سرزمین‌های گوناگون - محاسبات گوناگون وجود داشت و این امر چندان مناسب نبود.

۲. عصر ما

قریب دو هزار سال پیش روایت‌هایی شایع شد که گویا خدائی از آسمان به زمین آمده و به شکل آدمیان در زمین می‌زیسته است. پس از ۵۰۰ الی ۶۰۰ سال این داستان در بسیاری از سرزمین‌ها رواج یافت. آن‌گاه به این فکر افتادند که این خدا در چه سالی پس از احداث رم متولد شده و سپس از این سال، سال شماری شروع شد.



در روسیه در زمان پتر اول چنین سال شماری ای رواج یافت. اکنون ما نیز همچنان به شمارش آن ادامه می دهیم، چرا که این امر را اکثر ملت ها پذیرفته اند. اگر ما بنویسیم ۱۸۷۰ یا ۱۹۱۷، هم آمریکائی می فهمد مقصود چه زمانی است و هم ژاپنی. زمان را از سال نخست تا دوران ما - عصر ما می نامند برای اختصار (ع. م.). به کار می بریم. (حساب کنید چند سال از عصر ما سپری شده است؟). هر صد سال، يك قرن یا يك سده به شمار می رود. ده قرن - يك هزاره را تشکیل می دهد. از آغاز عصر ما تقریباً ۲ هزاره سپری شده است.

۳. سال شماری قبل از عصر ما

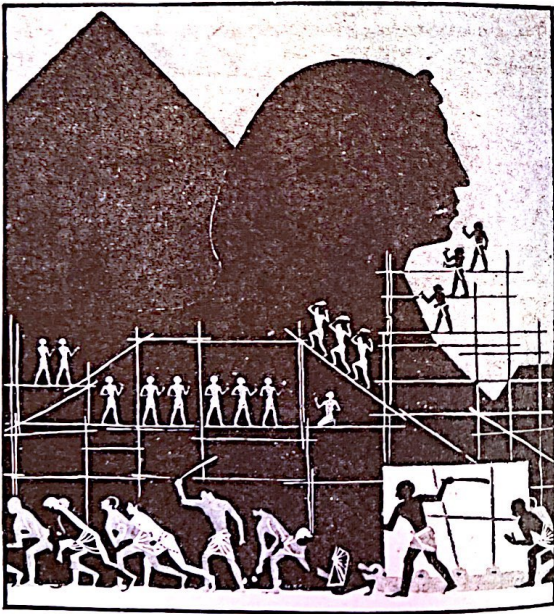
تا قبل از عصر ما وقایع بسیار زیادی اتفاق افتاده است. ما این وقایع را - وقایع قبل از عصر ما یا قبل از میلاد می گوئیم. به «خط زمان» نگاه کنیم. هر بریدگی آن به معنای يك هزاره است. زراعت تقریباً ۷ هزار سال قبل از میلاد پیدایش یافت. چند هزار سال از آن زمان سپری شده است؟.

تا عصر ما تقریباً هفت هزار سال به اضافه دو هزاره عصر ما سپری شده که مجموعاً می شود نه هزار سال.

ابزارهای مسی کار، تقریباً ۴ هزار سال قبل از عصر ما پدید آمده. بدیهی است که این ۴ به اضافه ۲، مساوی است با ۶ هزار سال پیش. خط قریب ۵ هزار سال پیش به وجود آمد. اکنون چند سال است که خط به وجود آمده است؟ ۵ هزار سال قبل از میلاد منهای ۲ هزار سال عصر ما می شود ۳ هزار سال پیش: $5 - 2 = 3$.

پرسش و تمرین:

۱. قیام اسپارتا کوس در سال ۷۴ قبل از میلاد اتفاق افتاد. این قیام چند سال پیش روی داد؟
۲. شفاهاً زندگی يك پسر یادختر ۲۵-۲۰ هزار سال پیش را شرح دهید.
۳. حساب کنید، ببینید طی يك میلیون سال چند نسل آدم های نخستین عوض شده است اگر که بپذیریم تفاوت زمانی بین دو نسل به طور متوسط ۲۰ سال باشد.
۴. خط تقریباً ۵ هزار سال پیش به وجود آمد و استفاده از مس قریب ۴ هزار سال قبل از میلاد شروع شد. قبلاً چه بود و چند سال گذشته بود؟



شرق باستان

فصل سوم
مصر باستان

بند ششم

طبیعت و مشاغل اهالی مصر قدیم

(نقشه‌های شماره ۲۹۱)

اشاره:

در عهد باستان تمامی ملت‌های جهان به شکل نظام جماعتی نخستین زندگی می‌کردند و به کار گردآوری و شکار اشتغال داشتند. به تدریج آن‌ها به کشت و زرع و دام‌پروری مشغول شدند. هر جا که خاک نرم مرغوبی بود و حرارت وجود داشت کشاورزی به وجود می‌آمد. کشاورزی قریب ۹ هزار سال پیش پیدایش یافت. در سرزمین‌های دیگری که محیط برای کشت و زرع مناسب نبود، کشاورزی چند هزار سال بعد رواج یافت؛ بعضی از ملت‌ها تا عصر ما از کار کشاورزی مطلع نبودند.

یکی از کشورهایی که در آن کشاورزی و دام‌پروری زود گسترش یافت مصر در شمال شرقی آفریقا بود.

۱. اوضاع جغرافیائی مصر باستان

در شمال شرقی آفریقا باران به ندرت می‌بارد و بخش اعظم سال گرمای طاقت‌فرسائی حاکم است. گستره‌شنزارها و بیابان‌های پر سنگلاخ تا هزاران کیلومتر امتداد دارد.

یکی از بزرگ‌ترین رودخانه‌های جهان - یعنی رود نیل از جنوب تا شمال بیابان را در می‌نوردد. نیل از دریاچه‌های بزرگی

سرچشمه می گیرد که در آفریقای مرکزی (روی نقشه شماره ۱ دریاچه ها و رود نیل را پیدا کنید) واقع شده اند.

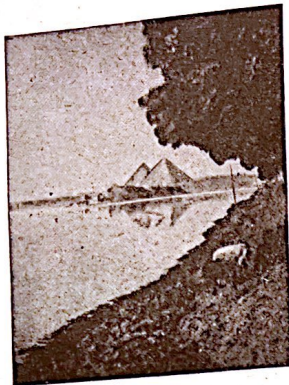
در مسیر رودخانه شیب های تندی قرار دارد. رود نیل پس از عبور از این قسمت های مرتفع کف خود، قریب ۷۰۰ کیلومتر در دره ای عمیق طی می کند و قبل از این که به دریای مدیترانه بریزد از دشتی هموار می گذرد. در این جا رودخانه به شاخه های فراوانی تقسیم می شود که دلتای آن را تشکیل می دهد. (روی نقشه شماره ۲ نقاط مرتفع کف رودخانه و دره و دلتای نیل را پیدا کنید).

در فاصله دره و دلتای نیل، از شیب های تند تا دریا، مصر باستان یا یگپت قرار داشته است.

۲. طغیان های نیل

در آغاز تابستان، در آفریقای مرکزی باران های شدیدی، می بارد. دریاچه هایی که نیل از آن ها سرچشمه می گیرد، طغیان می کنند. در کوه هایی که شاخه های نیل از آن ها سرچشمه می گیرد، برف ها ذوب می شوند، سیلاب های تند آب، به رودخانه می ریزند و قشرهای کوهستانی را با خود می آورند. آب در نیل به سرعت بالا می آید، از ساحل می گذرد و با وسعت عظیمی طغیان می کند. نیل طغیان گر از درون دریاچه ها، توده گیاهان آبی را با خود می آورد. آب نیل به خاطر این گیاهان به رنگ سبز روشن درمی آید. بعد آب در اثر آمیختن با افشار کوهستانی به سان خون، سرخ می شود. ذرات کوچک گیاهان پوسیده و قشرهای کوهستانی به صورت گل و لای روی ساحل غرق شده در آب، رسوب می کنند. در ماه نوامبر (آبان و آذر)، آب فرومی نشیند و رود به سواحل خود باز می گردد.

۵۴



ه شادوف (تصویر از مصر باستان). (این دستگاه چه اهمیتی برای کشاورزی مصر قدیم داشت؟)
دره رود نیل (مکس) ◀

پس از طغیان، خاک در دره نه تنها به خوبی مرطوب شده، بلکه از قشری سیاه: گل ولای حاصل خیز پوشیده است.

طغیان های نیل تمامی دره را به طور برابر آبیاری نمی کرد. در نقاط مرتفعی، که آب را بدان جاراهی نبود، بیابان بی حاصلی پدید آمده بود. ولی در جلگه ها آب زیادی را کد می ماند و مانداب ها شکل می گرفت و نیزارها و بوته زارها قد برمی افراشت. در میان بیشه زاران، شیرها در کمین شکار می نشستند و در مانداب ها تعداد کثیری مارهای زهری به سر می بردند. توده حشرات بانلاق بیماری تب و لرز را می پراکنندند.

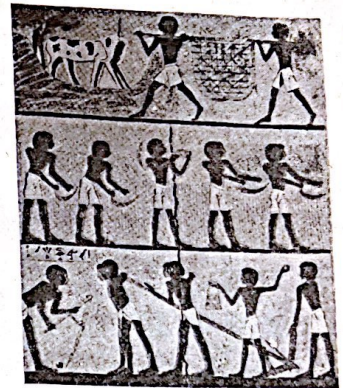
۳. مبارزه مردم با شنزارها و مانداب ها

مردم باید زمین را برای کشت در دره نیل از بیابان، و مانداب و بوته زارها پس بگیرند.

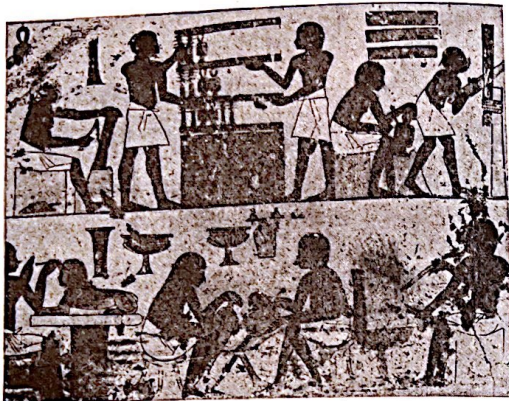
مصریان در جلگه های بانلاقی ترعه هایی به وجود آوردند تا آب اضافی را به رودخانه باز گردانند و زمین را از بوته ها و نی ها پاک کنند. آن ها با ایجاد سدهای آبگیر از گل، که با نی مخلوط

۵۵

کشاورزی در مصر.
(تصویرها از مقبره‌ها گرفته شده
است). با استفاده از متن کتاب
توضیح دهید مردم چه می‌کنند؟



صنعت گران مصری
(تصویر از دیوار مقبره‌ها) مواد
و دستکاه‌ها را مشخص کرده،
توضیح دهید که آیا شبیه این
دستکاه‌ها را در دوران ما هم
دیده‌اید؟



و همه جا سبز می‌زد و در شهرها، سبزیجات به حد فراوان، و در
باغ‌ها میوه، بسیار بود.

۵. صنعت دستی و مبادله کالا در مصر قدیم.

کشاورزان کلبه‌هایی از گل و ساقه‌های نی برای خود می‌ساختند
و کرباس می‌بافتند و کلنگ و گاو آهن می‌ساختند و ظروف سفالی
درست می‌کردند. آن عده‌ای که یاد گرفته بودند این فراورده‌ها را
تهیه کننده به سرعت و راحت تراز همسایگان خود کشاورزی را رها
می‌کردند. آن‌ها نجار و چلنگر و بافنده می‌شدند. کودکان صنعت
پیشگان از همان دوران کودکی به والدین خود کمک می‌کردند و
مهارت و استادی آن‌ها را در کار می‌آموختند. تهیه اسلحه و ابزار کار
مسی و زینت آلات طلا مهارت مخصوصی می‌خواست.

ابتدا صنعت پیشگان تنها برای کمون خود، که از آن گندم
و دیگر محصولات دریافت می‌داشتند، این گونه فراورده‌ها را تهیه
می‌کردند. ولی بعد آن‌ها شروع به مبادله محصولات دست خود با
مردمان کمون‌های دیگر نمودند.

شده بود، دره‌ها به قطعات جداگانه تقسیم می‌کردند. در این سدها
دروازه‌هایی ایجاد می‌کردند که به هنگام طغیان آب، مزارع را
به اندازه‌ای آبیاری کنند که ضرور بود. در مزارعی که آب به آن
نمی‌رسید، با کمک یک نوع نقاله دلو مانند بنام **شادوف** (تصویر شماره
۲) آب را از کانال بالا می‌آوردند.

باد بیابان، ترعه‌ها را از شن می‌پوشاند، ولی مردم هر سال
آن‌ها را لای روبی می‌کردند. طغیان آب سدهای آبگیر را درهم
می‌شکست، لیکن باز مردم آن‌ها را احیاء می‌کردند. (در حال حاضر
طغیان نیل به وسیله سد عظیم آسوان که با کمک شوروی ساخته شده
مهار می‌شود.) شنزارها و مانداب‌ها در مقابل تلاش و زحمت
لجوجانه انسان، عقب می‌نشستند.

۲. زراعت - عمده‌ترین پیشه مصریان

خاک، که پس از طغیان نیل نرم و مرطوب شده بود، به آسانی
توسط کلنگ و گاو آهن چوبی شخم می‌خورد. کشاورزی عمده‌ترین
حرفه مصریان بود. در دره و دلتای نیل انبوه محصول گندم و جوی روئید،

نیل راه مناسبی بود که امر مبادله کالا را آسان می کرد. از بالا و پائین آن قایق های حامل گندم، الوار و فراورده های صنعت پیشگان در حرکت بودند. در سواحل نیل شهرهائی به وجود آمدند. در این شهرها مبادله کالا جریان داشت و صنعت پیشگان، کار و زندگی می کردند.

کار مقاومت آمیز آدمیان دره نیل را دگرگون ساخت. از محلی که تقریباً به درد زندگی انسان نمی خورد، مصر به کشوری فلاحتی و پر جمعیت مبدل شد.

پرش و تمرین:

۱. چه چیز طبیعت مصر باستان را از طبیعت محلی که در آن زندگی می کنید، متمایز می کند.
۲. اگر که طغیان آب نبود، دره نیل چگونه جایی بود؟
۳. چه شرایط جوی مصر برای کشاورزی مفید و چه شرایطی کشاورزی را دشوار می کرد.
۴. چگونه مردم موفق شدند دره نیل را برای زندگی و کشاورزی مساعد کنند؟

بند هفتم

پیدایش طبقات در مصر

به خاطر آورید: چگونه با پیشرفت کار کشاورزی و دام پروری و صنایع دستی وضع زندگی رهبران وریش سفیدان تغییر کرد و آنها را اشراف نامیدند. (بند پنجم، ماده ۴).

۱. چرا امکان بهره گیری از مردم به وجود آمد؟

شکارچیان نخستین به زحمت قادر بودند غذای خود را تهیه کنند. حتی کودکان خرد سال و پیران سالخورده نیز مجبور بودند به دنبال شکار بروند. نافع نبود که دیگران را برای خود به کار وادار کنند: هر چیزی که بازحمت به دست می آوردند، صرف غذای خودشان می شد.

کشاورز در مصر محصولی بیشتر از يك شکارچی به دست می آورد. خاك حاصل خیز در این جا غله بیشتر و احشام پروارتر از آنچه که ضرور بود، به بار می آورد. میزان برداشت محصول نه تنها برای کسانی که در مزرعه کار می کردند کفایت می کرد، بلکه مازادی هم باقی می گذاشت. بدین ترتیب به کار واداشتن آنان برای به چنگ آوردن این مازاد، کاری مفید تلقی شد. مازاد غله و احشام را می شد بامس و طلا و نقره و یا محصول صنایع دستی مبادله کرد. در مصر با پیشرفت کشاورزی امکان بهره گیری از آدم ها به وجود آمد. بهره گیری از آدم ها - به معنای به چنگ آوردن

محصول کار آنها بود. استثمار یا بهره‌گیری - یعنی تصرف آنچه که در نتیجه زحمت و کار دیگران ایجاد شده است.

۲. پیدایش بردگان و استثمار آنها

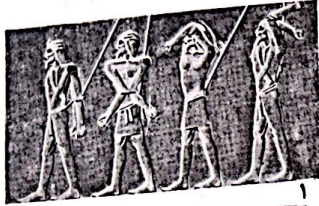
مصریان ابتدا آدمیانی را که در موقع جنگ بین قبایل اسیر می‌شدند، می‌کشتند. به همین جهت اسیران را در مصر «مقتولین» می‌نامیدند. هنگامی که محصول کار انسان، چنان پیشرفت کرد که از میزان مورد نیاز بیشتر شد، دست از کشتن اسیران برداشتند. اشراف آنها را می‌گرفتند و به بوده خویش تبدیل می‌کردند. از آن پس «مقتولین زنده» نام گرفتند.

بردگان از کله‌سحر تا دیرگاه شب باشادوف‌ها برای مزارع آب می‌کشیدند و کانال می‌کنند و سدهای آبگیر می‌بستند و سنگ برای ساختمان‌های شکستند. برده هیچ چیز نداشت. برده جزو اموال ارباب بود. صاحب بردگان تمام آن چیزهایی را که کار بردگان تولید می‌کرد، برای خود برمی‌داشت و به بردگان خود به قدری غذا می‌داد که بتوانند کار کنند. ارباب می‌توانست بردگان را بفروشد و یا حتی بکشد.

بردگان در مصر کمتر از دهقانان کمونار بودند. ولی بردگان کارهای مهم آبیاری و خشکانیدن اراضی را انجام می‌دادند. اشراف صاحب برده، رهبری این کارها و تقسیم آب برای مزرعه را به عهده داشتند.

۳. استثمار دهقان به وسیله اشراف

بخش اعظم اراضی را در مصر دهقانان کمونار به عمل می‌آوردند. هر کدام از آنها در قطعه زمین خود، شخصاً کار می‌کرد.



۱۵. «مقتولین زنده»
(تصویری از مصر باستان) چه
سروش می‌منتظر این آدمیان
بود؟ ۲. غنایم به چنگ آمده در
نوبیا (نقاشی باستانی چگونه
مردمان سرزمین‌های مختلف را
نشان داده است؟ به هر دو تصویر
با دقت نگاه کنید.)



علاوه بر این، آنها زمین‌ها را وجین کرده، کانال‌ها و سدهای آبگیر را احداث می‌نمودند.

اشراف که رهبری امور آبیاری و خشکانیدن اراضی را بر عهده داشتند، حاکمیت خود را بر دهقانان بیشتر گسترده، استحکام می‌بخشیدند. آنها بهترین قطعات زمین وجین شده را برای خود برمی‌داشتند. دهقانان مجبور بودند بخشی از محصول قطعه زمین خود و تعدادی از بره‌ها و گوساله‌ها و بزغال‌های خویش را به ارباب بدهند.

۴. پیدایش طبقات در مصر

در هزاره‌های چهارم - سوم قبل از میلاد سکنه مصر به طبقات استثمار شونده و استثمارکننده تقسیم می‌شدند.

وضع زندگی بردگان بسیار وخیم بود. طبقه استثمار شونده دیگر دهقانان بودند.

طبقه استثمارکننده از برده‌داران تشکیل می‌شد. برده‌داران نیز از اشراف زادگان تشکیل شده بودند. آنها کار نمی‌کردند،

طبقات در مصر باستان

بهره‌کشی یا بهره ده	دارایی آن‌ها	طبقات
بهره‌داران از کار بردگان دهقانان	زمین، برده، کله و طلا	برده‌داران
بخشی از ثمره کار خود را به اشراف می‌داد.	همه کوچکی از زمین از ارتکار و تعداد کمی حشم.	دهقانان
تمام ثمره کار او متعلق به برده‌دار بود.	هیچیز کامل که خود جزو املاک برده‌دار بود.	بردگان

بلکه به حساب کار بردگان و دهقانان زندگی می‌کردند. حتی از لحاظ ظاهری نیز آن‌ها از سایر اهالی مصر متمایز می‌شدند. لباس برده‌داران از کتان ظریف بود، خنجر می‌پوشیدند و دست‌های طلاکاری شده بر کمر داشتند. دست‌بندها و گردن‌بندهای طلا به دست و به گردن زده بودند. برده‌داران در خانه‌های اعیانی که اطراف آن‌ها درختان انبوه و سایه فکن باغ‌ها در بر گرفته بود، زندگی می‌کردند. ثروتمندترین برده‌داران رهبر ایل می‌شدند.

در مصر نظام برده‌داری شکل گرفت. در نظام برده‌داری تعدادی از آدمیان - برده‌دار بودند و بقیه مردم برده. برده‌داران برده‌ها را استثمار می‌کردند و کار و زندگیشان را بنا به اراده خود رتق و فتق می‌نمودند.

پرسش و تمرین:

۱. توضیح دهید، استثمار یعنی چه؟ چرا عده‌ای امکان یافتند، عده‌ای دیگر را استثمار کنند؟
۲. چرا اسیران را در مصر ابتدا می‌کشتند، ولی در قرون چهارم - سوم قبل از میلاد زنده نگاه می‌داشتند؟
۳. چه تفاوتی بین دهقان و برده بود؟ چه چیزی بینشان مشترک بود؟ وضعیت چه کسی بدتر و وخیم‌تر بود؟ با دلیل بیان دارید.
۴. با استفاده از متن و تصاویر داستانی در مورد وضع مصر باستان تنظیم کنید: الف) بردگان، ب) دهقانان، ج) برده‌داران.
۵. چه تفاوتی بین نظام برده‌داری و نظام جماعتی نخستین می‌بینید؟

بند هشتم

تشکیل دولت‌ها در مصر باستان

به خاطر آورید: چه تغییراتی در اداره ایلات در موقع فروپاشی کمون عشیرتی صورت گرفته بود؟ (بند ۵، ماده ۴).

۱. نخستین دولت‌ها در مصر

با پیدایش طبقات استثمارکننده و استثمار شونده، مبارزه بین آنها آغاز شد. دهقانان اراضی اشراف را اشغال می کردند و نمی خواستند آنچه را که با کار دشوار خود به دست می آوردند، به آنها بدهند. بردگان می کوشیدند آزادی را به چنگ آورند و مایل نبودند برای برده داران کار کنند. تنها با زور امکان داشت مقاومت بردگان و دهقانان را در هم شکست و آنها را وادار به اطاعت از برده داران کرد.

برده داران چشم به کمک رهبران ایل داشتند. انباشت ثروت رهبر ایل به او اجازه می داد قراول های فراوان و واحدهای نام و تمام سپاهی به گرد خود جمع کند. قراول ها و سپاهیان بردگان فراری را صید می کردند، از مزارع و گله و خانه برده داران حفاظت می کردند، دهقانان و بردگان سرکش را با ترکه کتک می زدند، به زندان می افکندند، اعدام می کردند.

با رشد تعداد قراول ها و سپاهیان، حکومت رهبر نیز تحکیم بیشتر می یافت. رهبر حاکم بی رقیب ایل می شد و خود تمامی مسائل



۵ تصاویر روی این قطعه سنگ که قریب ۳ هزار سال پیش کنده شده اند چه می گویند؟ در مرکز سنگ - سپاهی ای پیروز بر دشمن را می بینید که به وسیله شاه پاداش می گیرد. از عطا معلوم می شود فرد این شاه، پادشاه است. خدای کوهستان که به شکل شاهی ترسیم شده طنابی را نگاه داشته که گردن اسیری بدان بسته است. بردگان و اسیران را در مصر با عدد مخصوص احشام - رأس - شماره می کردند. هر ساقه ای که شاهین بالای آن قرار دارد ۱۰۰۰ رأس امیر بشمار می رود. در پایین دشمن فراری رسم شده. بالا الهه ای با شاخ و سرگاو ترسیم گردیده است. وقایع مربوط به این نقاشی را در متن پیدا کنید.

را راساً حل و فصل می کرد. رهبران به تدریج به سلاطین تبدیل شده بودند.

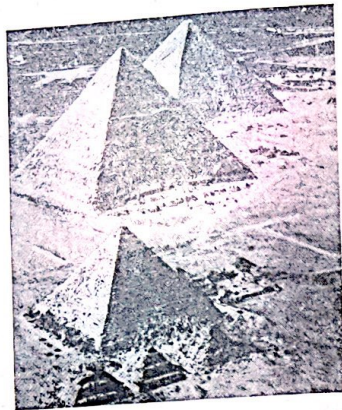
در هزاره چهارم قبل از میلاد دولت‌ها به وجود آمدند، حاکمیت شاهان، که دارای سپاه و قراول و جلاد و زندان بودند استقرار یافت.

دولت عبارت از آن نیروئی بود که با کمک آن برده داران سیادت خود را بر استثمار شوندهگان، یعنی بردگان و دهقانان تحکیم می بخشیدند.

۲. وحدت مصر تحت حکومت فراعنه

ابتدا در مصر قریب ۴۰ دولت حکومت می کرد. سلاطین این دولت‌ها اغلب با یک دیگر در جنگ بودند. پادشاهی که پیروزی می شد، سرزمین شاه شکست خورده را به قلمرو خود ضمیمه می کرد. بالاخره یکی از شاهان تمامی شمال مصر - دلتای نیل و دیگری تمامی جنوب - دره نیل را به تصرف درآورد.

قریب ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد بود که شاه جنوب، شمال مصر را هم اشغال کرد. سنگ نبشته‌ها از این جنگ حکایت دارند.



۱. اهرام (عکس به
وسیله هواپیما) دورترین هرم
- هرم خنوپس است. در قدیم
اهرام را یکی از ۷ معابد
جهان می‌شمردند.
۲. تندیس بزرگ ابوالهول
(عکس).

۲. ساختمان اهرام

جوسرو فرعون هائی که پس از وی سلطنت کردند، به ساختمان اهرام - یعنی مقبره‌های بزرگ سنگی توجه خاصی داشتند. در این مقبره‌ها اجساد فراغت دفن می‌شد.
بزرگ‌ترین اهرام قریب ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد برای فرعونى ساخته شد بنام خنوپس، ارتفاع این هرم تقریباً ۱۵۰ متر است (در حال حاضر هزاران هزارخانه مسكونی دارای چنین ارتفاعی است).
برای دورزدن هرم باید قریب يك كيلومتر را طی کرد. در کار احداث آن ۲۳۰۰ میلیون تخته سنگ، که کوچک‌ترین آن‌ها ۲ ۱/۴ تن وزن دارد، به کار رفته است.

هرودوت - مورخ یونان باستان چگونگی ساختمان اهرام را تعریف می‌کند. بنا به حکایت او نگهبانان از سرتاسر مصر، دهقانان و بردگان را به محل ساختمان راندند. در يك زمان ۱۰۰ هزار نفر کار می‌کردند. عده‌ای تخته سنگ‌ها را از کوه می‌کندند، عده‌ای آن‌ها را روی سورت‌های کوچک می‌کشیدند و به محل ساختمان می‌آوردند
۶۷

سرانجام دولت واحدی شکل گرفت که قلمرو آن از شیب‌ها و بلندی‌های نیل تا دریای مدیترانه امتداد می‌یافت. پایتخت آن شهر ممفیس بود.

شاهان مصر را فرعون می‌نامیدند. فرعون اختیارات فراوان داشت. صاحب تمامی آدم‌ها، زمین‌ها و آب‌های مصر بود. پس از مرگ فرعون - سلطنت به فرزند او یا یکی از نزدیکانش به ارث می‌رسید.

۳. اردو کشی‌های اشغالگرانه سپاه مصر

در زمان حکومت فرعون جوسر، قریب ۲۸۰۰ سال قبل از میلاد، حکومت مصر قدرت و نیرومندی زیادی گرفت.

سپاهیان مصری به نوپیا، که در جنوب بلندی‌های نیل واقع شده بود، و به شبه‌جزیره سینا، که در خاور دلتای رود قرار داشت لشکر کشی کردند. راجع به این لشکر کشی‌ها به سرزمین‌های بیگانه سپهسالار مصری چنین می‌گوید:

سپاه با موفقیت بازگشت،
در حالی که ویران کرده بود سرزمین همسایه را،
و روئیده بود باغ‌ها و تاکستانهای را،
و به آتش کشیده بود تمامی روستاهایش را،
و کشته بود ده‌ها هزار مردمانش را،
و اسیر کرده بود بسیاری از اتباعش را،
و شاه تحسین کرد مرا،
به خاطر تمامی این امر فوق‌العاده.

(توجه کنید که سردار مصری از چه غنایمی که در لشکر کشی به دست آورده سخن می‌گوید).

و عده‌ای دیگر سنگ‌ها را می‌تراشیدند. قراول‌ها با طناب و ترکه برگردۀ کارگران می‌کوبیدند.

ساختمان اهرام وجاده‌ای که به آن ختم می‌شد ۳۰ سال ادامه یافت. ضمن این که دهقانان به کار ساختمان اهرام اشتغال داشتند؛ مجبور هم بودند زمین را از علف‌های هرز پاک کنند، کانال‌ها را از شن به رویند، مزارع را آبیاری نمایند. اگر چه کارگران سازندۀ اهرام سه ماه به سه ماه عوض می‌شدند، لیکن هزاران تن از آن‌ها از کار سنگین و طاقت‌فرسا و شکنجه و کتک می‌مردند. اهرام هم اکنون نیز به سان گواهان لال حکومت ظالمانه و خشن فراعنه در میان بیابان قد برافراشته‌اند. راه باریکی تا عمق اهرام به اتاق کوچکی که جسد فرعون در آن بوده، پیش می‌رود... تقریباً تمام مقبره‌ها در همان عهد قدیم غارت شدند.

در کنار اهرام روی صخره‌ای بزرگ سفینکس، یعنی تندیس عظیم شیری با سر انسان قد برافراشته است. ظاهراً شکل یکی از فراعنه را دارد. ارتفاع تندیس بیش از ۲۰ متر است. این هیکل سنگی چنان وحشتی در دل اهالی می‌انداخته که آن‌را ابوالهول یا پدر وحشت می‌نامیدند.

پرش و تمرین:

۱. آیا در نظام جماعتی نخستین، دولتی وجود داشت؟ چرا دولت در مصر قدیم به وجود آمد؟
۲. فکر کنید آیا تفاوتی بین کشور و دولت وجود دارد؟ چه تفاوتی؟ عمده‌ترین نشانه دولت چیست؟
۳. چند هزار سال پیش دولت واحدی در مصر شکل گرفت؟ چند قرن پیش هرم خنوپس ساخته شد.

۶۸

بند نهم

اداره دولت و مبارزه طبقات در مصر

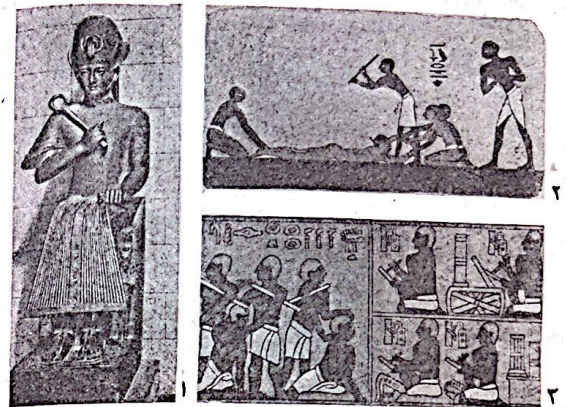
۱. «شورشیان را بکش!» «بزرگان خود را ارج گذار!»

فرعون برای این که حکومت خود را بر تمامی کشور حفظ کند اشراف را به عنوان حاکمان ولایات منصوب می‌کرد. مصر به چندین ولایت تقسیم شده بود. تعداد کثیری کارمند، نگهبان و سپاهی در اختیار این حکام بودند.

کارمندان مردمی را که به جان و اموال برده‌داران سوء قصد می‌کردند، و یا فرامین فرعون را نقض می‌نمودند، به محاکمه می‌کشیدند. فرعون با خیانت می‌طلبید که «شورشیان را نابود کن!»، آن‌ها را بکش! نزدیکانشان را هلاک کن! و خاطره‌شان را محو ساز! و یا می‌گفت: «خطرناکترین دشمنان - فقیرانند!». یک کارمند به قساوت و بی‌رحمی خود می‌بالید: «از هراس من - توده می‌لرزد، من اسیران را لت و پار می‌کنم، من شورشیان را وادار می‌کنم که به اشتباهات خود اعتراف کنند»، یعنی با شکنجه آن‌ها را مجبور به قبول نظراتش می‌کرد.

به اشراف و کارمندان فرعون به خاطر «خدمات»شان طلا، حشم و برده هدیه می‌دادند. فرعون در نصیحت به پسرش نوشت: «بزرگان» خود را ارج گذار، به سپاهیان درجه بده، زمین هدیه کن، با هدیه احشام بنوازا!

* بزرگان - یا ولی نعمت‌ها به کسانی می‌گفتند که مددکاد نزدیک دربار و اشراف زاده بودند.

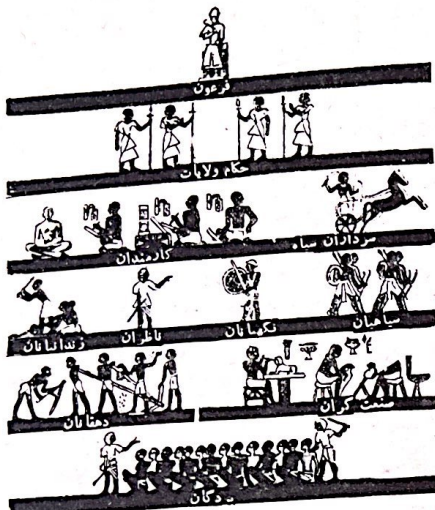


۲. جمع آوری مالیات، وظایف دشوار دهقان

کارمندان مقدار زمین و تعداد حشم هریک از دهقانان و تعداد درختان میوه را ثبت می کردند. دهقانان مجبور بودند از بابت هرچه داشتند مالیات بدهند. مالیات به صورت گندم و محصولات دیگر گرفته می شد. در تمام مصر انبارها-سیلوهای مرتفع ساخته شده بود که تا سقف پراز غله ای بود که از دهقان گرفته بودند. از محصولاتی که جمع آوری می شد، به بزرگان پاداش می دادند و برای نگاهداری کارمندان و نگهبانان و سپاهیان استفاده می شد.

اگر که محصول بد بود و دهقان نمی توانست مالیات خود را به پردازد، روزگارش سیاه می شد. کارمندی چنین حکایت کرده است: «دهقان بی نوا! مأمور مالیات وارد زمین او شد. محصول را واری کرد. در کنارش قراول ها ایستاده بودند. آن ها با ترکه و شلاق هایی از برگ نخل مجهز بودند. گفتند: «سهم غلات را بده!» غله ای در کار نبود. پس دهقان را به کتک گرفتند. دهقان را طناب پیچ کردند، زنش را طناب پیچ کردند. بچه هایش را طناب پیچ کردند و دهقان

۷۰



۱۵. فرعون ۲. مجازات
با ترکه ۳. جمع آوری مالیات
از دهقانان (تصادیر مصر قدیم).

۵ دولت در مصر - عمده -
ترین لبردی حامی برده داران
بود.

ساکت بود، در کف شیر نر خونخواره ای، غیر تسلیم و رضا کو چاره ای». علاوه بر پرداخت انواع مالیات ها، دهقان وظایف دیگری را هم مجبور بود انجام دهد. سدها را تعمیر می کرد، کانال ها را می کند، و از کوه برای احداث کاخ ها و گور فرعون ها و اشراف، سنگ می برید.

۳. وضعیت صنعت پیشگان

بسیاری از صنعت گران در کارگاه هایی کار می کردند که به فرعون و سایر برده داران ثروتمند تعلق داشت. ناظران مراقب کار آن ها بودند.

یک مصری اهل قدیم زندگی صنعت گران را چنین وصف کرده است: «با فنده در تمام روز، در حالی که به خود می پیچد، پشت دستگاه نشسته و گرد و غبار کتان را می بلعد. قطعه نان خود را به ناظر - نگهبان می دهد تا بدوی اجازه دهد از کارگاه بیرون رفته، نور را ببیند. اگر که او درس خود را انجام ندهد، با سخاوت تمام به ترکه بسته می شود. تجار فرسوده تر از دهقان است. او باید بیشتر از آنچه

۷۱

که از دستش برمی آید، کار کند. شب‌ها هم کار می‌کند. بنائی که در کار احداث کاخ‌های بزرگ شرکت دارد، حتی شکمش هم سیر نمی‌شود، لباسش - کهنه پاره رقت‌باری است. هم خودش کتک می‌خورد، هم بچه‌هایش. حکایتگر به داستان خود چنین می‌افزاید: «چه کنکی! چه کنکی!»

۴. قیام فقیران و بردگان

آیا دهقانان و صنعت‌گران و بردگان در مصر همیشه مطیع فرعون‌ها و سایر برده‌داران بودند؟ پاسخ این سؤال را سندی می‌دهد که از قیام مردم در این سرزمین حکایت دارد. این قیام نزدیک به سال ۱۷۵۰ قبل از میلاد اتفاق افتاده است. (با دقت سند ضمیمه بند نهم را بخوانید و به سؤالات مربوط به آن جواب دهید). در این سند گفته نشده است که قیام چگونه پایان پذیرفت، ولی معلوم است که برده‌داران تمام نیروهای دولت مصر را متمرکز کردند و حکومت فراغه را دوام بخشیدند.

قطعه‌ای از «شرح مصیبت کشور»

در این «شرح» برای سؤالات زیر پاسخ‌هایی پیدا کنید: چه کسی بر علیه چه کسی در مصر قیام کرد؟ قیام چه دست‌آوردی داشت؟ نویسنده «شرح» غمخوار کیست؟

مردم بر علیه حکومت شاه که خداوند ارزانی داشته بود، قیام کردند.

پایتخت ظرف يك ساعت ویران شد. شاه اسیر مردم فقیر گردید.

روای کشور با فرار خود را نجات دادند. کارمندان به قتل رسیدند. صاحبان لباس‌های فاخر - زنده پوش شدند و ثروتمندان بی‌نوا. آن‌کسانی که حتی يك جفت گاو نر نداشتند، صاحب گله شدند. و کسی که غله

را جمع می‌کرد، اکنون خود آن‌را می‌دهد. بردگان خود صاحب برده شدند. این مصیبتی است برای من. آه، که چقدر از مصیبت این زمانه، دلتنگم.

پرسش و تمرین:

۱. کارمندان دولت چه وظایفی در مصر انجام می‌دادند.

۲. توضیح دهید چرا خطرناک‌ترین دشمنان شاه فقرا بودند؟

۳. وضع زندگی دهقانان و صنعت‌گران را شرح دهید.

۴. براساس سند ضمیمه فصل داستانی شفاهی از قیام سال ۱۷۵۰ قبل از میلاد بیان دارید.

۵. در چه قرنی این قیام در مصر اتفاق افتاد؟ اگر پاسخ دشوار است،

با هم می‌خوانیم: از قیام فقیران تا عصر ما - یعنی تاریخ میلادی ۱۷ قرن

و ۱۷ قرن هجدهم سپری شده است. بدیهی است که قیام در اواسط قرن هجدهم

قبل از میلاد روی داده. تقریباً قیام چند قرن پیش اتفاق افتاده است؟ قبلاً

چه حوادثی روی داده بود؟ قیام یا ساختمان هرم ختوپس؟

بند دهم

اعتلاء و سقوط دولت مصر

(نقشه شماره ۲)

به خاطر آورید: در نظام برده داری چه طبقاتی در مصر بودند (بند ۷، ماده ۴).

۱. رشد اقتصاد مصر در هزاره دوم ق. م.

در اواسط هزاره دوم قبل از میلاد مصریان در زمینه اقتصاد پیشرفت و موفقیت‌هایی کسب کرده بودند. استقرار نظام برده داری در مصر به گسترش کار در جهت آبیاری و خشکانیدن اراضی کمک کرد. هر ساله کارمندان ده‌ها هزار دهقان و برده را برای انجام این کارها گرد می‌آوردند. دهقانان و بردگان کانال‌هایی می‌ساختند که دور از رود نیل بود. در دره نیل مساحت زمین‌های مزروعی به گونه چشم‌گیری گسترش یافته بود.

در مصر شروع به آوردن اسب و شتر از آسیا نموده بودند. صنعت گران یاد گرفته بودند که مس را با قلع ذوب کرده، درآمیزند. به این آمیزه بونو می‌گویند. برنز از مس محکم‌تر و بادوام‌تر است. پایتخت جدید مصر - فی ۱۹ - به یک شهر بزرگ و زیبا تبدیل شده بود.

۲. تقویت سپاه مصر

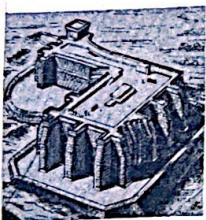
رشد اقتصاد و افزایش سکنه در مصر امکان می‌داد سپاهیان افزوده شوند و به خوبی مسلح گردند.

عمده‌ترین نیروی سپاه - لشکر پیاده کثیرالعدد آن بود، که افرادش را دهقانان تشکیل می‌دادند. پیاده نظام مصر با نیزه و تبر و شمشیر و تبر و کمان‌های بزرگ مسلح بودند. در هزاره دوم قبل از میلاد واحدهای ارا به‌ران نیز تشکیل شدند. ارا به‌ران‌ها سوار بر - ارا به‌هایی که دو چرخ داشت و آن را اسب‌ها می‌کشیدند، می - جنگیدند. در هر ارا به‌ای ۲ سپاهی قرار می‌گرفت: یکی مهار اسب‌ها را به دست داشت و دیگری با کمان تیراندازی می‌کرد. ارا به‌ران‌ها در نبرد با شتاب‌پور می‌آوردند و در موقع پیروزی، دشمن فراری را رانده، تار و مار می‌کردند.

۳. کشورگشایی‌های فراغنه

قریب ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد فرعون توت‌موس سوم با سپاهیان خود به آسیا لشکر کشید. در نتیجه جنگ‌های طولانی توت - موس سوم و پس از مرگش جانشین‌های موفق شدند فلسطین و سوریه - یعنی کشورهایی را که در خاور سواحل دریای مدیترانه واقع شده بودند، تسخیر کنند. متصرفات امپراتوری مصر تا شمال رودخانه فرات امتداد می‌یافت. فرعون‌ها در جنوب، نوبیا را که به خاطر معادن طلایش مشهور بود، تسخیر کردند.

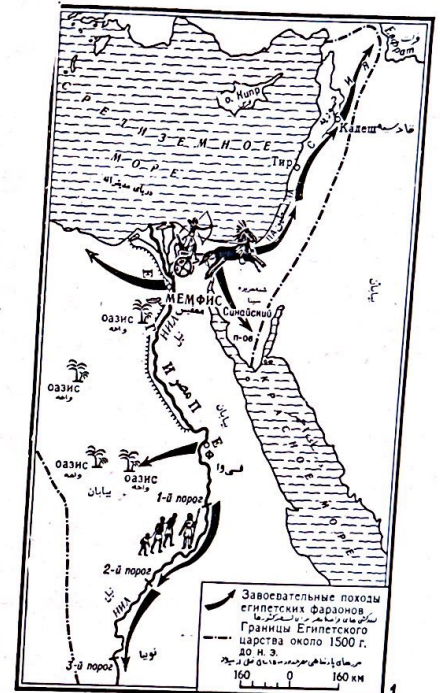
فرعون‌ها بی‌رحمانه کشورهای اشغالی را غارت می‌کردند. در مصر شبانه‌روز ستون‌کاروان‌های شتر، که طلاها و عاج‌های فیل را حمل می‌کردند، در حرکت بود. سپاهیان گله‌های احشام و اسب را سینه می‌کردند. ناوها انواع چوب‌های گران‌بها را به مصر حمل می‌نمودند. صف دردمند اسیران در بیابان پایانی نداشت.



کانال‌ها برپا می‌ساختند و در مزارع برده‌داران عرق می‌ریختند.
در هزارهٔ دوم قبل از میلاد در مصر نظام برده‌داری به
گونه‌ای نهایی تشکیل شد و تحکیم یافت.

۵. سقوط دولت مصر

جنگ‌های اشغال‌گرانهٔ فراغت، که برده‌داران مصری را
ثروتمندتر کرده بود، نیروهای این سرزمین را از هم گسیخت.
دهقانانی که به خدمت سپاهی برده می‌شدند، در نبردها به قتل



۱۵. کشور کشاورزی‌های
مصر باستان. ۲. یورش مصریان
به دژی در سوریه. فرعون خود
سوار بر ارابه پیش می‌نازد.
۳. پیاده نظام مصری. ۴. دژ
مصر باستان. ۵. مصریان فرعون
را ستایش می‌کنند. تصاویر
باستانی مصر را مقایسه کنید.
نقاشان چه می‌خواستند بگویند؟

۲. نظام برده‌داری در مصر هزارهٔ دوم ق. م.

بخش اعظم غنایم جنگی به فرعون و سایر برده‌داران مصر
می‌رسید. می‌گفتند که فرعون به اندازهٔ شن‌های بیابان طلا دارد.
تعداد بردگان در مصر به سرعت فزونی می‌یافت. تنها در
جریان اردوکنی به آسیا، بیش از ۱۰۰ هزار نفر اسیر شدند. فقیران
مصر نیز تبدیل به برده می‌شدند. دهقانان و صنعت‌گران چنان فقیر
بودند که بارها غله و پول (تکه‌های مسی) از ثروتمندان به قرض
می‌گرفتند. اگر بدهکار قادر نمی‌شد دین خود را به موقع بپردازد،
ثروتمند به کارمند شکایت می‌کرد. بدهکار در قبال دین خود یا
خویش و یا کودکانش را به بردگی می‌داد.
بردگان در معادن سنگ و مس کار می‌کردند و کاخ‌ها و

می‌رسیدند و از تب و لرز در نویای باتلاقی و از داغی بیابان‌ها می‌مردند. هیچ‌کس نبود که قطعه زمین سپاهی به جنگ رفته را آباد کند. اقتصاد دهقانی فروپاشید. هرگاه سپاهی زخمی یا بیمار به روستای زادگاهی خویش برمی‌گشت اغلب می‌دید که اموالش غارت شده و زن و فرزندانش به بردگی فروخته شده‌اند.

در درون فقیران و بردگان نفرت به فرعون و برده‌داران، که به حساب بدبختی آنان زندگی مرفهی داشتند، افزایش می‌یافت. در گوشه و کنار مصر قیام‌بردگان و فقیران شعله‌ور می‌شد. ملت‌های شکست‌خورده نیز دست از مبارزه با اشغالگران میهن خود، نمی‌کشیدند. همین‌که در سرزمینی تسخیر شده، قیام خلق شعله‌ور می‌کشید، سپاه مصر با زحمت می‌توانست از آن کشور خارج شود.

فرعون‌ها برای سرکوبی قیامیان از میان مردم همسایه آن کشور سپاهیان به مزدوری می‌گرفتند. مزدوران با قساوت دهقانان و بردگان را در خون می‌نشانند. ولی این گونه مزدوران در زمان جنگ با دیگر ملت‌ها، برای فرعون‌ها افرادی قابل اطمینان نبودند: يك مزدور اگر وعده پول بیشتر بشنود، به طرف دیگر ملحق می‌شود. و رشکست شدن دهقانان، قیام مداوم فقیران، بردگان و ملت‌های سرزمین‌های اشغالی، دولت مصر را ضعیف کرد. مصر متصرفات خود را در آسیا و نوپیا از کف داد و در آغاز هزاره اول قبل از میلاد به وضعی افتاد که با دشواری در مقابل حملات کشورهای همسایه از خود دفاع می‌کرد.

پرسش و تمرین

۱. از جنگ‌های دولت مصر به چه کسانی نفع می‌رسید؟ چه نفعی می‌رسید؟ چه کسی و چگونه از جنگ رنج می‌برد؟

۲. رشد بعدی نظام برده‌داری در مصر در هزاره دوم قبل از میلاد چه چیزی را نشان می‌دهد؟ فکر کنید که نظام برده‌داری بدون وجود دولت می‌توانست دوام آورد؟

۳. داستانی در مورد سپاه مصر و یورش آن به سرزمین‌های بیگانه تنظیم کنید.

۴. چه چیز باعث ضعف دولت مصر شد؟

۵. چند سال از ایجاد دولت مصر تا زمان جنگ‌های توت‌موس سوم گذشته بود؟ تقریباً چند هزار سال از زمان جنگ‌های توت‌موس سوم تا زمان ما سپری شده؟

بند یازدهم

مذهب در مصر باستان

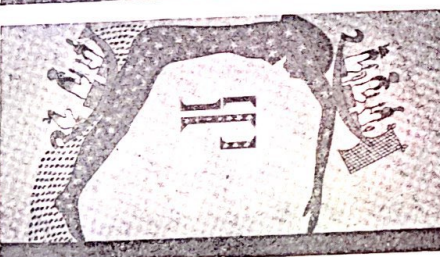
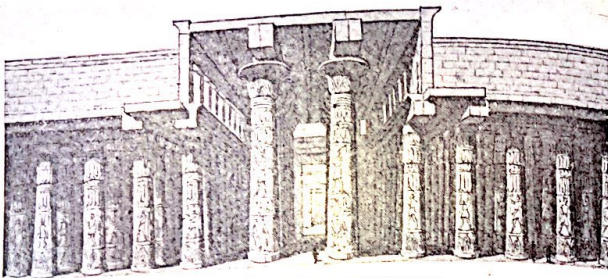
به خاطر آورید: چرا در مردم باورهائی پیرامون خدایان به وجود آمد؟
(بند ۳- ماده ۲) چگونه این باورها با پیدایش کشاورزی تغییر کرد (بند ۵- ماده ۵).

۱. پرستش نیروهای طبیعت

خرابه‌های معابد کهن در مصر تاکنون حفظ شده‌اند. معبد‌ها مکان زندگی خدایان شمرده می‌شد. در آن‌ها طاعوت‌هائی با سر حیوانات قرار داشتند. خدای دریاها و رودهای ژرف سر تمساح داشت و خدای خورشید - سر قرقی. هر پدیده‌ای از طبیعت - دارای یک خدا بود. الهه جنگ با سر شیر ماده مخصوصاً مصریان را می‌ترساند: گوئی که انسان را دچار طاعون می‌کند، بیماری‌ای که نجات از آن ممکن نبود.

به خدای خورشید - Ra - را - «خدای خدایان» گفته می‌شد، همان‌گونه که فرعون رعایای خود را رهبری می‌کرد، را نیز خدایان را رهنمون می‌شد. مصریان که علت تغییر شب و روز را نمی‌دانستند می‌گفتند که را هر روز بایک قایق طلائی به آسمان می‌آید و شب به بیابان می‌رود.

مصریان هیچ‌گاه به بخش‌های علیای رود نیل نرفته بودند و به همین جهت نمی‌دانستند که نیل از کجا سرچشمه می‌گیرد. آن‌ها فکر می‌



۱۵. تالار ستون‌های
معبد اصلی فیوا. سنگ‌های بزرگ
سربش تالار را نگاه داشته‌اند.
۲. مصریان قدیم خدایان خود
را چنین تصور می‌کردند.
۳. آن‌ها آسمان و خورشید را بدین
شکل می‌پنداشتند. خدای خورشید
- را - راه آسمانی خود را
طی می‌کند. چرا مصریان راجع
به خورشید چنین تصوری داشتند؟

کردند که خدای نیل از سبونی آب می‌ریزد و طغیان رودخانه به اندازه‌ای است که خدای نیل می‌ریزد. مصریان دست نیایش به سوی نیل بلند می‌کردند که به مزارع آن‌ها بریزد و به خاطر آن که دعای آنان را مستجاب کرده و زندگیشان را نجات داده، براوسپاس می‌گفتند (ترانه نیل در ضمیمه بند یازده آمده است).



۵. مصریان دادگاه اوسیریس را چنین تصور می کردند. اوسیریس بر تخت شاهی نشسته و خدایان دیگر قلب مرده ای را که دوشش در مقابل اوسیریس قرار داده، به نزدش می آوردند.



۲. داستان رستاخیز خدایان

هرتابستان در مصر ۵۰ روز مدام باد گرم - باد خشک از بیابان می وزد. همراه این باد شن ریزه های سوزان و درخشان سرازیر می شوند. مردم و حیوانات از گرما خفقان می گیرند، از گردوغبار کور می شوند، گیاهان از جا کنده می شوند. گوئی که طبیعت به حال مرگ می افتد. ولی باد مرطوب دریا شروع به وزیدن می کند و آنگاه، نیل سر به طغیان برمی دارد. طبیعت به تمامی، بار دیگر زنده می شود.

از این جا داستان مربوط به مرگ و از مرگ برخاستن خدایان به وجود آمد. خدای غضبناک بیابان ست - set با چهره ای ارغوانی و چشمانی پرافروخته به همراه ۵۰ نفر خدمه خویش می آید و خدای اوسیریس را که به از یاد محصول کمک می کند، می کشد، ولی به محض این که رستاخیز طبیعت آغاز می شود، اوسیریس هم زنده می گردد.

۳. زندگی آن سوی مرگ

مصریان، از سرمشق مرگ و رستاخیز اوسیریس باور کرده بودند که روح می تواند به جسم برگردد، اگر که جسم حفظ شود.

۱۵. «رستاخیز اوسیریس» در کنار ادپرش خدای کوهستان اینساده است. ۲۰. تابوت طلایی، فرعون در این تابوت دفن شد.



به همین جهت درون جسم مرده را خالی می کردند، به آن محلول نمک می زدند و آن را در پارچه های سفید می پوشاندند. چنین جسمی فاسد نمی شد، می خشکید. اجساد خشکیده را مومیائی می گویند. مومیائی کردن اجساد خیلی گران تمام می شد، به همین جهت فقط افراد ثروتمند قادر به چنین کاری بودند.

این باورها برای ما امروزه مضحک است، لیکن آن روزگار، مصریان بدان اعتقاد داشتند.

۴. کاهنان - برده داران ثروتمند

مصریان برای خدمت به خدایان - قربانی می کردند. دهقانانی که خودگرسنه بودند، کیسه های غله و سبدهای سبزی را به معبد هدیه می کردند. برده داران به عنوان ایشار، طلا به معبد می دادند یا بردگان و حیوانات را قربانی می کردند. فرعون ها نیز زمین های مرغوب را به معابد هدیه می نمودند. معابد ثروتی کلان - انباشته بودند. معبد اصلی شهر فسی ۱۹ دارای بیش از ۸۰ هزار برده بود.

در معابد «خادمین خدایان»، یعنی کاهن ها زندگی می کردند. مردم اعتقاد داشتند که به خدایان خوراک می دهند غذا را در مقابل طاغوت ها می گذاشتند.

مردم باور داشتند که کاهن‌ها با خدایان ملاقات می‌کنند و نه تنها قربانی‌های آنان را به خدایان می‌دهند، بلکه تقاضایشان را بازگویی کنند و خدایان از طریق کاهن‌ها اراده خود را به مردم نشان می‌دهند. کلام کاهن - کلام خدایان بود.

کاهن‌ها با در اختیار گرفتن ثروت معابد، به ثروتمندترین افراد زمان که دارای هزاران برده و طلا و زمین بسیار بودند، مبدل شده بودند و بی دریغ بردگان و بدهکاران خود را مورد استثمار و بهره‌گیری قرار می‌دادند.

۵. خداشمردن فراغه

کاهن‌ها از مردم مصر می‌خواستند که کاملاً مطیع و گوش به فرمان فرعون و برده‌داران دیگر باشند. آن‌ها می‌گفتند: «خدایان افراد مطیع را دوست دارند و به نافرمان‌ها نفرت می‌ورزند». آن‌ها کسانی را که به فرمان‌های فرعون عمل نمی‌کردند تهدید به خشک‌سالی و طاعون و هجوم دشمنان و خشم اوسیریس می‌کردند. به نظر مردم ساده مصر، چنین قدرت و جاه و جلالتی که فرعون داشت، نمی‌توانست از طریق آدم‌ها داده شده باشد، بلکه این جاه و جلال و قدرت را خدایان به‌ویژه تفویض - واگذار کرده بودند. به همین جهت فرعون را «خدای بزرگ» می‌نامیدند. در معابد تندیس‌های فرعون در کنار تندیس خدایان قرار داشت. نه تنها مردم ساده، بلکه بزرگان قوم هم در مقابل فرعون به خاک می‌افتادند و جای پای او را می‌بوسیدند. افتخار بزرگی بود اگر که فرعون اجازه می‌داد کنشش (صندلش) را ببوسند.

این باورها باعث شده بود که حکومت فراغنه تحکیم یابد

و سیادت برده‌داران محکم شود. وحشت‌ستم‌دیدگان از خدایان و ترس آن‌ها از مجازات بعد از مرگ، مانع مبارزه آن‌ها با ستم‌گران می‌شد.

در ستایش نیل

در ترانه، راجع به اهمیت نیل برای مصریان، چه گفته می‌شود؟ از چه کلماتی از ترانه می‌توان دریافت که مصریان نیل را موجودی زنده می‌دانستند؟

افتخار بر تو، نیل!
که می‌گذری تا مصر زنده بماند.
اگر دیر کنی، زندگی تمام شود،
اگر خشم‌گیری، بلا، بر تمامی کشور نازل کند،
و کوچک و بزرگ فقیر شوند.
و اگر سر به‌طفیان برداری،
از شادی به غمگینی برخیزند
زمین و تمامی موجوداتش.
تو بخشایند غله و غذای فراوانی
خلاق تمامی زیبایی‌هایی.
کودکان و جوانان از تو نشاط‌گیرند
و بر تو، به‌سان پادشاهان
دروود دهند.

پریش و تمرین:

۱. در روایات مذهبی مصر، از محیط زیست و طبیعت این کشور چه چیزی بیان می‌شود؟ آیا از روی باورهای آنان می‌شود، مصریان را شناخت؟ در مذهب مصریان چه چیزی حاکی از تشکیل طبقات و دولت است؟
۲. چرا در مصر داستان رستاخیز خدایان به وجود آمد؟ چه کسانی از این داستان بهره می‌گرفتند؟ چه زبانی داشت؟ چه کسی زبان می‌دید؟

پیدایش آگاهی علمی و خط در مصر باستان

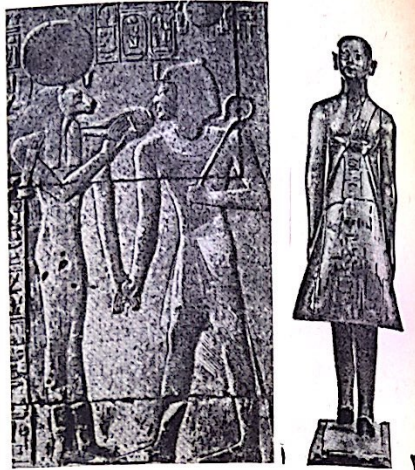
به خاطر آورید: مردمان نخستین چه چیزهای مفیدی در طبیعت پیدا کردند و چگونه آن را به خدمت خویش گرفتند؟

۱. پیدایش ریاضیات

زارع نمی توانست بدون محاسبه مقدار محصولی که برداشت می کرد و این که چقدر باید به مصرف کشت برساند و چقدر را می تواند برای خوراک ذخیره کند، وضع خود را روبراه سازد. صنعت گر، که برنز را تهیه می کرد، مجبور بود رقم دقیقی از مقدار اختلاط مس و قلع داشته باشد. محاسبات دقیقی نیز در موقع ساختمان سد های آبگیر و بناها لازم بود. در این مورد ضرور بود بدانند به چند کارگر نیاز دارند، چقدر مصالح لازم است و چقدر وقت می برد تا ساختمان تمام شود.

بدین سان بود که در نتیجه کار انسان علم حساب یا آریفماتیکا به وجود آمد. مصریان کسر و چهار عمل اصلی را بلد بودند و می توانستند حتی تا میلیون ها حساب کنند. برای این که میلیون را نشانه کنند انسانی را می کشیدند که دست هایش از تعجب چنین رقم «گنده» ای، بالا رفته بود.

هنگام حفر کانال ها و تقسیم مزارع به قطعات کوچک تر ناگزیر بودند مساحت و زوایای زمین را اندازه بگیرند. از همین جا بود که علم ژئومتری که يك واژه یونانی است، به وجود آمد. ژئومتری



۵ تصویر فرعون با خدای وحشتناک جنک فرعون را از روی چه علامتی می شناسید؟ چرا فرعون را به همراه خدایان تصویر می کردند؟
۴ مجسمه کاهن در کوداو. چرا در کوداو مجسمه مردگان را قرار می دادند.

(هندسه) یعنی «اندازه گیری زمین».

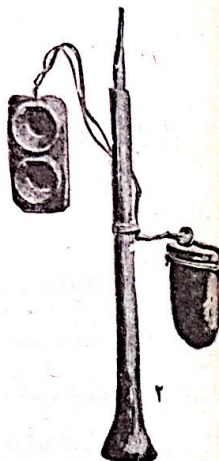
۲. پیدایش اخترشناسی

تا آغاز طغیان نیل کشاورزان ناگزیر بودند مزارع، کانال ها و سدهای آبگیر را آماده کنند. مصریان متوجه شده بودند که قبل از طغیان، هر سال ستارگان در آسمان، يك وضع مشخص به خود می گیرند. از این نظاره ها بود که آسترونومی یا علم اخترشناسی - نجوم زاده شد. مصریان حتی نقشه آسمان پرستاره را کشیده بودند. آنها از روی ستارگان راه خود را در بیابان و دریا پیدامی کردند. البته، آن ها که مجهز به تلسکوپ های کنونی نبودند، نمی توانستند بسیاری از ستارگان را، که امروزه ما می شناسیم، بشناسند. مصریان تقویم را به وجود آوردند و سال را دارای ۳۶۵ روز می دانستند (تصور کنید، مصریان چه دقتی به کار برده بودند).

۳. پزشکی در مصر

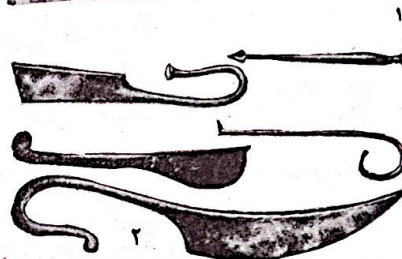
دانش پزشکی ابتدا در دوران مردمان نخستین به وجود آمد. مصری ها به خاطر مومیائی کردن اجساد مردگان خود، خوب از ساختمان درونی جسم آدمی مطلع شده بودند و همین امر، به آن ها

۱۵. نقشه آسمان پرستاره
از مصر قدیم. ۲. وسایل نگارش
در مصر باستان. دوات، قلمی
از نی، جعبه کوچکی برای ماسه.
۳. هیروگلیف مصری.



ابند! مصریان در مورد آن چه می خواستند بیان کنند، نقاشی می کردند. برای نوشتن «خورشید» دایره ای رسم می کردند که نقطه ای در وسط آن داشت. تصویر انسان با تیر و کمان به معنی «سپاهی» بود. اما از این پس دیگر علامت ها تنها نمایانگر کلمات کامل نبودند، بلکه بخشی از کلمه و صداها را نیز نشان می دادند. این علامات تصویری را هیروگلیف می نامند. در کتابت مصری، قریب ۷۵۰ هیروگلیف بکار می رفت. برای نوشتن به طور سریع، علایم ساده تری انتخاب شده بود.

در مصر برای نوشتن مواد مناسبی وجود داشت. در نقاط کم آب نیل گیاهی به حد وفور می روئید بنام پاپیروس که ۴ الی ۵ متر ارتفاع داشت. مصریان ساقه این گیاه را می بریدند و به صورت ورقه هایی در می آوردند که شبیه کاغذ بود. روی پاپیروس چیز می نوشتند و آن را توی رنگ می بردند. اگر که ورقه برای نوشتن مطلب کفایت نمی کرد، ورقه ای دیگر به آن وصل می کردند. بدین ترتیب نواری دراز به دست می آمد، که طول یکی از آن ها ۴۰ متر بود.



۱۵. قسمتی از پاپیروس
مصر قدیم با نوشته های روی آن.
۲ ابزار آلات پزشکی مصر باستان
از برنز. این یافته ها از چه
چیزی حکایت دارند؟

در معالجه امراض کمک می کرد. پزشکان در مورد امراض مشخصی به ضربان نبض گوش می دادند. آن ها از خواص شفا بخش بسیاری از گیاهان آگاه بودند. ابزار و آلات برنزی ای که با آن عمل می کردند هنوز هم حفظ شده است.

۳. خط در مصر باستان

هنوز در هزاره چهارم بود که دانش مصریان چنان وسعت گرفت که حفظ آن در حافظه انسانی و انتقال دادن شفاهی آن به دیگران امکان پذیر نبود. نیاز به خط به وجود آمد. سرانجام، خط با پیدایش دولت در مصر، زاده شد.

به این کاغذها نیز پاپیروس می گفتند. مصریان روی سنگ‌ها نیز مطلب می نوشتند.

۵. مکتب و آموزش در مصر باستان

دولت مصر به کارمندان و رهبران امور ساختمانی و سایر افراد باسواد نیازمند بود. به همین جهت در مصر مکتب خانه‌هایی برای آموزش کودکان به وجود آمد. در این مکتب خانه‌ها کودکان بزرگان قوم و کارمندان و کاهنان درس می خواندند. کار آموزشی سال‌های مدید طول می کشید. شاگرد تمرین‌ها را می نوشت و مسأله‌ها را حل می کرد. شاگردان کم سن و سال روی سفال ظروف شکسته نوشتن را می آموختند و بزرگ‌ترها روی برگ‌های پاپیروس. هنوز دست خط شاگردان با اصلاحات معلمین حفظ شده است.

به عنوان نصیحت در مکتب خانه به شاگردان گفته می شد: «بادست خود بنویس، بادهان خود بخوان، با کسی که از تو بیشتر می داند، مشورت کن... و گرنه ترا خواهند کشت. گوش کودک در پشت اوست، هنگامی می شنود که او را بزنند». دستیار معلم را «مردی با شلاق» نام داده بودند، او حساب شاگردان تنبل و نافرمان را می رسید. اگرچه کسب سواد و آگاهی علمی در مصر باستان فقط برای برده‌داران ممکن بود، لیکن پیدایش این دانش‌ها اهمیت کلانی داشت. آگاهی‌های علمی به رشد و توسعه کشاورزی، صنایع دستی و کار ساختمان مساعدت می کرد. خط باعث گردید دانش محفوظ بماند و از پیران به جوانان و از خلقی به خلق‌های دیگر رسد.



خط «پونول مسمیس»
و کلتوپا ترا.

چگونه خط قدیم مصری خوانده شد؟

زبانی که مصریان باستان با آن می نوشتند و سخن می گفتند، بعدها فراموش شد. هیچ کس قادر به خواندن آن نبود. چنین به نظر می رسید که اسرار هیروگلیف می رود تا برای همیشه پنهان بماند. در آغاز قرن نوزدهم سنگی را به اروپا انتقال دادند که در شهر مصری «روزه‌تا» کشف شده بود. (تصویر شماره ۱) روی سنگ یادداشت‌هایی به زبان مصری و یونانی حک شده بود. در این یادداشت نام پادشاه، در کادری کنده شده بود. شامپولون - دانشمند جوان فرانسوی، که زبان یونانی و سایر زبان‌های برجسته قدیم را می دانست تصور می کرد که هر هیروگلیفی يك معنای جداگانه، دارد، ولی بعضی از حروف صدا دار افتاده است. شامپولون با مقایسه زبان‌های مختلف توانست مفهوم چند هیروگلیف را حدس بزند. در این کار سنگ نبشته دیگری که یافت شده بود و روی آن نام زنی نوشته شده بود که قبلاً می دانست، کمکش کرد. شامپولون با استفاده از هیروگلیف‌های کشف شده، نام توت موس و سایر فراعنه را خواند و بدین طریق بنیاد قرائت خط مصری پی ریزی شد. کار شامپولون را دانشمندان دیگر ادامه دادند. اسرار خط مصر باستان فاش شد و اکنون تعداد زیادی پاپیروس و سنگ نبشته یافت و خوانده شده است.

پرسی و تمرین:

۱. چگونه در مصر باستان آگاهی‌های علمی پدید آمد؟
 ۲. فکر کنید که برای کشت و زرع در صحرائی بزرگ چه دانش و محاسباتی لازم بود.
 ۳. چه دانش و چه محاسباتی برای مسافرت در دریا و بیابان ضرورت داشت؟
 ۴. بگوئید چگونه خط در مصر به وجود آمد و توسعه یافت؟ با خط ما چه تفاوتی دارد؟
- چرا در مصر باستان پیسوادان زیاد بودند؟

بند سیزدهم

هنر در مصر باستان

(نقشه شماره ۲)

به خاطر آورید: کی و چگونه هنر پدید آمد. (بند ۳ - ماده ۱)

۱. ادبیات

دانشمندان با قرائت پاپیروس‌های مصری دریافتند که در مصر باستان ادبیات هنری وجود داشته است.

در سرودهای رسمی خدایان و فرعون‌ها شتایش می‌شدند. داستان‌ها حکایت از زندگی مردم در مصر و مسافرت آن‌ها به سرزمین‌های بیگانه داشت. افسانه‌ها - هیف‌های زیادی در مورد خدایان و قهرمانان خیالی پرداخته بودند. افسانه مربوط به اوسیریس مخصوصاً مشهور بود. نصایح مخصوصاً رواج گسترده‌ای داشت. در این «نصیحت»‌ها مردم مصر را از فرعون‌ها و درباریان بشدت می‌ترساندند: «بشت را در مقابل روسای خم کن»، «همین که انسان به دنیا می‌آید، باید در مقابل رئیس خود روی پا بایستد».

فقیران نمی‌توانستند آوازها و ضرب‌المثل‌های خود را بنویسند. به همین جهت اندکی از آن‌ها به دوران ما رسیده است. و از آنچه باقی مانده، طنین تلخ ناله آنان، بلند است.

۲. مقبره‌های مصر قدیم

نه تنها اسناد مکتوب، بلکه مقابر و معابد نیز حکایت از باورها

پرسش و تمرین:

۱. چگونه در مصر باستان آگاهی‌های علمی پدید آمد؟
 ۲. فکر کنید که برای کشت و زرع در صحرائی بزرگ چه دانش و محاسباتی لازم بود.
 ۳. چه دانش و چه محاسباتی برای مسافرت در دریا و بیابان ضرورت داشت؟
 ۴. بگوئید چگونه خط در مصر به وجود آمد و توسعه یافت؟ با خط ما چه تفاوتی دارد؟
- چرا در مصر باستان بیسوادان زیاد بودند؟

بند سیزدهم

هنر در مصر باستان

(نقشه شماره ۲)

به خاطر آورید: کی و چگونه هنر پدید آمد. (بند ۳ - ماده ۱)

۱. ادبیات

دانشمندان با قرائت پاپیروس‌های مصری دریافتند که در مصر باستان ادبیات هنری وجود داشته است.

در سرودهای رسمی خدایان و فرعون‌ها شتایش می‌شدند. داستان‌ها حکایت از زندگی مردم در مصر و مسافرت آن‌ها به سرزمین‌های بیگانه داشت. افسانه‌ها - هیف‌های زیادی در مورد خدایان و قهرمانان خیالی پرداخته بودند. افسانه مربوط به اوسیریس مخصوصاً مشهور بود. نصایح مخصوصاً رواج گسترده‌ای داشت. در این «نصیحت»‌ها مردم مصر را از فرعون‌ها و درباریان بشدت می‌ترساندند: «بشتت را در مقابل روسایت خم کن»، «همین که انسان به دنیا می‌آید، باید در مقابل رئیس خود روی پا بایستد».

فقیران نمی‌توانستند آوازه‌ها و ضرب‌المثل‌های خود را بنویسند. به همین جهت اندکی از آن‌ها به دوران ما رسیده است. و از آنچه باقی مانده، طنین تلخ ناله آنان، بلند است.

۲. مقبره‌های مصر قدیم

نه تنها اسناد مکتوب، بلکه مقابر و معابد نیز حکایت از باورها

و نقطه نظرهای مصریان قدیم دارند.

در مصر در هزاره دوم قبل از میلاد دست از ساختن هرم بر- داشتند. برای دفن فراغت و اشخاص ثروتمند در صخره‌ها مقبره‌ای با چند اتاق می‌کنند. در مواردی که جسد مومیائی از میان می‌رفت، مجسمه‌هایی از سنگ یا چوب در مقبره می‌گذاشتند: طبق باور مصریان روح در مجسمه هم می‌توانست زندگی کند.

تندیس پردازان مصری مهارت زیادی در تجسم چهره آدمی کسب کرده بودند. در مقبره‌های نیم تاریک و یا درموزه‌ها به هنگام دیدن این اشیاء تصور می‌کنید که نه مجسمه، بلکه آدمی زنده در مقابل شماست.

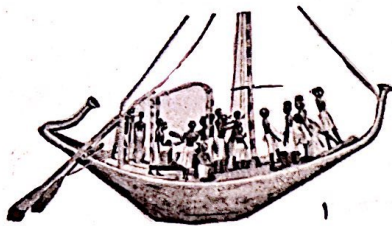
در مقابر ثروتمندان، تمامی مظاهر زندگی‌شان بر دیوار ترسیم می‌شد:

در گور دهقانان به همراه جسم او تخته‌ای با تصویری از انسان گذاشته می‌شد. در حالی که ثروتمندان می‌خواستند بعد از مرگ هم برده‌دار باشند، بزرگان را، وقتی که می‌مردند، در يك گودال مشترك چال می‌کردند.

۳. معابد مصر قدیم

در مصر تحت رهبری معماران معابد بزرگ و مجللی ساخته می‌شد.

راه معابد از میان دو ردیف مجسمه ابوالهول می‌گذشت. در مقابل معابد تندیس‌های فرعون، در حالی که پنج شش برابر بزرگ‌تر از هیکل آدمی بود، قرار می‌گرفت. درب تنگی بین دو برج به حیاط معبد باز می‌شد. در انتهای حیاط تالار بزرگ نیم تاریکی قرار



۱. ماکت باستانی کشتی- های مصری یا ناویان. (چرا در مقبره‌ها چنین ماکت‌هایی قرار می‌دادند). ۲. مجسمه ناظر که در گور او قرار می‌گرفت. ۳. فاشق کنده کادی شده باستان. آدمی کوزه‌ای بزرگ را حمل می‌کند.

داشت. ده‌ها ستون، سقف آن را نگاه می‌داشتند.

در معبد اصلی «فیوا» ارتفاع ستون‌ها به ۲۳ متر می‌رسید. روی سقف، که با رنگ آبی روشنی زینت شده بود، ستارگان طلائی ترسیم شده بود. روی برج‌ها و ستون‌ها تصاویر بزرگ فرعون‌ها کنده شده بود. و تعدادی از این تصاویر فرعون‌ها را مشغول گفت و گو با خدایان نشان می‌دادند و تعدادی دیگر فرعونی را نشان می‌داد که با يك دست چند اسیر را در چنگ گرفته‌است.

مجسمه‌های غول‌پیکری از فرعون نیز در سواحل نیل قرار دارد.

داستانی از مصر قدیم در مورد سینه‌وه

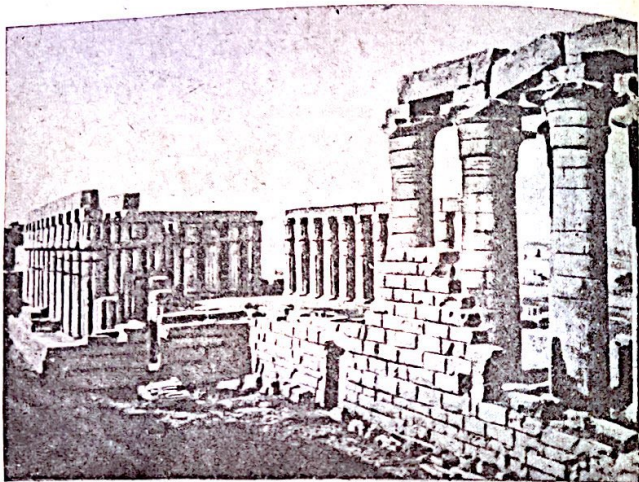
بر اساس داستان‌ها و ترانه‌ها چه چیزی می‌توان در مورد زندگی مصریان قدیم بیان داشت؟ در این آثار نظرات و احساسات چه طبقاتی بیان می‌شود؟

سینه‌وه از نزدیکان دربار مصر بود. پس از مرگ فرعون، از ترس بی‌نظمی در پایتخت و خشم فرعون جدید، به آسیا گریخت. در بیابان نزدیک بود از تشنگی بمیرد. می‌گفت: «داشتم خفه می‌شدم، گلویم می‌سوخت، به‌خود می‌گفتم: این دیگر طعم مرگ است. فقط برخورد با چوپانان که گله‌های خود را از بیابان عبور می‌دادند، باعث شد زندگیش نجات یابد.

در آسیا سینه‌وه به خدمت یکی از رهبران درآمد و سردار سپاه شد. سینه‌وه در مورد لشکرکشی‌های خود چنین حکایت کرده است: «به مرکشوری که تاخت و تاز آوردم، مراتع آبش را ویران کردم، گله‌هایش را ربودم و مردمانش را و غذایش را گرفتم و آدمیانش را کشتم». سینه‌وه راثرو در بر گرفته بود، ولی او می‌ترسید که چون بمیرد در او را مومیایی کنند.

سینه‌وه با کسب اجازه فرعون به مصر بازگشت. در کاخ مقابل فرعون به خاک افتاد و چهره برخاک سائید و آنقدر بدین حالت ماند تا این که به فرمان فرعون او را از خاک بلند کردند. فرعون دستور داد برای سینه‌وه خانه و مقبره‌ای بسازند، که پس از مرگ در آن دفن گردید.

۹۶



○ دیرانه‌های معبد فیوا (عکس)

ترانه باربران

ما باید تمامی مدت روز
گندم سفید را حمل کنیم.
انبارها دیگر پر شده،
توده غله از حد گذشته.
کشتی‌ها پر شده
و غله سرریز می‌کند،
و باز ما را وادار می‌کنند که ببریم
واقعاً که قلبمان از می‌است.

۹۷

پرسش و تمرین:

۱. از هناری مقبره‌های مصری چه چیزی درباره زندگی و باورهای مصریان دریافته‌ایم؟
۲. مجسمه‌سازان و نقاشان مصری چه کسانی را ترسیم می‌کردند؟
۳. در هنر مصر چه چیزی را دوست می‌دارید و از چه بدتان می‌آید؟
۴. عمده‌ترین فرق بین هنر مصریان با هنر دوران نخستین چیست؟ چه چیزی این تفاوت را توجیه می‌کند؟

آیا تاریخ باستان مصر را خوب فهمیده و به خاطر سپرده‌اید؟ (برای دوره کردن)

۱. روی نقشه شماره ۱ نشان دهید که مصر باستان کجا واقع شده است. محل آن را بیان کنید.
۲. چرا در مصر باستان شرایط استثمار مردم به وسیله مردم فراهم شد؟ براساس چه سندی و چه آثار تاریخی می‌توانید ثابت کنید که در مصر بهره‌گیری و تقسیم مردم به طبقات به وجود آمده بود؟
۳. چگونه برده‌داران مصری سیادت خود را بر فقیران و بردگان حفظ می‌کردند؟ حداقل از سه وسیله مورد استفاده برده‌داران نام ببرید. آیا استثمار شدگان تلاش می‌کردند که از ستم رها شوند؟ چگونه؟
۴. چرا فرعون‌ها جنگ می‌کردند؟ جنگ‌ها چه نقشی در تاریخ مصر باستان داشتند.
۵. در قدیم می‌گفتند: «مصر- هدیه نیل است». در این گفته چه چیز درست است و چه چیز نادرست؟ ثابت کنید.
۶. از ساختن اهرام در مصر چه نتیجه‌گیری می‌توان کرد؟
۷. مشاغل مردم و دولت در مصر باستان را از روی افسانه‌ها مشخص کنید. امتحان کنید، ببینید چگونه تاریخ و قایم مصر باستان را به خاطر سپرده‌اید؟ به جدول صفحات بعد رجوع کنید.

فصل چهارم

آسیای مرکزی در عهد قدیم

بند چهاردهم

پیدایش طبقات در میاندورود

(نقشه شماره ۲)

آسیای مرکزی به بخش غربی قاره آسیا می گویند که به دریای مدیترانه و سیاه متصل می شود. در این ناحیه بیابانها و استپهای خشک فراوان است در میان این بیابانها دره های حاصل خیزی وجود دارد. بزرگترین دره ها از دو رودخانه نیرومند فرات و دجله شکل گرفته است.

به خاطر آورید: چه کمون هایی با رشد کشاورزی و دامپروری ایجاد شد؟ (بند ۵ - ماده ۳)

۱. طبیعت میاندورود جنوبی

فرات و دجله از کوه های جنوب قفقاز سرچشمه گرفته، به خلیج فارس می ریزند. سرزمینی را که بین دو جریان وسطی و سفلی این رودخانه ها قرار گرفته، از همان عهد قدیم، میاندورود (بین النهرین) می نامیدند.

بخش جنوبی میاندورود پست و جلگه ای است. در میاندورود جنوبی به هنگام زمستان های کوتاه، باران های سیل آسا می بارند. زمین خاکی به گل ولای غیر قابل عبور مبدل می شود. بهار، برف کوه ها آب می شود و به فرات و دجله می ریزند. آب از سواحل رودخانه ها سرریز می کند و طغیان شدیدی آغاز می شود. پس از طغیان بستر زمین را سبزی شفاف در خود می پوشاند. ولی گرمای طاقت فرسا، که در این جا در سایه به ۵۰ درجه می رسد، سبزه ها را با سرعت می برشاند و

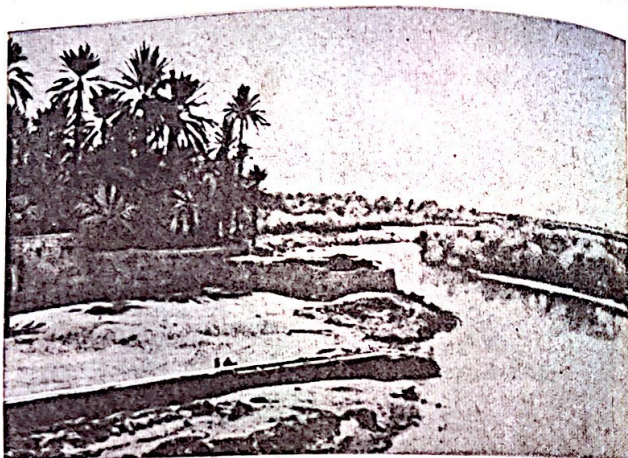
جلگه سوخته قهوه‌ای رنگ، باحالتی پر ملال در زیر نور خورشید دامن می‌گسترده. آب‌های راكد در پستی‌ها می‌گندد. در میان‌دورود جنوبی نه‌فلزی یافت می‌شود و نه سنگی. در عوض خاك كه از گل‌ولای رودخانه‌ها كود گرفته، فوق‌العاده حاصل‌خیز است.

۲. نخستین ساكنان میان‌دورود جنوبی

خاك حاصل‌خیز میان‌دورود جنوبی، كشاورزان را به‌سوی خود جلب می‌کرد. هنوز ۷۰۰ سال قبل از میلاد بود كه اهالی میان‌دورود به‌زراعت كلنگی مشغول بودند و بز و گوسفند و گاو پرورش می‌دادند. آن‌ها در میان مانداب‌ها، نی‌زارها از گل‌ونی كلبه‌هایی برپا می‌داشتند.

طغیان رودخانه‌ها كلبه‌ها را از جا می‌كند و مردمان و حیوانات اهلی در آب از میان می‌رفتند. گاهی دجله و فرات به هم می‌پیوستند و چنین به نظر آدمیان می‌آمد كه تمامی گستره جهان را آب فرا گرفته است. اهالی از تب‌باتلاقی و نیش‌عقرب‌ها و حشرات بی‌شمار در وحشت بودند. شیرها به‌گله حمله‌ور می‌شدند. در نی‌زارها تعداد كثری گراز لانه‌كرده بودند كه كشت را پایمال می‌کردند.

اما مردم در مقابل دشواری‌ها عتب‌نشینی نكردند. در كمون‌های همسایه‌ی‌ی‌ی شدند و كانال‌ها برای خشكانیدن مانداب‌ها و آبیاری اراضی حفر كردند و از باغ‌ها و سكونتگاه‌های خود با سدهای آبگیر حفاظت نمودند. كشاورزان گاوآهنی اختراع كردند كه برای شخم زمین‌های سفت مناسب بود.

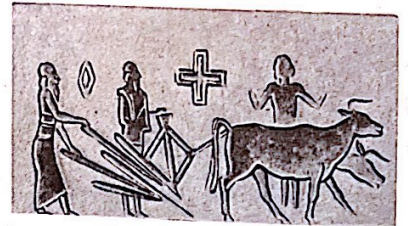


* میان‌دورود جنوبی (عكس).

۳. اقتصاد ناحیه در هزاره سوم ق. م.

كار انسان بر مانداب‌ها و خشكسالی‌ها پیروز شد. شبکه نلگون‌ترعه‌ها، جلگه را زیر پوشش خود قرار داد. در مزارع خوشه‌های جو و گندم رشد می‌كردند و بالا می‌آمدند. اطراف سكونتگاه‌ها نخل‌های سرسبز خرما سربر كشیده بودند. مردم به آن‌ها «درخت زندگی» می‌گفتند، چرا كه از خرما آرد و شهد درست می‌كردند و شاخه‌های خشك آن به منزله سوخت آن‌ها بود و از الیاف ریشه‌هایش طناب و سبد می‌بافتند. در مراتع گوسفندان با پشم‌های دراز و گاو‌ها می‌چریدند.

در شهرها صنعت گران زندگی می‌كردند و دادوستد بر جنب و جوشی جریان داشت. اهالی میان‌دورود جنوبی از ملل همسایه فلز و چوب و سنگ می‌گرفتند و در عوض غله و خرما و پشم می‌دادند. صنعت



۱۵. گاوان در میان دورود
جنوبی روی خیش قیفی قرار
دارد که هنگام شخم در آن بفت
می‌ریزند. (تصویر باستانی)
معلوم کنید هر یک از افراد به
چه کاری مشغول می‌باشند. ۲۰. سنگ
ترازو در میان دورود جنوبی.
پیدایش سنگ ترازو از چه
چیزی حکایت دارد. ۳۰. افسانه
قدیمی نبرد یکی از خدایان با
دیو. ۴۰. روی این صفحه افسانه
مربوط به سیل نوشته شده است.



بودند. آنها موظف بودند که نه تنها قرض خود، بلکه ربح زیادی
هم بابت آن بپردازند. معمولاً فقیران از عهده بر نمی‌آمدند و
تا آخر عمر بدهکار می‌ماندند. آنها در تمام سال بدون این که
نفسی تازه کنند، کار منی کردند و فقط سود مبلغ بدهی خود را
می‌پرداختند. در حالی که اصل بدهی، همچنان با برجا بود. بدهکار
در اسی دایمی زندگی می‌کرد و می‌ترسید با تاخیر در پرداخت
نوبت بعدی، خانواده و یا خود او را به بردگی بگیرند.

فقیرانی که اصلاً زمین نداشتند، مجبور بودند زمین را از
ثروتمندان اجاره کنند. مستاجران ناگزیر بودند ۱/۳ محصولی را
که از مزارع جمع‌آوری می‌کردند و ۲/۳ محصول باغات را به صاحب
زمین بدهند.

اسیران جنگی نیز به برده تبدیل می‌شدند. بردگان در مزرعه-
های معابد و اشراف کار می‌کردند. آنها را در میان دورود «آدمیانی
که چشم بلند نمی‌کنند» می‌نامیدند، زیرا آنها جرأت نداشتند حتی
۱۰۵

گران هنوز در هزاره چهارم بود که طرز تهیه مس و طلا و سپس
برنز را آموخته بودند. شهرت پارچه‌های پشمی میان دورود جنوبی
از سرحدات آن گذشته بود. اهالی از گل سطل و جعبه و لوله می‌ساختند
و از خشت - خانه.

خاک میان دورود جنوبی چنان حاصل خیز بود که هر دانه غله
ناصدانه بیارمی آورد و یک نخل، در سال، ۵۰ کیلو گرم خرما می‌داد.
با چنین محصولی، کار انسان بیشتر از آن چه برای تغذیه کارگر
لازم بود، ثمر می‌داد. به همین جهت امکان بهره‌گیری از مردمان
فراهم شد.

۴. تشکیل طبقات

اشراف و کاهنان میان دورود ارضی وسیعی را تصرف کرده،
برده گرفته و قطعه‌های نقره زیادی را که به منزله پول بود، انباشته
بودند.

بسیاری از دهقانان و صنعت‌گران به ثروتمندان بدهکار

به صورت ارباب خود نگاه کنند.

با رشد کشاورزی و دامپروری و صنایع دستی طبقات و دهقانان آزاد هم کمون و برده‌داران ثروتمند در میان‌دورود به وجود آمدند.

افسانه‌ای از میان‌دورود درباره خالق جهان و توفان بزرگ

چرا افسانه توفان بزرگ در میان‌دورود جنوبی به وجود آمد؟ آیا این افسانه می‌توانست در مصر به وجود آید؟

۱. تمامی زمین را اقیانوس پوشانده بود. غول وحشتناکی نمی‌گذاشت خدایان، زمین را از آب جدا کنند. خدای خدایان با غول به نبرد برخاست؛ او را بکشت و جسمش را دو شقه کرد و از بالاتنه او، فلک را ساخت و با ستارگانش بیاراست و از قسمت پائینی جسم او زمین را آفرید و بر آن گیاهان بشمار کاشت و حیوانات را سکونت داد. خدای خدایان از گل نخستین آدمیان را که از لحاظ شکل و هوش بسان خودش بودند، آفرید.

۲. خدایان بر آن شدند که آدمیان را هلاک کنند و تمامی زمین را غرق سازند. ولی خدای آب این تصمیم را به نی‌هایی گفت که از ساق و برگشان کلبه آدمی ساخته شده بود. نی‌ها صاحب کلبه را خبر کردند. صاحب کلبه نیز بلافاصله کشتی بزرگی ساخت و خانواده خود و صنعت‌گران ماهرو نیز انواع جانوران و پرندگان را در آن نشاند. روزی که خدایان تعیین کرده بودند ابرسیاهی در آسمان سربرکشید و همی بارید. زمین غرق در آب شد. همه مردمان، بجز سرنشینان کشتی، مردند.

پس از ۶ روز توفان فرونشست. آب کاستن گرفت. کلاغی

از کشتی به پرواز درآمد و زمین سفتی را یافت که بعدها آدم‌ها و حیوانات بر آن فرود آمدند.

این افسانه از میان‌دورود به کشورهای دیگر رفت. وحشت از نیروهای طبیعت ایمان به خدایان را محکم می‌کرد. کاهنان از ترس مردم استفاده کرده، تهدید می‌کردند که بانا فرمانی آدمیان، خدایان باز هم زمین را غرق در آب خواهند کرد و مصائب دیگر نازل خواهند نمود.

پرسی و تمرین:

۱. شرایط طبیعی میان‌دورود را با مصر مقایسه کنید، چه چیز آن‌ها مشترك و چه چیز متفاوت است؟
۲. مشاغل سکنه مصر و میان‌دورود جنوبی چه شباهتی دارند؟
۳. چرا در میان‌دورود کشاورزان به صورت گروهی زندگی می‌کردند؟ اگر پاسخ دشوار است، به موضوع تشکیل طبقات در مصر (ماده ۷) رجوع کنید.
۴. چگونه برده‌داران ثروتمند فقیران آزاد را استثمار می‌کردند؟
۵. تقریباً چند هزار سال پیش کشاورزی در میان‌دورود جنوبی به وجود آمد؟

بند پانزدهم

دولت‌های دیرین میان‌رود و سلطنت بابل

(نقشه شماره ۲)

۱. نخستین دولت‌ها در میان‌رود

در میان‌رود جنوبی به همراه پیدایش طبقات در اواخر هزاره چهارم قبل از میلاد، دولت نیز پدید آمد. در هر شهری تقریباً يك دولت مستقل وجود داشت. این شهر-دولت‌ها با کمک سپاهیان و کارمندان و نگهبانان و جلادان، حسابشان را با فقیران و بردگان پاك می‌ساختند.

شاه فلان شهر-دولت، شهر-دولت دیگر را محاصره می‌کرد، به آن یورش می‌برد، آن را ویران می‌ساخت و اهالی‌اش را به بردگی می‌گرفت یا وادار به پرداخت غرامت می‌کرد.

۲. اعتلای بابل

در ساحل رودخانه فرات، در آن جایی که این رودخانه به دجله (تیگر) نزدیک می‌شد، شهر بابل قد برافراشت. محل پیدایش شهر بسیار مفید بود. تاجرها سوار بر قایق‌های بزرگ و طراده‌های عظیم، از طریق رودخانه به این جا کالاهای را حمل می‌کردند که مورد نیاز سکنه بود.

تجار این کالاهای را با محصولاتی که در میان‌رود جنوبی تولید می‌شد، مبادله می‌کردند (به خاطر آوردن که اهالی چه

۱۰۸

چیزی تولید می‌کردند. و به چه چیزی نیاز داشتند؟) از طریق بابل راه‌های اصلی خشکی به میان‌رود می‌رفت. از این راه‌ها کاروان‌های الاغ که کالاهای را حمل می‌کردند، در تردد بودند. بابل به يك شهر بزرگ تجاری میان‌رود و پایتخت سلطنتی نیرومندی مبدل شده بود. در مرکز شهر بازارهایی قرار داشت با نگاری‌ها و انبارهای مسقف برای کالاهای در حومه پایتخت زاغه‌های گلی صنعت‌گران و باربران و ناویان واقع شده بود. (توجه کنید به کمربند فقر. م.)

۳. بابل در زمان سلطنت حمورابی

در زمان سلطنت حمورابی قوانینی تنظیم شد که اجرای آن برای اهالی پادشاهی بابل الزامی بود. بر طبق این قوانین کارمندان



تشکیل دولت در میان‌رود
شهر دولت در هزاره سوم ق. م.
مرزهای حکومت بابل در دوره حمورابی (قرن هیجدهم ق. م.)

مناقشات بین اهالی را حل و فصل می کردند و ناقضین اراده شاه را به محاکمه می کشیدند. در قوانین برای هر جنایتی کیفری پیش بینی شده بود.

در آغاز قرن بیستم باستان شناسان تابلویی یافتند از سنگ سیاه. ارتفاع آن از قد آدمی تجاوز می کرد. روی تابلو قوانین شاه حمورابی کنده شده بود و بالای آن تصویر خود پادشاه به چشم می خورد (قوانین حمورابی را که ضمیمه است بخوانید و به پرسش ها، پاسخ دهید).

دولت بابل نیز به سان دولت مصر - ابزار قدرتی بود که با کمک آن برده داران سیادت خود را بر فقیران و بردگان حفظ می کردند. این دولت - دولت برده داران بود و به همین جهت دولتی برده دار به حساب می آمد:

از مجموعه قوانین شاه حمورابی

بر اساس قوانین حمورابی چه قضاوتی می توان در مورد وضع بردگان در بابل کرد؟ چگونه قوانین امر پرداخت بدهی را تأمین می کرد؟ در چه مواردی قوانین، کیفرهای مختلف به خاطر یک جرم واحد در نظر گرفته بود؟ آیا شما با حمورابی موافق هستید که قوانین خورا «عادلانه» و «خوب و عالی» می خواند؟

«من، حمورابی، رهبری که از جانب خدایان تعیین شده،



۱۵. مجسمه حاکم شهر لاکاش در هزاره سوم ق. م. پیدایش چنین تندیس هایی از چه حکایت دارند؟ ۲. قطعه سنگی با متن قوانین حمورابی خدای آفتاب عمای شاهی را به حمورابی می دهد.

۱۱۰

نخستین پادشاهی بودم که سکونتگاه های فرات را فتح کردم و حقیقت و عدالت را برای کشور به ارزانی آوردم و خیر و برکت را برای ملت. از امروز به بعد:

اگر کسی اموال و دارائی معبد یا پادشاه را بدزدد، باید او را کشت، و کسی را هم که این اموال دزدی را بپذیرد، باید کشت. اگر کسی برده یا کنیزی را بدزدد، او را باید کشت. اگر کسی برده ای فراری را پناه دهد، او را باید کشت. اگر کسی داغ برده ای را بزداید، انگشتانش را باید بزند. اگر کسی باعث مرگ برده دیگری شود باید در قبال هر برده ای، برده ای بدهد.

اگر کسی باعث مرگ گاو کسی شود، باید گاوای به جای گاو دهد.

اگر کسی بدهکار باشد، همسراو، فرزند پسریا دختر او باید سال ها بردگی کنند.

اگر کسی بر گونه همسان خود سیلی زند، باید جریمه شود. اگر کسی بر گونه بزرگی (درباری و کاهن) سیلی نوازد باید ۶۰ ضربه با شلاق پوست گاو براو زد.

در خاتمه گفته می شد: «من، حمورابی، پادشاه عادل هستم که خدای خورشید این قوانین را به او ارزانی داشت. کلام من خوب و عالی، و اعمالم بی همتاست».

پرش و تمرین:

۱. چرا در میاندورود جنوبی دولت پدید آمد؟ اگر پاسخ دشوار است

۱۱۱

چگونگی پیدایش دولت مصر را به خاطر آورید (بند ۸- ماده ۱).

۲. جمع‌بندی کنید: الف) قوانین حمورابی از منافع چه کسانی حمایت می‌کردند ب) چه نظامی در پادشاهی بابل برقرار بود؟ پاسخ‌های خود را ثابت کنید.

۳. چگونه حمورابی از باورهای خرافی مردم برای تحکیم حاکمیت خود بهره می‌گرفت؟

۴. از این بند چه چیز تازه‌ای آموختید؟

بند شانزدهم

آسیای مرکزی در نیمه اول هزاره نخست ق.م.

(نقشه شماره ۲ و ۳)

به خاطر آورید: چه فلزاتی برای اهالی آسیای مرکزی در هزاره‌های چهارم الی دوم ق.م. کشف شده بود؟ (بند ۱۴- مواد ۴ و ۳).

۱. آغاز بهره‌برداری از آهن

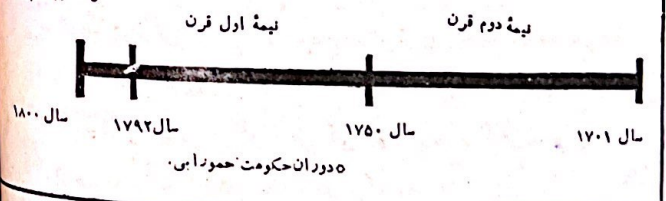
در اواخر هزاره دوم و آغاز هزاره اول قبل از میلاد، اهالی آسیای مرکزی توانسته بودند از آهن استفاده کنند. کوره‌هایی از سنگ و گل ساخته بودند و زغال‌چوب و سنگ‌های آهن را در آن می‌افکندند و هنگامی که زغال گداخته می‌شد با خیک بر آن می‌دمیدند. چلنگران از آهن ابزارهای کار و سلاح‌های محکمی می‌ساختند.

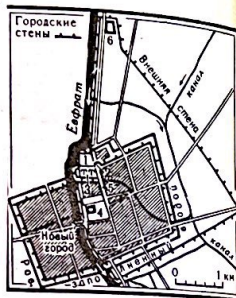
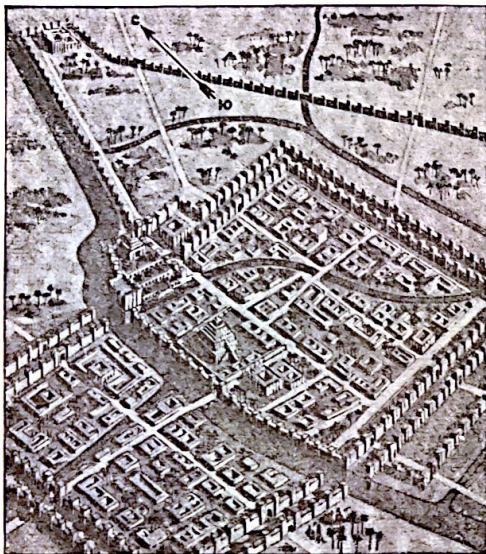
سنگ آهن بیشتر از مس و قلع، در طبیعت یافت می‌شد. به همین جهت ابزارهای آهنی کار به مراتب بیشتر از ابزارهای مسی برنزی رواج داشت.

۲. اهمیت کشف آهن

باتیغه آهنی گاو آهن نه تنها می‌شد خاک نرم دره‌های رودخانه‌ها، بلکه زمین‌های سفت استپ‌ها را نیز شخم زد. با داس و کلنگ‌های آهنی امکان پیدا می‌شد در دامنه سخت کوهسار کانال‌ها کند، به همین جهت کشاورزان برای آبیاری مزارع از رودخانه‌ها و باریکه‌های آب کوهستانی استفاده می‌کردند. زراعت به سرعت در استپ‌ها و

قرن هجدهم ق.م.





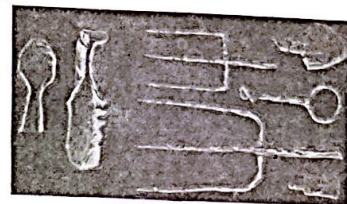
۱. کاخ شاه، ۲. دروازه
اصلی ۳. باغ ها، ۴. برج معبد
(برج بابل)، ۵. خیابان ۶. کاخ
تابستانی شاه.

دشتهای بی کران آن دولت های جدیدی شکل گرفت. در سرزمین ما (اتحاد شوروی) نیز نخستین دولت، یعنی دولت «اورارتو» در قفقاز به تشکیل گردید.

۳. یورش شاهان ایرانی.

در آسیای مرکزی گاهی این و گاهی آن دولت نیرو می گرفت. در قرن های هشتم-هفتم قبل از میلاد نیرومندترین دولت های منطقه دولت آشور به شمار می رفت. این دولت در سواحل رودخانه دجله تشکیل شده بود. بعد از آن دولت بابل نیرو گرفت.

در اواسط قرن پنجم قبل از میلاد استیلاگران جدید ایرانیان به آسیای مرکزی هجوم آوردند. دولت ایران در قرن ششم پیش از



۱. ابزار کار آهنی
هزاره اول ق. م. از این ابزار
برای چه کارهایی استفاده می شد؟
۲. کشاورزان با ابزارهای کار.
۳. کشتی باستانی. ۴. بابل در
در قرن ششم ق. م. روی تصویر
محل کاخ ها و باغ ها و مزارع و
درختان را معین کنید.

دامنه های کوهستانی آسیای مرکزی گسترش یافت. اینک در آن مکان هایی که قبلا شکارچیان کمین می کردند و یا چوپانان گله های خود را به چرا می بردند، در هزاره اول قبل از میلاد مزارع و باغ های زمردین روئیده بود. با کمک وسایل آهنی کشتی ها و گاری های محکمی ساخته بودند و این امر به رشد دادوستد کمک می کرد.

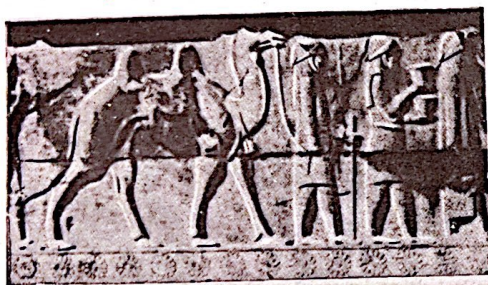
نیروی بازوی کشاورز و صنعت گر، ضمن استفاده از ابزارهای آهنی بیشتر از گذشته تولید می کرد- پس کار آنها به کار بار آور مبدل شد. (به اصطلاحات بهره دهی کار- یا بازده کار و کار بهره ده توجه کنید).

با پیشرفت کشاورزی و صنعت، نظام برده داری نیز با سرعت در آسیای مرکزی توسعه یافت. در نواحی کوهستانی و در



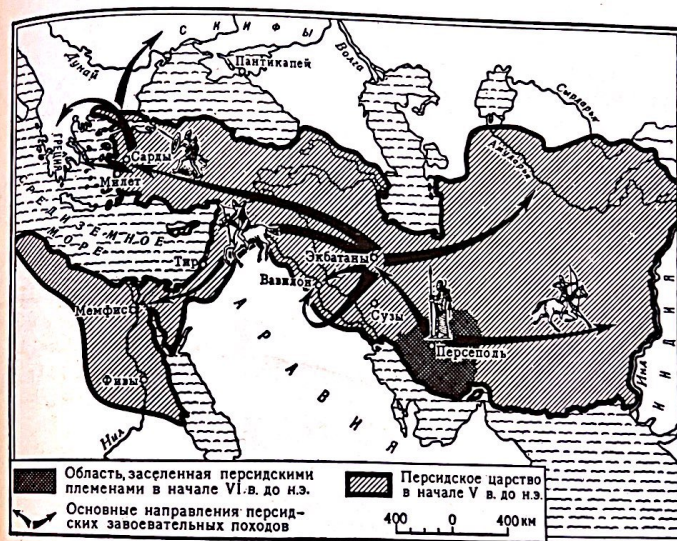
۵ امپراتوری در قرون
۶ الی ۵ ق. م.

۵- کنده کاری روی سنگ
به اقتدار پیروزی داریوش بر
قیامیان، داریوش بر شورش اسیر
با نهاده، ۹ شورش دیگر طاب
پیچ ایستاده اند، پشت سر شاه-
نگهبانانی او ایستاده اند، ۲۰
جمع آوری غرامات از ملل اسیر
بوسیله ایرانیان، چله حیوانی
داد بر این تصویر قدیمی -
سیندا؟



کورش در زمان اردوکشی استیلاگرانه به آسیای مرکزی، کشته شد. دشمنان او سرش را در کیسه ای چرمی، که پراز خون بود انداخته، گفتند: «تو خون می خواهستی، پس بنوش که سیراب شوی!».

تاخت و تاز ایرانیان پس از مرگ کورش هم ادامه یافت. لشکریان نیرومندی به مصر هجوم بردند. لشکرهای مصر، که بخشی از آن ها را مزدوران خائن تشکیل می دادند در هم شکسته شدند و در سال ۵۲۵ قبل از میلاد مصر به تسخیر ایرانیان درآمد.



میلاد در خاور خلیج فارس به وجود آمد. اسواران های ایرانی و تیر و کمان دارهای این سرزمین باشجاعت و مہارتی کہ نشان می دادند، بسیار شهرت داشتند. شاه ایران- کورش کشوری را پس از کشوری دیگر بہ تسخیر درمی آورد. بابل، کہ باخندق های عمیق و دو ردیف بارو احاطه شده بود، تسخیر ناپذیر بہ نظر می آمد. کاهنان بابلی خائنانه دروازه های میهن خود را بہ روی سپاہیان ایرانی گشودند. در سال ۵۳۸ قبل از میلاد، بابل توسط ابر انسان سقوط کرد.

۴. دولت ایران در آغاز قرن پنجم ق.م.

در موقع سلطنت داریوش اول در اواخر قرن ششم و آغاز قرن پنجم قبل از میلاد، دولت ایران قدرت زیادی کسب کرد. قلمرو آن از مصر تا رودخانه هند گسترش می یافت.

ملت های تحت سلطه می بایست غرامت کلانی به شاه ایران می پرداختند و جوانان خود را برای خدمت در ارتش اعزام می کردند. پس از جمع آوری غرامات، شهرها و روستاهای این سرزمین ها، گویی که مورد هجوم خصمانه قرار گرفته اند، ویران و تپه به چشم می خوردند. در عوض خزانه شاهان ایرانی پر می شد.

ملت های شکست خورده اغلب به قیام بر می خاستند. خبر قیام با سرعت به گوش شاه می رسید. ایرانی ها در راه ها پست های سوار مستقر کرده بودند که «با سرعت، چون لک لک ها» حرکت می کردند. و خبری را از پستی به پست دیگر می رساند تا به گوش مقامات پایتخت می رسید و از آن جا شاهان دستورات مربوطه را صادر می کردند لشکرهایی که بر علیه قیامیان به حرکت در می آمدند، با قساوت و بی رحمی تمام ملل تحت ستم را سرکوب می کردند. با وجود این، شاهان ایرانی به دشواری می توانستند حاکمیت خود را بر ملت های تحت سلطه، که چشم دیدنشان را نداشتند، حفظ کنند.

پرسش و تمرین:

۱. چرا با مرحله استفاده از آهن دولت های جدیدی در آسیای مرکزی به وجود آمد؟ اگر پاسخ دشوار است، سؤال را به ۳ بخش تقسیم کنید الف) چرا با کشف آهن، کار آرمیان محصول بخش شد؟ ب) چرا با افزایش بهره دهی کار،

طبقات به وجود آمدند؟ ج) چرا با تشکیل طبقات، دولت ها شکل گرفتند؟ ۲. روی نقشه شماره ۲ قلمرو حکومت ایران را نشان دهید. دولت های مستقل را که می شناسید و قبلاً در این مکان ها تشکیل شده بودند، نام ببرید.

۳. چند هزار سال پیش تقریباً مردم توانستند از آهن استفاده کنند؟ چند سال پیش ایرانیان بابل و چند سال بعد مصر را گرفتند؟

بند هفدهم

فرهنگ ملل آسیای مرکزی در عهد قدیم

(نقشه شماره ۲)

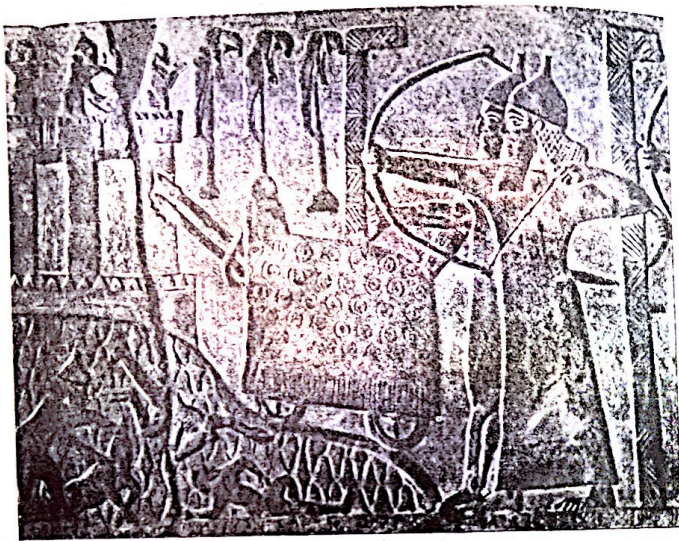
به خاطر آورین: مصریان قدیم با چه علایمی و روی چه چیزی می نوشتند؟ (بند ۱۲- ماده ۴)، چگونه به آگاهی های علمی دست یافتند؟ (بند ۱۲- مواد ۱ تا ۳).

۱. حفاری های باستان شناسی در میاندورود.

تپه های بلندی که در جلگه میاندورود سر به آسمان کشیده بودند، توجه باستان شناسان را جلب کردند. در اواسط قرن نوزدهم، حفاری در این تپه ها شروع شد. باستان شناسان در زیر اقشار خاک، ویرانه های شهرهای باستانی را با کاخ ها و معابد و باروهایشان، پیدا کردند. نخستین شهرهایی که یافت شد، شهرهای آشوری بود. دولت نیرومند آشور در اواخر قرن هفتم قبل از میلاد، به وسیله دشمنانش نابود شده بود. حفاری های باستان شناسی داستان های نویسندگان قدیم را در مورد چگونگی ویران شدن شهرهای آشوری، تأیید کرد. هنوز هم آثار حریق های وحشتناک در این شهرها دیده می شد.

به دنبال حفاری شهرهای آشور، سایر شهرهای منطقه آسیای مرکزی نیز مورد پژوهش باستان شناسان قرار گرفت.

۱۲۰



۹۵. نقش برجسته بر سنگ از دوران آشور.

۲. هنر آشوری ها.

در میان آثار هنری ای که توسط باستان شناسان در آسیای مرکزی کشف شدند، تندیس های آشوری ها از لحاظ تجسم و قدرت بیان، مشخص می باشند.

کاخ شاهان آشور که بر فراز شهرها روی تپه ها قد برافراشته بودند، توسط بردگان ساخته می شدند. باروها، کاخ ها را در میان می گرفتند. در دروازه کاخ ها تندیس های عظیم گاوان بالدار با سرهای انسانی، قرار داشتند. درون کاخ ها تصاویر برجسته کنده شده بودند. در این تصاویر معمولاً خدایان و صحنه های جنگ تصویر می شد: لشکر کشی های آشوریان، پیروزی آن ها: شهرهای ویران

۱۲۱



۱. می‌رسد که راه می‌رود، و اگر از جلو نگاه کنید به نظر می‌رسد بر جا ایستاده است. ۲. سوار نظام آشوری.



۳. محسمه کار بال‌دار با سر انسانی، تاو طبق روایات نگهبان تاج شاهن است. اگر از پهلو به آن نگاه کنید، به نظر

می‌نوشتند. در کنار «نویسنده»، انبوهی گل‌خام وجود داشت، که از آن‌ها صفحه‌هایی برای نوشتن می‌ساخت. برای این که صفحه‌های نگاشته شده حفظ شود آن‌را زیر پرتو آفتاب خشک می‌کردند، یا در آتش می‌گذاختند.

ابتدا در میاندورود با ترسیم تصاویر چیز «می‌نوشتند». ولی ترسیم روی گل، کار دشواری بود. با چوب کوچک نکتیزی روی صفحه اشکالی به وجود آوردند. هر علامتی از چند شکل میخی تشکیل می‌شد. این علامت یا به معنای یک کلمه کامل بود و یا یک هجا از یک کلمه. این خط را میخی می‌نامند. خط میخی که در میاندورود به وجود آمد، به گونه وسیعی در تمامی آسیای مرکزی گسترش یافت. دانشمندان خط میخی را مورد بررسی قرار دادند و موفق به قرائت متون مکتوب افسانه‌ها، قوانین و تألیف‌های علمی شدند. روی صفحاتی که در نینوا یافت شد افسانه مربوط به پیدایش جهان و توفان



۴. شاه در حال شکار شیر.

شده دشمن، اعدام بردگان و یا به بردگی گرفتن آن‌ها. در این تصاویر صحنه‌های شکار شیر توسط شاهان آشوری نیز نشان داده شده‌اند. تندیس پردازان آشوری مهارت خاصی در ترسیم حیواناتی که از زخم مهلک در حال مرگ بودند، پیدا کرده بودند.

۳. خط میخی

در موقع حفاری در پایتخت آشور- نینوا - باستان‌شناسان موفق شدند یک کتاب‌خانه کامل را در کاخ پیدا کنند. در این کتاب‌خانه قریب ۲۰ هزار جلد «کتاب» یافت شد. حریق کاخ به کتاب‌خانه راه نیافته بود، زیرا که «کتاب‌ها» از سفال درست شده بودند. خط در میاندورود در هزاره چهارم قبل از میلاد به وجود آمد. در این جا که گیاه پاپیروس وجود نداشت، مردم ناگزیر بر سفال

هزاره	۳	وقایع مهم تاریخ مصر باستان
۴	XXXX	تشکیل دولت یگانه در مصر نزدیک ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد
۳	XXXX	ساختن هرم خفوس در ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد
۲	XXXX	قیام بی چیزان و بردگان ، در ۱۷۰۰ سال قبل از میلاد
۱	XXXX	کشورگشایی های توت موس ۳ در ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد
	XXXX	تصرف مصر بوسیله ایرانیاں ۵۲۵ سال قبل از میلاد

تقسیم سکه نقره بین پنج برادر، که هر کدام $\frac{1}{5}$ بیشتر از برادر بعدی می گرفت، سخن می رفت و مقدار پرداخت بدهی محاسبه می شد و نیز این مساله مطرح گردیده بود که چند روز لازم است تا روی صخره ای چهار برکه به عمق مختلف کنده شود. (فکر کنید براساس این مسایل چه نتیجه ای می توان درباره زندگی مردم در میاندورود گرفت. چه نتیجه ای می توان از پیدایش ریاضیات در میاندورود گرفت؟).

راهنمای مربوط به طرق معالجه امراض از ۴۵ صفحه خط میخی تشکیل می شد.

پا	خیش	پرند
پا	خیش	پرند
پا	خیش	پرند
پا	خیش	پرند

تبدیل تصاویر به علام میخی.



صفحه ستالی با خط میخی

فوق (پیوست بند ۱۴). نوشته شده بود. خط میخی روی سنگ نیز حک می شد، از جمله قوانین حمورابی.

۴. کهن ترین الفبا

دادوستد بدون داشتن زبان مشترک امری دشوار بود. با استفاده از تجربه مصریان، که دارای علایمی نه تنها به معنای کلمه کامل، بلکه علایم جداگانه بودند، الفبائی به وجود آمد که از ۲۲ علامت- یعنی حرف صدا دار تشکیل می شد. علایم صدا دار در موقع نوشتن حذف می شدند. ایجاد الفبا به تسریع پیشرفت خط و آسان تر شدن آموزش آن، کمک کرد.

۵. آگاهی علمی

در میاندورود کتاب هائی یافت شد که به مساله های دبستانی اختصاص داشت. در این مسایل، میزان محصولی که از مزارع مختلف با مساحت های گوناگون جمع آوری می شد، به دست می آمد و از

کاهنان بابلی از روی برج بلند اجسام آسمانی را مورد نظارت قرار می دادند. آن‌ها موفق به پیش گوئی کسوف خورشید و خسوف ماه شده بودند.

آن‌ها سال را به ماه و ماه را به هفته و هفته را به شبانه روز و شبانه روز را به ساعت و ساعت را به دقیقه تقسیم کرده بودند.

معذک دانش و آگاهی ملت‌های آسیای مرکزی، از دانش واقعی هنوز خیلی دور بود. بابلی‌ها فکر می کردند که آسمان - کلاه (سرپوش) بزرگی است، که در آن پنجره‌ای باز می شود و از آن باران بر زمین فرو می بارد. آن‌ها خورشید و ماه و سیارات را خدا می شمردند. علاوه بر مشورت‌های مفیدی که در مورد معالجه امراض داده می شد، استعمال «دارو» از قبیل استعمال زبان موش و پشم سگ و گوش گاو و نر طلائی نیز توصیه می گردید.

در آسیای مرکزی نیز به سان مصر در عهد باستان فرهنگ - خط، آگاهی علمی و هنر به وجود آمد.

حکایات معاصرین * از نبردهای آشور

در مورد لشکریان و جنگ‌های آشوریان چه می توان گفت؟ در مورد نویسندگان این اسناد چه می توان گفت؟

راجع به لشکریان آشور: «بنگرید، اینک آن‌ها می آیند سریع، و غیر قابل بازداشت. هیچ کس (از خوفشان) خواب و راحت ندارد. سم ستوران‌شان چونان سنگ و طنین چرخ ارا به‌شان - نعره توفان. فریادشان - نعره شیر. هیچ کس را از شرشان امکان مخفی شدن نیست».

* معاصر به کسی گویند که در زمان وقوع حوادث توصیف شده می زیسته است.

در مورد لشکر کشی‌های آشور در میاندورود: «در پرتگاه‌ها و مغاره‌ها از خونشان رودها به راه افکندم، دشت‌ها و جلگه‌ها و ارتفاعات را از خونشان به رنگ پشمی قرمز بیاراستم. روستاهایشان را تبدیل به خرمن‌های آتش کردم، آب‌های تازه ترعه‌ها را به مانداب مبدل کردم».

سقوط نینوا: «وای بر تو، ای شهر خون آلود، ای شهر مملو از فریب، که غارت تمامی ندارد! سواران شمشیر می کشند شمشیرها می درخشند و کشتگان بسیارند و پشته‌ها از کشته... نینوا ویران شده است! چه کسی مانده است که دل پراو بسوزاند؟ هر کسی که از تو سخن بشنود، از سرنوشت شادمان گردد، زیرا کسی نیست که طعم تلخ غضب ترا نهچشیده باشد!».

پرسش و تمرین:

۱. در مورد تاریخ آسیای مرکزی از روی آثار هنر باستان چه چیزی دانسته‌اید؟
۲. چرا بین خط باستانی مصر و میاندورود تفاوت به وجود آمد؟
۳. چرا در میاندورود آگاهی‌های علمی مشابه مصر پدید آمد؟
۴. مهارت تندیس پردازان آشوری در چیست؟
۵. براساس تصاویر و اسناد مکتوب داستانی در مورد دولت آشور بنویسید.

فصل پنجم
هند باستان

بند هیجدهم

تشکیل طبقات دولت در هند

(نقشه شماره ۳)

به خاطر آورید: علایم مشخصه دولت چیست؟

۱. موقعیت و طبیعت هند

در جنوب آسیا کشور پهناوری قرار گرفته است که هند نامیده می شود. هند شبه جزیره هندوستان و بخشی از قاره را در بر می گیرد. سلسله جبال هیمالیا، که بلندترین کوه های عالم است، با قله های پوشیده از برف های ابدی: هند را از سایر کشورها، جدا می سازد. در عهد قدیم تنها از طریق شمال غربی هند، می شد به کشورهای دیگر رفت. بین فلات (بلندی های هموار) و هیمالیا، جلگه ای واقع شده است که در بخش غربی آن رودخانه هند جریان دارد. در بلندی های جلگه، رودخانه گنگ عبور می کند. هر دو رودخانه از هیمالیا سرچشمه می گیرند: هنگامی که برف ها در کوه شروع به آب شدن می کنند، هندوگنگ سربه طغیانی گسترده بر می دارند. در هند، که به وسیله هیمالیا از بادهای سرد شمالی محافظت می شود، هوا حتی در زمستان ها نیز گرم است. در دره رود هند باران به ندرت می بارد. در این جا دشت های خشکیده ای، دامن گسترده. در دره رود گنگ، تابستان ها، باران های شدید می بارد. این دره در ایام قدیم پوشیده از باتلاق و جنگل های صعب العبور بودند. این جنگل ها حتی روزها نیز نیم تاریک بودند. در این جا پلنگ ها

۱۳۰



۵ کانال باستان در هند
که تاکنون حفظ شده است (عکس)
در ساحل کانال رستنی های آبوه
دیده می شود.

و ببرها و فیلان و مارهای زهری بسیاری زندگی می کنند که نیششان برای انسان ها و حیوانات هلاکت بار است.

۲. کهن ترین شهرهای هند

باستان شناسان در دره هند ویرانه شهرهایی را یافتند که در هزاره سوم قبل از میلاد ساخته شده بودند. بر فراز شهرها، قلعه هایی بر روی تپه ها ساخته شده بودند که دارای تزئینات داخلی گران بها و انبارهای بزرگ برای نگاهداری غله بودند و آثار زاغه های فقیران و صنعت گران نیز در آن ها به چشم می خورد.

اهالی از برنز و طلا بهره برداری می کرده و دارای خط بوده اند، لیکن خط آن ها تاکنون خوانده نشده است. در هزاره دوم قبل از میلاد اهالی شهرهای خود را ترك کردند. علم تاریخ هنوز نمی داند چرا این هجرت صورت گرفته است.

۱۳۱

۳. سکنه هند و مشاغل آنها در هزاره اول ق.م.

در هزاره دوم قبل از میلاد قبایل آریائی به شمال غربی هند نفوذ کردند. کوچ نشینان آریائی باگله های خود حرکت می کردند. این قبایل را رهبران انتخابی - راجه ها اداره می کردند. آریائی ها با اهالی محلی درهم آمیختند و شروع به کشاورزی کردند و زندگی بومی درپیش گرفته، دست از کوچ نشینی برداشته و به شکل کمون - اسکان یافته درآمدند.

تقریباً هزار سال قبل از میلاد، هندیان فرا گرفته بودند که آهن را استخراج کرده، از آن بهره برداری کنند.

در مقابل مردمانی که تبرها و داس هایی از آهن به دست داشتند، جنگل ها نیز عقب نشستند. گام به گام کمون های همسایه در زمین دره گنگ برای کشت و زرع پیشروی می کردند. بوته زاران راپاک نموده، کانال ها احداث می کردند و زمین های نوآباد را شخم می زدند. در نتیجه آب و هوای مناسب، محصولی عالی از زمین به دست می آمد.

هندیان علاوه بر غله، نیشکر و پنبه نیز کشت می کردند. آنها از پنبه پارچه هایی محکم ولی چنان نازک تهیه می کردند که از خلال آن می شد حلقه ریزی را گذرانند.

هندیان فیل ها را دست آموز کردند و حیوانات عظیم الجثه را وادار نمودند که به تابعیت انسان درآیند و به وی خدمت کنند: درختان را از ریشه درآورند و انسان و بار را حمل کنند. به فیل ها آموخته بودند که در نهادهای نیز شرکت کنند و به صفوف دشمن بزنند و

سپاهیان خصم را پایمال نمایند.

هندیان با کارسرخستانه، طبیعت ثروتمند، ولی بسیار خطرناک خود را تسخیر کردند.

۴. تشکیل طبقات

ثمره کار خلق هند را راجه ها و دیگر اشراف زادگان می بردند. آنها از کمون های همسایه بخشی از محصول غله و حشم را می گرفتند. اشراف، اسیران را به برده مبدل می کردند. بردگان «بیگانه» - «اجنبی» و «دشمن» نام داشتند. آنها تحت نظر مراقبین مزارع را و جین کرده، به عمل می آوردند و در منازل برده داران خدمت می نمودند.

۵. اشراف هند کم کم به مردمی برده دار مبدل شدند که دهقانان کمونار و بردگان را مورد استثمار قرار می دادند. آنها به منظور آن که دهقانان و اسیران را مطیع خود نمایند، گروه هایی را که به خوبی مسلح شده بودند، تشکیل دادند. این گروه ها به سپاهیان دایمی و مراقبین به نگهبانان تبدیل شدند.

نوکران راجه ها، که کارشان گرفتن غله و حشم از کمون ها بود، شدند ماموران مالیات بگیر و قاضی و راجه ها نیز که رهبران انتخابی بودند شدند شاه، شاهی که حکومتش به گونه ارث به فرزندانش می رسید

بدین سان در هزاره اول قبل از میلاد، در هند دولت هایی تشکیل شد که پادشاهان و ارتش و نگهبان و کارمندان مخصوص به خود داشت.

برده داران به خوبی ضرورت دولت را برای حفظ ثروت و زندگی خود درک می کردند. آنها می گفتند: «اگر حمایت شاه نباشد، ثروتمندان به مرگ و پیگرد دچار آیند».

منظومه کهن ماها باراتای هند

منظومه درچه نظامی خلق شده؟ این امر از چه چیز معلوم است؟

در منظومه از مبارزه بین دو خانواده اشراف (راجه) صحبت می شود. پنج برادر «پانداو» زودتیم شدند. دایی و پسران دایی آن ها را از زادگاهشان بیرون کردند. وقتی برادران بزرگ شدند، به پهلوانانی نیرومند تبدیل گردیدند. شاه کشور همسایه اعلام کرد دخترش را به کسی شوهر خواهد داد که با تیر به چشم ماهی طلائی بکوبد.

ماهی طلائی به تیری آویزان بود. در مقابل آن چرخ با تیغه پهن درازی می چرخید. جوانان از تمامی هند برای شرکت در این رقابت شیرین گرد آمدند. تنها یکی از برادران پانداو توانست به هدف بزند. و همان او - پاشاهزاده خانم ازدواج کرد.

برادر ارشد در قمار خود، برادران و شاهزاده خانم را باخت. تمامشان به بردگی افتادند. بعد که آزاد شدند نتوانستند با صلح و صفا سرزمین خود را پس گیرند. بین پسر دایی ها و برادران «پانداو» جنگ مرگ و زندگی شروع شد. دشمن اصلی «پانداو» هاما می گفت: «با بر آن ها پیروز شده، بر جهان حکومت خواهم کرد، یا آن ها بر جهان حکومت خواهند کرد پس از مرگ من». نبرد بین آن ها ۱۸ روز طول کشید. گاهی از این گروه اسیر می شد و گاهی از آن. میدان نبرد پر از اجساد و زخمی های طرفین بود. سرانجام پانداو ها پیروز شدند و به شاهی رسیدند و تا موقع مرگ بر سرزمین خود حکومت کردند.

پرسی و تمرین

۱. شرایط طبیعی هند، که موجب پیشرفت اقتصاد آن در عهد باستان شد، از چه قرار بود؟ ملت های هند باستان بر چه دشواری هایی فایق آمدند؟ چرا دره هند زودتر از دره گنگ زیستگاه انسان ها شد؟
۲. هندیان باستان چه موفقیت هایی در زمینه اقتصاد به دست آوردند؟
۳. چرا در هند دولت ها به وجود آمد؟ در کار تشکیل دولت ها چه کسانی ذینفع بودند؟
۴. برای ماده ۵ سوتیتری تهیه کنید.

بند نوزدهم

مذهب و فرهنگ در هند باستان

(نقشه شماره ۳)

به خاطر آورید: مذهب در مصر و بابل از منافع چه طبقه ای حمایت می کرد؟

۱. تقسیم مردم به گروه ها

پیدایش نابرابری بین هندیان، در مذهب آن ها نیز منعکس است.

در هند برهما را خالق جهان و مردمان می خواندند. به همین جهت کاهنان هندی را - برهمن می نامند.

برهمن ها معتقد بودند که خدا آدمیان را از قسمت های مختلف جسم خود پدید آورده. و برهمن ها را از لبان خود آفرید، به همین جهت آنان می توانند به نام خدا سخن گویند. او از دستانش سپاهیان را آفرید و از ران هایش دهقانان و صنعت پیشگان و از پاهای خویش که آلوده به گل ولای بود - شودرا ها، یعنی نوکران را پدید آورد. بدین سان، طبق تعلیمات برهمن ها، خود خداوند آدمیان را به چهار گروه (کاست) خلق کرد. فرزند برهمن، برهمن زاده می شد و فرزند شودرا - شودرا. تمامی زندگی انسان به گروهی وابسته بود که از آن به دنیا می آمد.

مطابق تعلیمات برهمن ها، خداوند قوانینی را وضع کرده بود، که بر طبق آن آدمیان هر گروهی باید به کار خود پردازد و از

۱۳۶

گلیم خویش پارا دراز تر نکند. کسانی که به این قوانین عمل نمی کردند، به کیفری بی رحمانه و شکنجه بار محکوم می شدند. (پیوست بند ۱۹ را که مربوط به قوانین است مطالعه کنید و به سؤالات آن جواب دهید).

زندگی شودراها بار شتر بود، ولی وضعیت افراد خارج از این گروه های اصلی خراب تر. کودک این افراد، از روز تولد نجس خوانده می شدند. این گونه مردم می بایست دشوارترین و نامطلوب ترین وظایف، از جمله پاک کردن کثافات را انجام دهند.

در هند از همان عهد باستان مردمانی بودند که این تقسیم غیر عادلانه مردم را به گروه ها، درک می کردند. آن ها می دیدند که این باورها، از بی عدالتی حمایت می کند و زیان بزرگی برای ملت به بار می آورد. آن ها می گفتند: «چنین خدایان ظالمی وجود ندارند و هر چه درباره آن ها می گویند، دروغ است». معذک اکثر سکنه به خدایان باور داشتند و جرأت نداشتند با نظامی که گویا برهما بر- قرار کرده بود، بر زمیند.

۲. خط و ریاضیات در هند باستان

برای شودراها و مردمان خارج از چهار گروه اصلی تقریباً امکان تحصیل وجود نداشت. در حالی که افراد با سواد در بین برهمنان و سپاهیان، کم نبودند. هندیان با آشنائی با الفبای یاد شده در صفحات پیش، خط ویژه ای برای خود به وجود آوردند. تعدادی از این علائم به معنای صداهای مشخصی بود و تعدادی به معنای هجاها. هندیان روی برگ های خشک انیده شده درختان نخل چیز می نوشتند.

۱۳۷

هندیان صفر را در ریاضیات به کار گرفتند و این امر به آن‌ها امکان می‌داد که با کمک ۱۰ علامت-عدد، محاسبات ساده و مناسبی انجام دهند. اکنون تقریباً تمام جهان از این طرز محاسبه بهره می‌برد. ما ارقام را عربی می‌نامیم، زیرا که اروپائیان آن را از اعراب یاد گرفته‌اند، در حالی که خود عرب‌ها ارقام را هندی می‌نامند.

۳. ادبیات هند قدیم

در هزاره نخست قبل از میلاد خلق هند ترانه‌های بسیاری در-باره پیروزی دلاوران خویش به وجود آورد. از این ترانه‌ها، منظومه بزرگی پیوست بند، ایجاد شد.

خلق هند در شبیه‌سرایی‌ها حرص و آز و حماقت و تملق و چاپلوسی را خوار می‌شمرد. در یکی از این ترانه‌ها چنین حکایت می‌شود که «کلاغی، خرده غذائی بر منقار، بر شاخی نشسته بود و می‌کرد غار غار و شغال حيله گر، که دل بر غذایش بسته بود، شروع کرد به تعریف و تمجید از آوازش، که کلاغ ابله منقار گشود و غذا را شغال در ربوده. (آیا شما چنین حکایتی را در زبان روسی (و نیز فارسی م. نخوانده‌اید؟).

۴. تندیس پردازی و معماری

پس از آن که شهرهای دیرین هند متروک شد، تا مدت‌های مدید احداث بناهای سنگی در آن، قطع شد. تنها در قرن چهارم قبل از میلاد، یعنی پس از اتحاد تمامی هند تحت حکومت یک پادشاه، این امر از نو شروع گردید.

آثار تاریخی هند نیرومند پادشاهی عبارت است از ستون-



منظره داخلی يك معبد
هندی متعلق به قرن اول ق. م.

های بلندی که در قرن سوم قبل از میلاد برپا شد. هرستونی از سنگ تمام بنا شده. در بلندی یکی از آن‌ها - چهار شیر قرار گرفته که به همه سو خیره نگاه می‌کنند، گوئی که نه شیران، بلکه نگهبانان حکومت‌اند و مرزهای دولت را حفاظت می‌کنند.

برجسته‌ترین اثر هنری هند - دروازه بلندی است که در قرن اول قبل از میلاد ساخته شد. بر آن تندیس‌هایی تراشیده شده که گیان و حیوانات باشکوه هند، قهرمان‌های افسانه‌ای آن و زندگی روزمره هندیان را نمایان می‌سازد.

بعضی از معابد هند باستان در میان صخره‌ها به صورت غارها کنده شده است. در غار - معبد قرن اول قبل از میلاد، در امتداد دیوارها ستون‌هایی قرار دارند که به سان آینه، صیقل داده و شفاف هستند. نور تنها از دریچه‌مانندی که در دیواره جلوی معبد کنده شده، به درون می‌تابد. در درون نیم‌تاریک غار - معبد، هیاکل آدمی و حیوانات مقدس از دیوارها بیرون می‌زنند. همه چیز غارحاکي از این است که

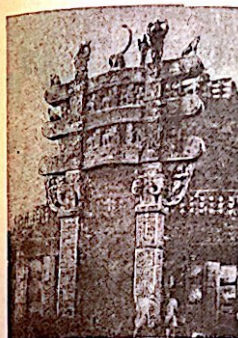
که با فروتنی به گروه‌های عالی خدمت کنند.
بی‌برهمنان کامرانی برای سپاهیان و بی‌سپاهیان عشرت برای
برهمنان، میسر نیست.

برهما، شاه و سپاهیان را برای حفظ جهان آفرید. دهان نوکری
(شودرائی) را که با بی‌حرمتی از افراد گروه‌های عالی نام برد،
باید با «سرب» داغ پر کرد و دهان شودرائی را که با برهمنی درشتی
کند، به امر شاه، باید با روغن داغ انباشت.

شودرائی که با دست و پاتر که بکوشد برهمنی را بزند، دستش
را باید برید و اگر لگد بر او زند، شایسته است که پاهایش را.
چون برهمنی جنایت کند، تراشیدن مویش کفایت کند.

برشی و تمرین:

۱. داستانی در مورد کاست‌ها تهیه کنید. آیا در دوران جماعات نخستین
چنین کاست‌هایی می‌توانست به وجود آید؟ ثابت کنید.
۲. چرا برای مبارزه با ستم‌گر، مبارزه با باورهای خرافانی لازم بود؟
۳. در هنر هند باستان چه چیزی مورد پسند شما است؟
۴. از آنچه که خلق هند در عهد قدیم به وجود آورد، چه چیزی هم-
اکنون مورد استفاده ماست؟



دروازه معبد متعلق به قرن اول ق. م.



بخش بالایی ستون سنگی
قرن سوم ق. م. که محله چهار
شیر را نشان می‌دهد.

مومنان را در مقابل خدایان به وحشت افکنند تا به قدرشان ایمان
آورند.

هند-سرزمین زادگاهی شطرنج است. شکل مهره‌های شطرنج
از فرم آرایش سپاهیان هند باستان گرفته شده است. در مقابل سپاه
- پیاده نظام و در مرکز آن - پادشاه و سردار سپاه قرار گرفته که در
طرفین آن‌ها فیل‌ها ایستاده‌اند و بعد - اسب‌ها و در گوشه‌ها - رخ،
به معنای قایق‌ها. شطرنج را در هند «سپاه چهارگانه» می‌نامند.

از قوانین برهمنان

بر اساس این قوانین ثابت کنید که چگونه این باورها نابرابری بین
آدمیان را تثبیت می‌کرد؟ چگونه برهمنان منشاء دولت را توجیه می‌کردند؟
چرا چنین توجیهی برای آن‌ها مفید بود؟

بدان سبب که برهمن از بهترین پاره‌های تن برهما نسب می-
گیرد - آقای تمامی جهان است. هر چه را که خوشایند برهمنان
باشد، باید بی‌دریغ ارزانی داشت.
تنها وظیفه‌ای را که برهما برای شودراها معین کرده، این است

فصل ششم
چین باستان

بندیستم

تشکیل دولت چین

(نقشه شماره ۳)

۱. طبیعت چین

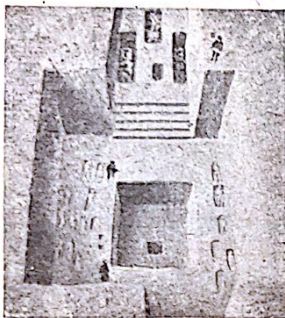
در حالی که در خاور چین، جلگه وسیعی که به دریا پیوندمی خورد، دامن گسترده، بخش غربی چین را، فلات سنگلاخی و سلسله جبال کوهستانی فرا گرفته است.

در نواحی ساحلی چین بارانهای زیادی می بارد. ولی هر چه که در دریا به سوی غرب پیش تر می روید، بارش باران کم و کم تر می شود. در این نواحی خشکسالی های شدید، فراوان روی می دهد. در میان جلگه رودخانه های بزرگ **هوان هه** و **یان تسه** چونان ازدهای بزرگی پیچ و تاب می خورند. ساحل **هوان هه** را خاک زردی تشکیل می دهد که شبیه ماسه های سبک و فشرده طلایی رنگی است. این خاک به خوبی با گاو آهن و کلنگ شخم خورده، و برای کشت و زرع آماده می شود. خاک زرد، در شرایط رطوبت زیاد، بسیار حاصل خیز است.

هوان هه در موقع بارندگی، در امتداد ده ها و صدها کیلومتر سر به طغیان بر می دارد و آب به آسانی سواحل خاک زرد را فرو می پوشاند. به همین جهت **هوان هه** بارها سواحل خود را غرق و ویران ساخته و بستر جدیدی برای خود باز کرده است. آبادی ها، به تمامی

۱۴۴

هوان هه که به هزاره دوم قبل از میلاد تعلق داشت. جسد در کودال وسط گور قرار می گرفت. اطراف کودال اسکلت کثافی دیده می شود که با امیراتور خاک می شدند. کمی دورتر از کودال اسکلت اسبها مشاهده می شوند. ۲: طرف چینی هزاره دوم ق.م.



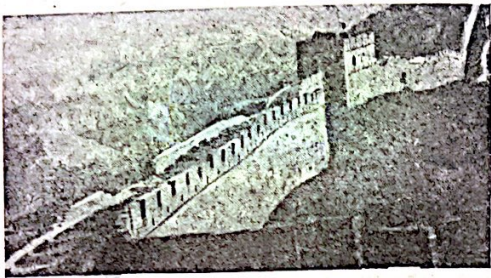
زیر آب رود طغیان گز قرار می گرفتند. چینی ها **هوان هه** را «رود آوار» و «اندوه چین» و «هزار مصیبت» می نامیدند. خاک سواحل **یان تسه** نیز حاصل خیز است: در عهد باستان سواحل رود پوشیده از جنگل های انبوه بود.

۲. دره هوان هه در هزاره دوم ق.م.

کشاورزان در امتداد خاک حاصل خیز، در منطقه وسطای رودخانه **هوان هه** سکونت می کردند. آن ها ارزن و گندم و برنج و سبزیجات کشت می کردند. دام ها را پروار می کردند و به پرورش کرم ابریشم نیز اشتغال داشتند و از رشته های نازک آن، پارچه های زیبا و محکمی تهیه می کردند.

باستان شناسان در سواحل رود **هوان هه** مقابر بسیاری از هزاره دوم قبل از میلاد یافته اند که در تعدادی از آن ها، جسد هایی پیچیده در خصر قرار داشت. در کنار اجساد، ظروفی مخصوص غذا به چشم

۱۴۵



دیوار بزرگ چین (عکس)

حفر می کردند که آب طغیان گزراهمار می کرد. سواحل رودیان تسه نیز همین حال و هوا را داشت.

در تمامی چین شرقی آبادی هایی دیده می شد که آن ها را مزارع و باغ های سبز در احاطه داشتند. به تدریج شهرهایی باده ها هزار سکنه پدید می آمدند.

در چین چندین دولت به وجود آمد که باهم خصومت می ورزیدند. در قرن سوم قبل از میلاد نبر و مندترین دولت های چین - دولت «تسین» بود. پادشاه تسین، با به کار گرفتن زور و نیرنگ و ضمن استفاده از خصومت بین دولت های دیگر، تمامی چین را به تسخیر درآورد. او در سال ۲۲۱ قبل از میلاد خود را «تسین شی هوآندی»، یعنی «نخستین دولت مرد (امپراتور) تسین» اعلام کرد.

۴. ساختمان دیوار چین

تسین شی هوآندی دستور داد برای حفظ کشور از حملات قبایل هون دیواری بزرگ بسازند. قبایل جنگجوی هون که از

می خورد تعداد، دیگری از مقابر، در زمین به شکل خانه هایی کامل ساخته شده بود. اطراف تابوت، اشیای طلائی، اسلحه و ظروف برنزی و سنگی قرار داده بودند. به همراه این گونه مرده ها، ده ها و گاهی صدها نفر از مردم مدفون می شدند تا به روح وی خدمت کنند و از جسدش محافظت نمایند. برخی از این آدم ها را قبل از دفن سربریده و برخی دیگر را دست و پا بسته، زنده به گور کرده بودند. روی صفحه ای استخوانی که از آن دوران یافت شده، نوشته: «برندگان را می سوزانیم، تا بر زمین باران بیارد». وحشت از خشکسالی و طغیان آب اعتقاد به خدایان خشنانك باد و باران و رود را در چینی ها برانگخته بود. به همین جهت بردگان را به عنوان قربانی خدایان می سوزاندند و یا به رودخانه پرتاب می کردند. منابع مادی و مکتوب چینی نشان می دهند که در هزاره دوم قبل از میلاد، در دره هوان هر رژیم برده داری برقرار شده و کهن ترین دولت برده دار چین تشکیل گردیده است.

۳. رشد اقتصاد و تشکیل دولت واحد چین

اگر چه دهقانان برای بارش باران بر مزارع خود، در مقابل خدایان دست به دعا برمی داشتند، ولی بیشتر به نیروی بازوی خویش امید می بستند. آن ها سرودی می خواندند بدین مضمون:

به جای ابر، بیل را برمی دارم،
به جای باران، کرعه می کنم،
در این جا من هم آب دارم هم کود
سنبلا گندم من بلند خواهد شد....

آن ها در سواحل رود هوان هه سدهای آبیگری می ساختند که جلگه را از طغیان ها در امان می داشت و در جلگه کانال هایی

شمال چین کوچ می کردند، به شهرها و آبادی هایورش می آوردند. در کار احداث دیوار چین تعداد کثیری دهقان و برده و سپاهی و محکومین شرکت داشتند. آن ها در طول تمامی مرز شمالی چین دیواری ساختند بابرجهایش به طول تقریباً ۴۰۰۰ کیلومتر و چنان عرضی که پنج نفر سوار می توانستند روی آن در کنار هم حرکت کنند. این دیوار - «دیوار بزرگ چین» نام گرفت. کار ساختمان و تعمیر آن به تناوب قریب ۱/۴ هزار سال به طول انجامید.

۵. جنگ های استیلاگرانه چین

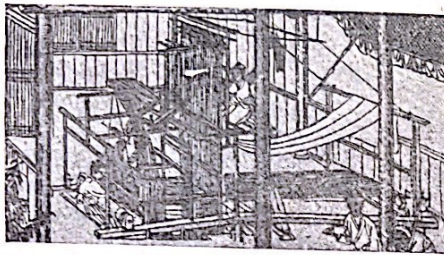
امپراتوران چین به سرزمین پهناور خود قانع نبودند، بلکه چشم به اراضی خارج از مرزهای خویش داشتند. مخصوصاً پادشاهان سلسله هان، که از قرن دوم قبل از میلاد تا قرن دوم میلادی (زمان ما) بر چین حکومت می کردند، جنگ های استیلاگرانه زیادی برآه انداختند. عمده ترین اردو کشی چینی ها به غرب بود امپراتوران سلسله هان می کوشیدند سرزمین های ثروتمند همجوار (بخش آسیائی اتحاد شوروی و مغولستان کنونی) را اشغال کنند. ارتش های کثیرالعدد چینی که به خوبی مسلح شده بودند هون ها را شکست دادند. لشکریان چینی در نتیجه جنگ های دراز مدت و سرسختانه اراضی ای را اشغال کردند که راه کاروان رو غرب، از آن می گذشت. آن ها در امتداد راه مزبور کاروانسراهایی ساخته و در بیابان ها، چاه های آب حفر کرده بودند.

راه درازی را که تقریباً تمامی آسیا را از شرق به غرب دربر می گرفت: راه بزرگ ابریشم نامیدند. چرا که چین از این طریق

محمولات ابریشمی خود را که در تمام جهان بسیار شهرت داشت، حمل می کرد. چینی ها راز تولید ابریشم را به شدت حفظ می کردند و از تجارت انحصاری آن، درآمد کلانی به جیب می زدند. از جاده بزرگ ابریشم، نیروهای پیاده و سواره چین نیز که برای جنگ استیلاگرانه به حرکت در می آمدند، عبور می کردند.

پرسش و تمرین:

۱. خلق چین در مبارزه با طبیعت بر چه دشواری هایی فایق آمد؟ این دشواری ها بر عقاید مذهبی مردمان چین باستان چه انعکاسی داشتند؟
۲. کدامین منابع هزاره دوم قبل از میلاد گواه بر آن است که در چین این زمان، دولت برده دار تشکیل شده بود؟
۳. روی نقشه خاگ دولت چین را در قرن سوم قبل از میلاد پیدا کنید نشان دهید چه سرزمین هایی را آن ها با جنگ در قرن دوم قبل از میلاد اشغال کرده اند.
۴. با استفاده از متن و تصاویر و نقشه، حکایت دیوار چین را بیان دارید.
۵. چند سال پیش دولت واحد چین تشکیل شد؟



۱. دستگاه بافندگی
۲. سکه چینی.



قیام‌های خلق در چین باستان

بند بیست و یکم

(نقشه شماره ۳)

به‌خاطر آوردن: در سرزمین‌های شرق باستان مردم چگونه برده می‌شدند؟
(بند ۷- ماده ۲، بند ۱۵- ماده ۴، بند ۱۵- متن پیوست، بند ۱۶- ماده ۳).

۱. «دولت رو دولت: نکبت رونکبت»

در موقع حکومت امپراتوران هان ثروت برده‌داران فزونی گرفت و استثمار بردگان و دهقانان بیش‌تر از پیش شد. نویسندگان آن‌زمان نوشته‌اند که «مزارع ثروتمندان در همه‌جا گسترده‌است، در حالی که برای فقیران زمین نمانده تا درفش خویش فروبرند». بسیاری از دهقانان مجبور بودند یا زمین را از ثروتمندان اجاره کنند و یا به‌مزدوری آن‌ها تن دهند.

تقریباً تمام آن‌چه را که دهقان در نتیجه کار خود به‌دست می‌آورد، بابت مالیات‌ها و اجاره‌بهای زمین می‌پرداخت. دهقانان «غذای خوکان و سگان می‌خوردند» و رختی از کاه و برگ و نی برتن داشتند.

* این بند عمداً فاقد سوتیتر است. فقط شماره‌های مواد ذکر شده، مترجم با سلیقه خود سوتیترهایی انتخاب کرد. به‌پرستی و تمرین همین بند رجوع کنید.

۱۵۰

در چین تعداد بردگان به مراتب زیاد شده بود. در معادن و کان‌ها که به‌امپراتور تعلق داشت، ۷۰ هزار برده کار می‌کردند. لشکریان چینی تنها بایک اردو کشی بر علیه کوچ‌نشینان، ۲۰۰ هزار نفر را اسیر کرده بودند. مردمانی که مالیات یا قروض خود و یا اجاره‌بهای اراضی را نمی‌پرداختند، به‌برده تبدیل می‌شدند. فقیران از گرسنگی کودکان خود را به‌بردگی می‌فروختند. به‌خاطر اندک گناهی، بقصر و خانواده‌اش برده می‌شدند. برده‌داران می‌رفتند در سیاه‌چال‌ها و محکومین را گوئی که گله گاو و گوسفند می‌خرند، خریداری می‌کردند.

در جاده‌های چین بردگان ژنده‌پوش بی‌نوا را، در حالی که چون حیوانات درنده به‌زنجیر کشیده شده بودند، به‌پیش می‌رانندند. سربرندگان را می‌تراشیدند و به‌چهره‌هایشان داغ می‌زدند.

۱۵۱

۲. «نه خودخوری نه کس دهی...»

در مورد زندگی برده‌داران در قرن دوم قبل از میلاد يك نویسنده باستانی چین می گوید: «هزاران مردوزن برده در خدمت دارند. اشیای گران بهایشان به قدری زیاد است که در خانه‌های بزرگشان جا نمی‌گیرند. برای اسبان و گاو و گوسفندان و خوکانشان، دشت و کوه کفایت نکند. خوانندگان و نوازندگان همیشه در خدمت حاضرند. شراب به قدری زیاد است که می‌گندد». دهقانان و بردگان به حق برده‌داران را نام داده بودند: «موش‌های صحرایی کثیفی که وجدان ندارند و غله دیگران را با حرص می‌بلعند».

۳. نبردهای پارتیزانی

فقیران و بردگان به کوه‌ها و جنگل‌های گریختند. در دسته‌هایی گرد می‌آمدند و به کارمندان حکومت و برده‌داران حمله می‌کردند. دست نبشته‌های چینی پر است از این جملات: «بردگان رؤسای کبان‌ها را کشته، سلاح‌هایشان را برده‌اند»، «بردگان حیل‌گر به کارمندان حمله ور شده، انبارها و اسلحه‌ها را غارت کردند»، «رؤسا را کشته، سلاحشان را بردشته‌اند». یکی از بزرگ‌ترین قیام‌های خلق در چین، در آغاز قرن اول میلادی رخ داد. این قیام به شورش ابرو و قمرزها مشهور شد.

۴. براندازی

در اواخر قرن دوم میلادی و ۱۰۰ سال پس از قیام ابرو و قمرزها سه برادر بنام چانگ خلق را به سرنگونی امپراتور و برقراری يك زندگی سعادت آمیز دعوت کردند. در تمامی چین تدارك قیام دیده می‌شد:

۱۵۲



شخم شالیزار در چین

در اعماق کان‌ها، در کارگاه‌ها و در آبادی‌ها، پنهانی دسته‌های مسلح ایجاد می‌شدند. در سال ۱۸۴ میلادی، خائنی نقشه قیام را فاش کرد. بیش از ۱۰۰۰ نفر از طرفداران برادران چانگ دستگیر و اعدام شدند. آنگاه برادران چانگ دستور دادند که بی‌درنگ قیام آغاز شود. صدها هزار نفر دهقان و برده، به قیام برخاستند. شهرها را اشغال کردند و اموال ثروتمندان را مصادره نمودند و، زندانیان و بردگان محکوم را آزاد ساختند. قیامیان به علامت نبرد خود با ستم‌گران نوار زرد رنگی به سر می‌بستند. از همین جا عنوان «قیام نوار زردها» پدید آمد.

امپراتور و برده‌داران به وحشتی عمیق دچار شدند. آن‌ها تمامی فرزندان کارمندان و فرماندهان سپاه و تمامی خادمین مطمئن خود را به خدمت در ارتش فراخواندند. برده‌داران نیروی عظیمی گرد آورده، خود فرماندهی آن‌ها را بر عهده گرفتند. تقریباً در تمامی

۱۵۳

سرزمین چین جنگ بین استثمارکنندگان و استثمارشوندگان جریان داشت.

۵. شکست ثمره عدم اتحاد

حتی دشمنان قیامیان نیز از مردانگی و دلاوری آنها سخن می گفتند. با وجود این، «نوار زردها» نیروهای خود را یکی نکرده هر دسته ای به تنهایی می جنگید، آنها از داشتن سلاح و تجربه ای که لشکریان امپراتوری داشتند، بی بهره بودند.

لشکریان امپراتوری، غافلگیرانه بر اردوگاه «نوار زردها» حمله آوردند، آنها را به باتلاقها و رودخانهها عقب راندند: ۵۰ هزار نفر غرق شدند. فرماندهان سپاه دستور دادند از سرهای بریده ستم دیدگان برجی بلند بسازند. واحدهای اصلی نه ارزردها سرکوب گردید. برادران چانگ در نبرد کشته شدند. ارتش ستم گران کلیه کسانی را که مشکوک به شرکت در قیام بودند، بازداشت و اعدام می کرد. آنها، حتی به کودکان و زنان نیز رحم نمی کردند.

به جای واحدهای از میان رفته دهقانان و بردگان - واحد های جدیدی ایجاد می شد. برده داران تنها پس از ۲۰ سال نبردی امان و اعدام های بی رحمانه و فراوان موفق شدند قیام را به خوابانند. اگرچه این قیامها با شکست روبرو شد، ولی در تضعیف قدرت سلسله منفور هان تأثیر به سزائی داشت. چند سال بعد آخرین امپراتور سلسله هان به قتل رسید. امپراتوری به چند دولت کوچک تر، تقسیم شد.

قیام سرخ ابروان

(از تألیفات مورخان چین باستان)

قیامیان به سان توده ای زنبور، نمایان شدند. فان چون شجاع بود و توده ها به سویش کشیده می شدند. فان چون و هوادارانش ضمن تدارک نبرد، ابروان خود را بارنگ قرمز - می آراستند تا از لشکریان امپراتور متفاوت باشند.

امپراتور ۹ نفر را به سپه سالاری برگزید و آنها را «بیر» نامید و در رأس ده هزار سپاهی قرارداد. او به هر سپاهی ۴ هزار سکه هدیه کرد. ولی سپاهیان مایل به جنگ نبودند. شش «بیر» سرکوب شده و پا گذاشتند به فرار. سه «بیر» دیگر، سپاه پراکنده را گردآورده و به حفاظت پایتخت گماشتند.

قیامیان از همه سو به پایتخت روی آوردند. امپراتور دستور داد که محکومین را از سپاه چالها آزاد کرده و به آنها اسلحه دهند. همین که سپاه متشکل از زندانیان از شهر خارج شد، همگی فرار کردند.

قیامیان به پایتخت یورش بردند. شهر آتش گرفت و در معاشرش، نبرد جریان یافت. امپراتور در کاخی که در جزیره ای واقع در میانه یک برکه بود پنهان گردید.

قیامیان آگاه شدند، کاخ را به محاصره گرفتند و با کمان تیراندازی کردند. مدافعان امپراتور به تدریج از پای درآمدند و تیرهایشان تمام شد و نبرد تن به تن در گرفت. قیامیان امپراتور را دستگیر و سراز تنش جدا کردند.

«سرخ ابروان» نتوانستند از پیروزی خود بهره گیرند. دهقانان و بردگان تصویری کردند که تمامی بدبختی آن‌ها از این جهت است که امپراتور خبیثی دارند و اگر امپراتور عادل نصیبشان شود، زندگی آن‌ها آسان تر خواهد شد. به همین سبب به برده‌داران امکان دادند. امپراتور جدیدی را براریکه قدرت بنشانند.

پرسش و تمرین:

۱. در بند ۲۱ فقط شماره مواد ذکر شد. شما خود سوتیترهایی برای آن انتخاب کنید.
۲. شما از بند ۲۱ چه راه‌هایی برای برده‌شد آدمیان شناخته‌اید؟
۳. علت‌های اصلی قیام «نوارزرها» چه بود؟ چه چیزی به خیزش این قیام کمک کرد؟
۴. چرا قیام شکست خورد؟
۵. چندسال پیش قیام «نوارزرها» صورت گرفت؟ تا قیام نوارزرها چندسال از پیدایش دولت واحد چین گذشته بود؟
۶. براساس متن، داستانی در مورد زندگی دهقانی که به برده تبدیل می‌شود و در قیام نوار زرها شرکت می‌کند، بنویسید.

بند بیست و دوم

فرهنگ چین باستان

به خاطر آورید: چه‌ذاتی در مصر و میاندورود قدیم به وجود آمد؟ چرا به وجود آمد؟ (بند ۱۲ - مواد ۱ و ۳ و ۲ و ۷ - ماده ۵).

۱. خط

خلق چین قریب به دو هزار سال قبل از میلاد خط خود را به وجود آورد. هیروگلیف‌های می‌شد برای نوشتن. هر هیروگلیف به معنای يك واژه کامل بود. مثلاً يك هیروگلیف 木 به معنای درخت بود و دوتای آن 林 به معنای جنگل و سه‌تای 森 به معنای بیشه. در خط چینی چند ده هزار هیروگلیف وجود دارد.

دهقانان نمی‌توانستند باسواد شوند. سال‌های زیادی لازم بود تا هیروگلیف‌ها را بیاموزند و فقیران پولی برای آموزش کودکان خود در بساط نداشتند.

چینی‌های قدیم روی استخوان، ابریشم و ورقه‌های خیزران چیز می‌نوشتند. ابریشم گران بود و فقط در مواردی روی آن نوشته می‌شد که یادداشت خیلی مهم باشد. با بهم پیوستن ورقه‌های خیزران کتاب تهیه می‌شد.

در قرن اول میلادی چینی‌ها کاغذ را اختراع کردند. آن‌ها کاغذ را از تکه پاره‌های پارچه و پوست درختان و خیزران درست

سیاحان چینی «کتاب مربوط به کوه‌ها و دریاها»- جغرافیائی چین را تنظیم کرده بودند. این کتاب حاوی اطلاعات مفیدی پیرامون طبیعت کشور بود. ولی در مورد نقاطی که کمتر شناخته شده بودند، اطلاعاتی تخیلی ارائه می‌دادند. مثلاً: «آن جاها، ارواحی زندگی می‌کنند که چهره‌ای آدمی شکل و بدنی ببرمانند و پوستی پلنگ آسا و دمی سفید دارند». چینی‌های عهد باستان قطب‌نما را نیز اختراع کردند.

۳. «یادداشت‌های تاریخی»

در قرن دوم و آغاز قرن اول قبل از میلاد مورخ نامدار چین سیماتسیان زندگی می‌کرد. او استاد تاریخی فراوانی را گرد آورده بود و بررسی می‌کرد. سیماتسیان تقریباً به تمامی نقاط چین سفر کرده و در محل‌های وقایع بسیار مهم حضور یافته و از آثار کهن دیدن کرده بود. مورخ داستان گواهان وقایع و بسیاری از حکایات شفاهی مربوط به گذشته دور را یادداشت می‌کرد و خود شاهد بسیاری از وقایع بود. او براساس این منابع تاریخ چین را از ایام دیرین تا آخرین سال حیاتش به رشته تحریر درآورد. کتابی را که مورخ، زندگیش را وقف آن کرد «یادداشت‌های تاریخی» نام گذاشت.

۴. هنر چین باستان

چینی‌ها در عهد قدیم داستان‌ها و ترانه‌ها و افسانه‌های زیادی ساخته‌اند. در این آثار مردم طبقات گوناگون نظرات و احساسات خود را بیان داشته‌اند. (پیوست‌های این بند را بخوانید).



۱۵۰. خط قدیمی چین در روی کاغذ. ۲. تهیه کاغذ در چین در این تصویر باستانی سمت چپ ماده خام کاغذ در دیک پخته می‌شود و سمت راست شخصی از آن ورقه کاغذ درست می‌کند. بالای سر او هیروکلیم چینی دیده می‌شود.

می‌کردند. اختراع کاغذ برای پیشرفت آموزش و پرورش، امر بسیار مهمی بود.

۲. آگاهی علمی

دانشمندان چینی کتاب‌های زیادی نوشته‌اند. در تألیفات مربوط به کشاورزی تجارب هزاران ساله دهقان چینی در امور راجع به کشت و دام‌پروری و پرورش کرم ابریشم، توصیف می‌شود. پزشکان چین باستان با وسایل بسیاری برای معالجه بیماری‌ها و زخم‌ها آشنا بودند. یکی از داروهای آنان- چای بود که نیروی بیمار را حفظ می‌کرد. بعدها از چای به عنوان یک ماده نوشیدنی استفاده کردند.

اخترشناسان چینی جهان را به تخم مرغ عظیمی مقایسه می‌کردند که زمین زرده آن و آسمان پوسته آن است و اجرام آسمانی از داخل به آسمان کوبیده شده‌اند و به همین جهت آسمان با اجرامش گرداگرد زمین می‌چرخد.

ساختمان‌های چین باستان به‌طور عمده چوبی بودند و به همین جهت تا دوران ما باقی نمانده‌اند. در عوض آثار بسیاری از هنر چین باستان به ما رسیده است. این آثار از سنگ، برنز و سفال پرداخته شده‌اند و مارا با زندگی و باورهای چینیان قدیم آشنا می‌سازند. ظروف برنزی و سنگی چینی دارای اشکال گوناگونی می‌باشند. روی این ظروف تصویر اهریمنان و حیوانات و حیوانات افسانه‌ای و نقش‌ونگارهای زیبا و صحنه‌هایی از افسانه‌ها رسم شده است.

هنرمند زندگی مردمان طبقه‌های مختلف رادر دوران حکومت سلسله هان نشان می‌دهد. تصویرهایاکل زحمتکشان و ماکت‌خانه ثروتمندان و کلبه فقیران از گل ساخته می‌شد. در سنگ بریده‌ها مهمانی‌های دربار تجسم می‌گردید.

برگی از «پاداشت‌های تاریخی» سیماتسیان

از این داستان در مورد باورهای خرافی مردم چین باستان چه چیزی می‌توان فهمید؟ سیماتسیان در مورد کاهنان چه روشی دارد؟ در یکی از شهرها، هر سال جشن عروسی خدای رودخانه را برپا می‌داشتند. کاهن‌ها و همسرانشان زیباترین دختران را به آب می‌افکندند. و از مردم؛ برای عروسی مبلغ کلانی جمع‌آوری می‌کردند. شهرنشینان دادشان بلند شد: میزان جمع‌آوری مالیات، کاهش یافت. این موضوع حاکم ولایت را نگران کرد. او به عروسی آمد. به عروس نگریست، گفت برای خدای رودخانه به اندازه کافی وجاهت ندارد، همسر کاهن کل باید برود از خدای رودخانه تقاضای صبر کند تا عروس زیبایی پیدا شود. پس حاکم دستور داد زن کاهن کل را به آب افکندند (تا پیغام



۱۵. نقوش برجسته چینی
شیافت در دربار چین. پائین؛
درباریان به‌سوی دربار می‌روند.
وسط؛ میزبان پذیرایی می‌کند.
بالا؛ نوازندگان هنرنمایی می-
کنند و نگهبانان مراقبت.

را برساند). چون همسر کاهن کل باز نگشت: حاکم سه همسر کاهن‌های کوچک‌تر را به دنبالش فرستاد. پس آن‌گاه حاکم گفت که چون همسران نمی‌توانند برای خدای رودخانه قضیه را تشریح کنند، باید خود کاهن را به آب افکندند. پس از این بود که دیگر هیچ کس جرأت نکرد برای خدای رودخانه عروسی بگیرد.

از آثار نویسندگان چین باستان

این نویسندگان نظرات و منافع چه طبقاتی را بیان می‌دارند؟ نظرات خود را ثابت کنید.

۱. ای ارباب! شما که نه کشت می‌کنید و نه برداشت چرا سی‌هلیون ساقه گندم دارید؟
این گاوها چگونه به کاخ شما آمده‌اند؟
انسان واقعی هرگز نمی‌خورد
مثل شما، نان یکبارگی را.
۲. چرا در زمین مردم برابر نیستند؟
ثروتمندان بر تیغ و ارزن فراوان می‌خورند.

ولی فقیران از زباله‌ها.
چه بدتر است؟ این که فقیر باشی یا برده
يك ثروتمند احمق؟

۳.

آسمان خود سخن نمی‌گوید. به انسان دستور می‌دهد
که اندیشه‌اش را بیان دارد. امپراتور بدین مهم، مامور است
به همین جهت او را «فرزند آسمان» نامند.
فرزند آسمان از آسمان دستور گیرد، و زیردستان از
فرزند آسمان.

پرسش و تمرین:

۱. خط کدام ملتی شبیه خط چینی است؟ از چه بابت شبیه است؟ تفاوتشان چیست؟
۲. چینی‌های قدیم چه اختراعات و کشفیاتی کردند؟
۳. سیماتسیان از چه منابعی استفاده می‌کرد؟ نقطه نظرهای مثبت او به عنوان انسان و مورخ چیست؟
۴. از روی آثار هنری چین باستان، در مورد تاریخ این کشور چه چیزی کسب کرده‌اید؟

نتیجه‌ی بخش «شرق باستان»

منظور از «شرق باستان» چیست؟ «شرق باستان» چه اهمیتی
برای تاریخ جهان دارد؟

شرق یا خاور باستان به گروهی از کشورهای آسیا و شمال
شرقی آفریقا می‌گویند که در دوران قدیم، در سرزمین‌هایشان
دولت‌هایی به وجود آمد. در این کشورها: زودتر از سایر سرزمین‌های
دیگر - کشاورزی، دام‌پروری و صنعتگری تکامل و گسترش پیدا کرد.
خلق‌های شرق باستان بسیاری از حیوانات سودمند را اهلی
کردند و پرورش بسیاری از گیاهان مفید را یاد گرفتند. در شرق
باستان، صنعتگری و از جمله: کار روی فلزات و تولید پارچه
تکامل و گسترش زیادی پیدا کرد. خلق‌های شرق باستان: خط را
به وجود آوردند، شالوده نخستین علم ستاره‌شناسی و پزشکی و سایر
علوم را پی‌ریزی کردند و تقویم را به وجود آوردند. در کشورهای
شرق باستان، آثار برجسته‌ای در مجسمه‌سازی، معماری و ادبیات
به وجود آمد.

در شرق باستان، شالوده تکامل بعدی فرهنگ جهان پی‌ریزی

شد.

چگونه در کشورهای شرق باستان، طبقه کم‌عده برده‌دار فرمانروایی خود را بر میلیون‌ها برده و کشاورز حفظ می‌کرد؟

برده‌داران برای این که فرمانروایی خود را بر کشاورزان و بردگان حفظ کنند، به نیرویی احتیاج داشتند که مقاومت آنها را سرکوب کند. این نیرو را فقط دولت می‌توانست به وجود آورد، که دارای ارتش، مأمور، قاضی و زندان بود. دولت، قانون‌هایی می‌گذراند که برای زحمتکشان بیرحمانه و برای برده‌داران سودمند بود. بدین جهت، هنگامی که طبقه‌ها تشکیل گردید: دولت هم به وجود آمد. باورهای خرافی نیز برده‌داران را برای فرمانروایی بر زحمتکشان مددکار بود.

پرش و تمرین:

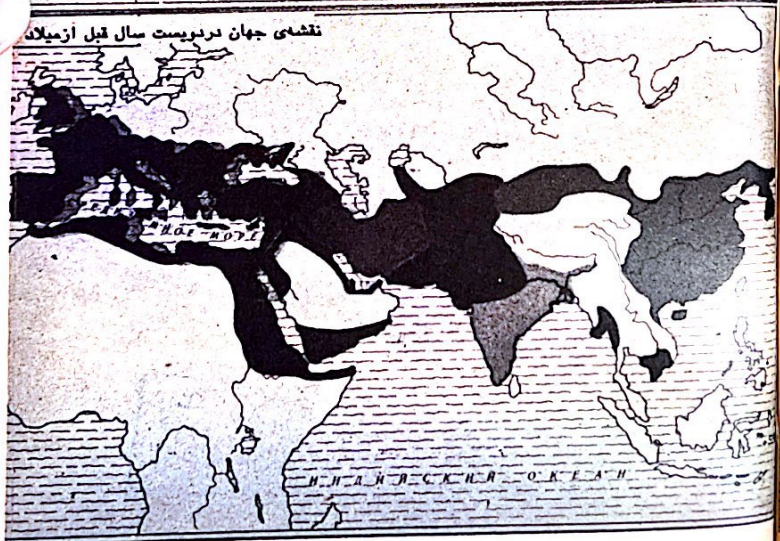
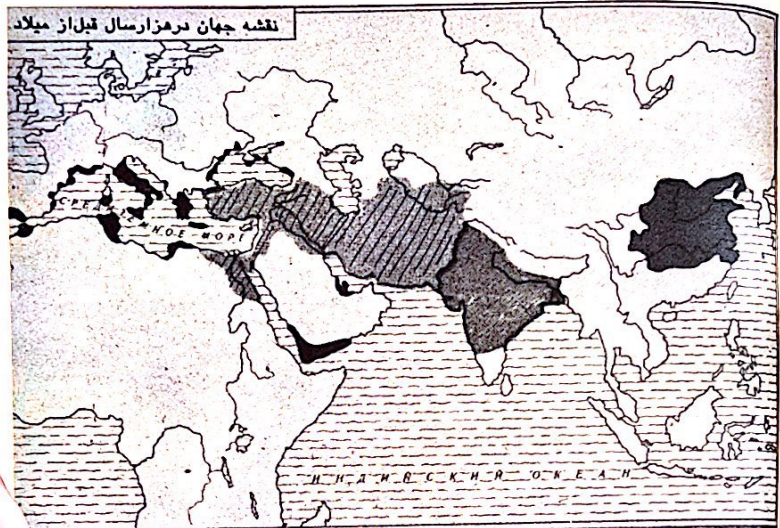
۱. در طبیعت مصر، میاندورود، هندوچین چه چیز بهم شبیه است؟ شما این ضرب‌المثل را چگونه تفسیر می‌کنید. «بچه‌ها از طلا گران‌بهارند، اما آب از بچه‌ها گران‌بهار»؟
۲. در کار و پیشه مردم مصر، میاندورود، هندوچین، در دوران باستان، چه چیزی شبیه است؟ چه گیاهان مفیدی به وسیله ملت‌های این کشورها پرورش داده می‌شد؟ آن‌ها تربیب کردن چه حیوانات سودمندی را یاد گرفتند؟ شما چه صنعتگری‌هایی در شرق باستان می‌شناسید؟ چه بناهای عظیمی در شرق باستان احداث شد؟
۳. چرا در کشورهای شرق باستان: نظام برده‌داری به وجود آمد؟ نظام برده‌داری چه تفاوتی با نظام جماعتی نخستین داشت؟ چرا با تشکیل طبقه‌ها، دولت نیز تشکیل گردید؟
۴. چه قیام‌های بزرگی از جانب ستم‌دیدگان: در شرق باستان رخ داد؟ این قیام‌ها در چه سالی اتفاق افتادند؟
۵. چه علومی در شرق باستان به وجود آمد؟ چرا این علوم به وجود آمد؟

چرا در شرق باستان، نظام برده‌داری برقرار شد؟

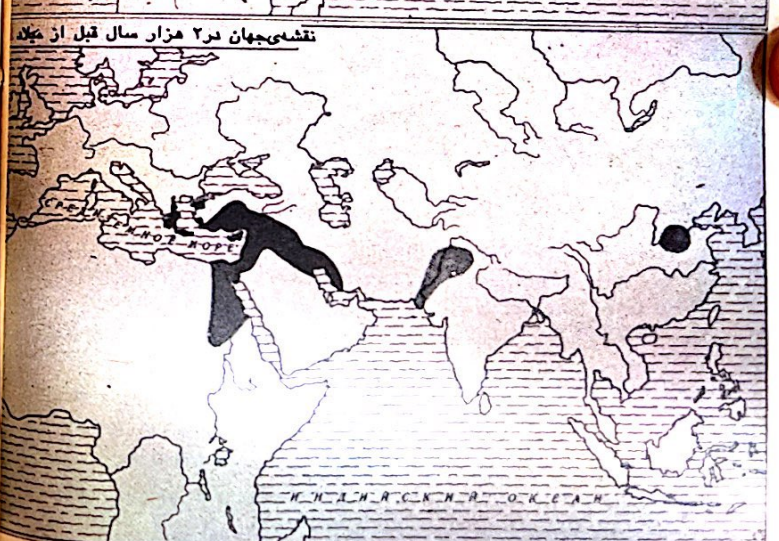
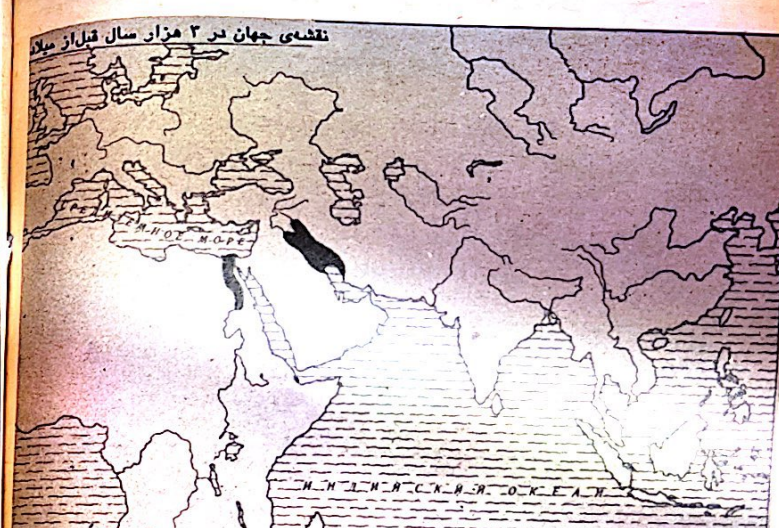
دولت مصر در دره رودخانه نیل شکل گرفت، دولت بابل در دره‌های فرات و دجله و دولت هند: در دره رود هند و دولت چین در دره رود هوان‌هه تشکیل شد. در این دره‌ها، زمین‌هایی که به وسیله طغیان رودها آبیاری می‌شد: بسیار حاصل‌خیز بودند. با شخم زدن این زمین‌ها، به وسیله خیش‌های چوبی، مسی و حتی به وسیله ابزارهای سنگی و استخوانی، محصول بسیار خوبی به دست می‌آمد. (به خاطر آوردید، که مثلاً چه محصول‌هایی در میاندورود جنوبی به دست می‌آمد.) این محصول: فقط به مصرف غذای کسانی که کاناال می‌کنند و سد می‌ساختند و زمین را شخم می‌زدند، نمی‌رسید، بلکه مقداری هم از آن باقی می‌ماند.

بدین‌سان، استثمار دیگران در کار: در دره‌های این رودهای بزرگ، زودتر از جاهای دیگر مفید واقع شد. در نتیجه، در این سرزمین‌ها، ابتدا برده کردن اسیران و سپس برده کردن همسایگان ورشکسته آغاز گردید و طبقه‌های برده‌دار به وجود آمد. در دره‌های نیل، فرات، دجله، هوان‌هه: نظام برده‌داری در هزاره‌های چهارم الی دوم قبل از میلاد، استقرار یافت.

بیشتر سکنه کشورهای شرق باستان را کشاورزان تشکیل می‌دادند و کسانی هم که به صنعتگری می‌پرداختند، بیشتر صنعتگران آزاد بودند.



پادشاهی مصر باستان
 دولت درخت
 پادشاهی ایران
 دولت روم
 پادشاهی یار
 سایر دولت‌های برده‌دار
 دولت درخت
 پادشاهی مصر باستان
 دولت درخت
 پادشاهی ایران
 دولت روم
 پادشاهی یار
 سایر دولت‌های برده‌دار
 دولت درخت



سکونتگاه جماعتی نخستین
 پادشاهی مصر باستان
 دولت درخت
 پادشاهی ایران
 دولت روم
 پادشاهی یار
 سایر دولت‌های برده‌دار
 دولت درخت
 پادشاهی مصر باستان
 دولت درخت
 پادشاهی ایران
 دولت روم
 پادشاهی یار
 سایر دولت‌های برده‌دار
 دولت درخت



ف. کوروفکین

«فیودور پروویچ کوروفکین در سال ۱۹۰۳ بدنیآ آمد. از دانشگاه دولتی مگو - لاهانوسوف فارغ التحصیل شد. اکنون کارمند ارشد انستیتوی پژوهشات علمی و مندرجات کتب درسی و متدیسای آموزشی فرهنگستان علوم تریبیتی اتحاد شوروی و نامزد دکترای علوم این رشته است.

ف. پ. کوروفکین دارای عنوان رسمی آموزگار شایستهی جمهوری شوروی فدراتیو روسیه میباشد. او بدریافت جایزه‌ی دولتی اتحاد شوروی نیز نایل آمده است.»



غلامحسین متین

برخی از آثار :

ترجمه :

وقتر بابام کوچوله بود - آلکاندر راسکین
لالایی برای بچه‌ها - مامین سیمبریاک
آمریکای لاتین - قارۀ فقر و ثروت.
بررسی یک جامعه - تاراسوف
پیدایش جهان - فیلسف لف
آغاز سقوط استعمار - ی. ژوکوف و...
کارتل‌های بین‌المللی - ای. ایوانوف و...
گونه‌ای از تاریخ ایران - فتح‌عبدالله یف
مأموریت حساس - سرگنی میخائیلوف
شناخت طبیعت - میخائیل استکانکین
آنها برای میهنشان جنگیدند - م. شولوخوف
عارفی - شاعر مردم - حسن قائم پناه
اشعه ایکس - م. برونشین
جهان دواصر - و. باکونین و...
لنین و انقلاب - آبیچکین
تجزیه تاریخی راه دغد غیر سرمایه‌داری
و. بوگوسلافسکی، و. سولودوونیکوف
نیروئی که جهان را به حرکت درمی‌آورد -

م. و. یلیف، ل. استاینوکویچ
یونان باستان - ف. کوروفکین
روم باستان - ف. کوروفکین
ارکش خلق - ن. اوستیاکین

شعر :

مگرک و خرگوش‌ها (منظومه)
شعر برای بیداری - (سخنرانی)

مرکز پخش : پیک ایران

خیابان انقلاب، فروردین - تلفن: ۶۶۵۲۱۴